

اشاره

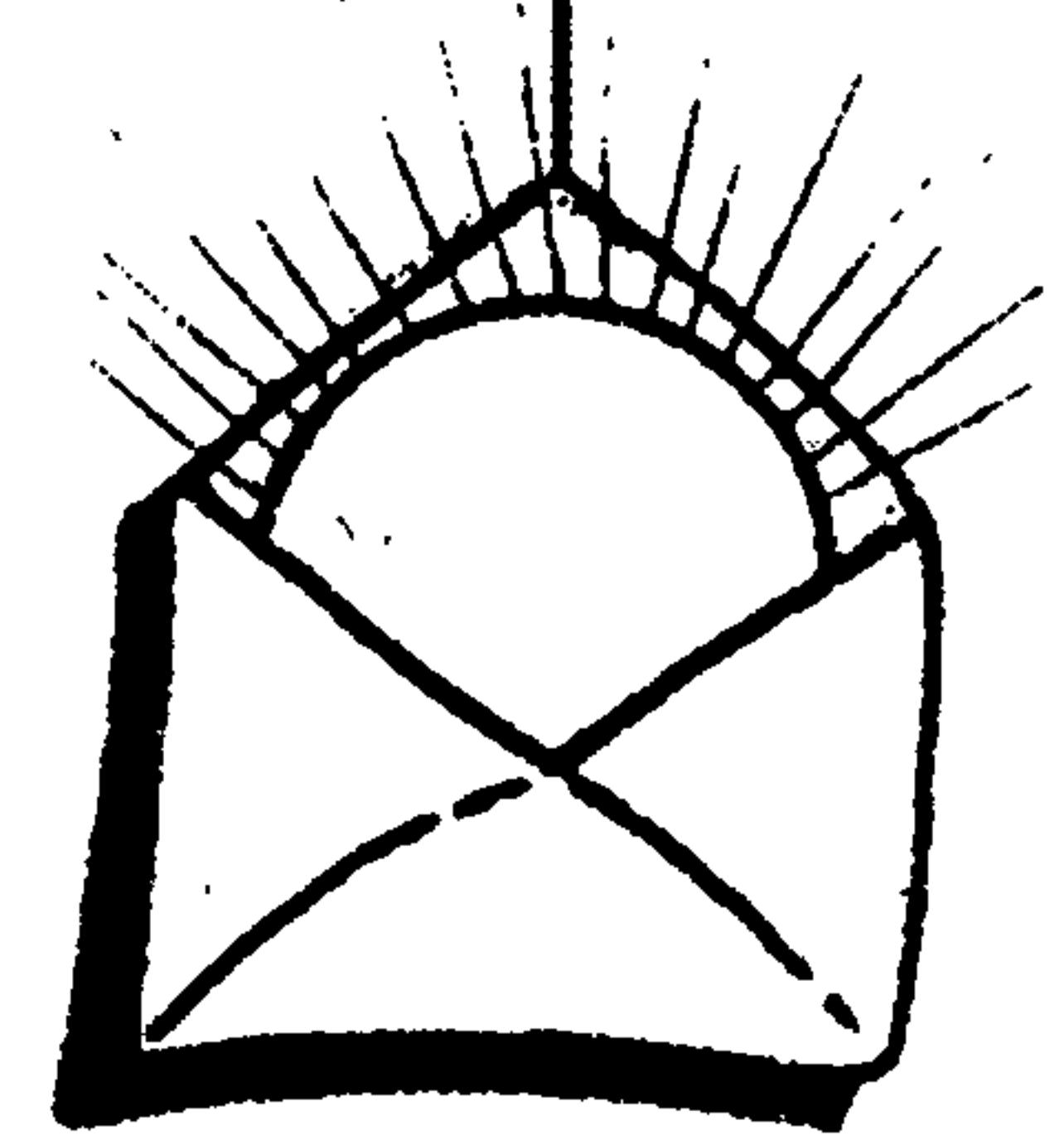

نتیجه‌ای که از تفکر در آیات، روایات و تشرفات به دست می‌آید این است که ارتباطی خیلی نزدیک بین حضرت زهرا (علیها السلام) و حضرت مهدی (عج) وجود دارد، گویی رمز و رازی میان این دو بزرگوار می‌باشد.

نوشتار حاضر، تلاش برای بیان این ارتباط اساسی و تشابه این دو وجود نورانی، علیهم السلام، است.

حضرت زهرا (سلام الله علیها)

و امام مهدی (علیه السلام) (۱)

علی مصلحی



انظار

۱۲۸

مهدی(عج)، ادامه‌ی زهرا(س) و آینه‌ی تمام نمای اوست. اهداف مهدی(عج) اهداف
فاطمه(س)، و راه او راه فاطمه، و سلوک او سلوک فاطمه است.

فاطمه با نام مهدی شاد می‌شد و با یاد او خود را تسلیت می‌داد. بدون مهدی(عج)، تحمل
شهادت حسین(ع) بر فاطمه سنگین می‌نمود. چون بی مژده‌ی او، رسالت پدرش و تمامی انبیاء
سلف را ناتمام می‌یافت.

مهدی باوری بی‌شناخت فاطمه می‌سور نیست. فاطمه به چنین فرزندی می‌بالد و مهدی نیز
بر چنین مادری فخر می‌فروشد. مناسب است به نمونه‌هایی از این ارتباط و مشابهت‌ها در آیات
وروایات و برخی تشرفات معتبر پردازیم:

حضرت مهدی(عج) فرزند حضرت فاطمه(س)

مهدی(عج) ادامه‌ی زهرا(س) فرزند فاطمه(س) است، به بعضی از روایات خاصه و عامه
اشاره می‌کنیم.^۱

روایات خاصه:

الف) قال رسول الله(صلی الله علیہ وآلہ وسلم) : المهدی من عترتی من ولد فاطمة
یقاتل علی سنتی کما قاتلت علی الوحی^۲
پیامبر اکرم(صلی الله علیہ وآلہ وسلم) فرمودند: مهدی(علیہ السلام) از خانواده من و از
فرزندان فاطمه(علیہا السلام) است که بر اساس سنت من جنگ می کند؛ چنانکه من بر طبق
و حی جنگ کردم.

قابل توجه است که پیامبر(صلی الله علیہ وآلہ وسلم) در ابتدا به طور کلی می فرماید: مهدی
از عترت من است؛ سپس با «من» دایره را تنگ می کند؛ که از فرزندان فاطمه(علیہا السلام)
است.

ب) روایت دیگری که دلالت بر این مطلب می کند، قسمتی از حدیث لوح است؛ که
خداوند فرمود: وَأَعْطَيْتُكَ يَا مُحَمَّدَ مَنْ أَخْرَجَ مِنْ صَلَبِهِ (يعنی علیاً) أَحَدُ عَشْرَ مَهْدِيَّاً؛ كُلُّهُمْ مِنْ ذُرِّيْتِكَ مِنْ الْبِكْرِ الْبَتُولِ؛ آخِرُ رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْجَى بَهُ مِنَ الْهَلْكَةِ...^۳

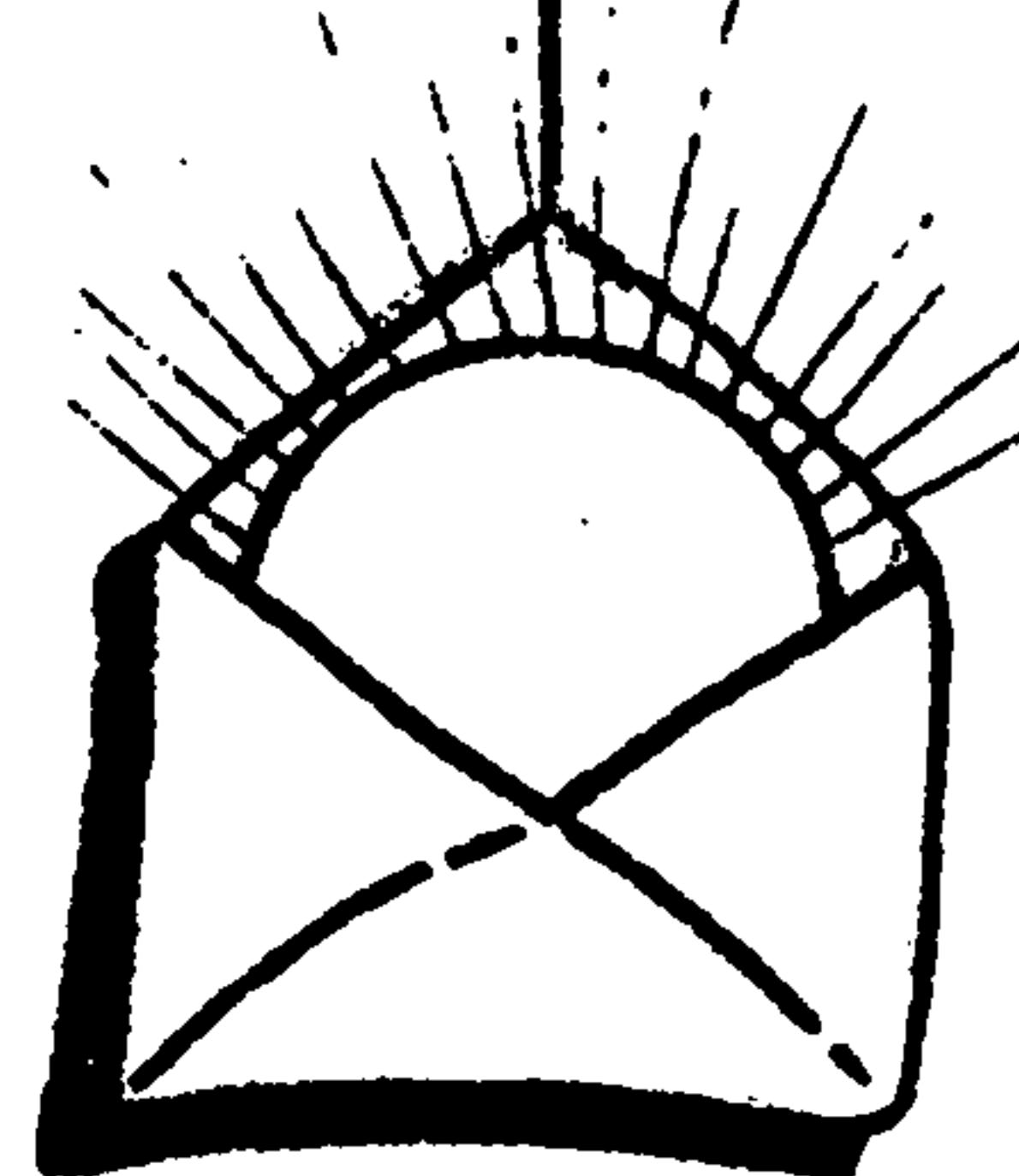
ای محمد! به تو عطا کردم کسی را (علی) که یازده راهنما از نسل او خارج خواهم کرد؛
که همگی از نسل تو، از زهرای بتول است. آخرین آنها مردی است که به دست او از هلاکت
نجات می بخشم...

به همین دو روایت از روایات خاصه اکتفا می کنیم.

روایات عامه:

الف) عن ام سلمة، قالت: سمعت رسول الله(صلی الله علیہ وآلہ وسلم) يقول: المهدی
من عترتی من ولد فاطمة^۴
ام سلمه می گوید: از پیامبر(صلی الله علیہ وآلہ وسلم) شنیدم که می فرمود: مهدی(علیہ السلام)
از خاندان من، از فرزندان فاطمه(علیہا السلام) است.

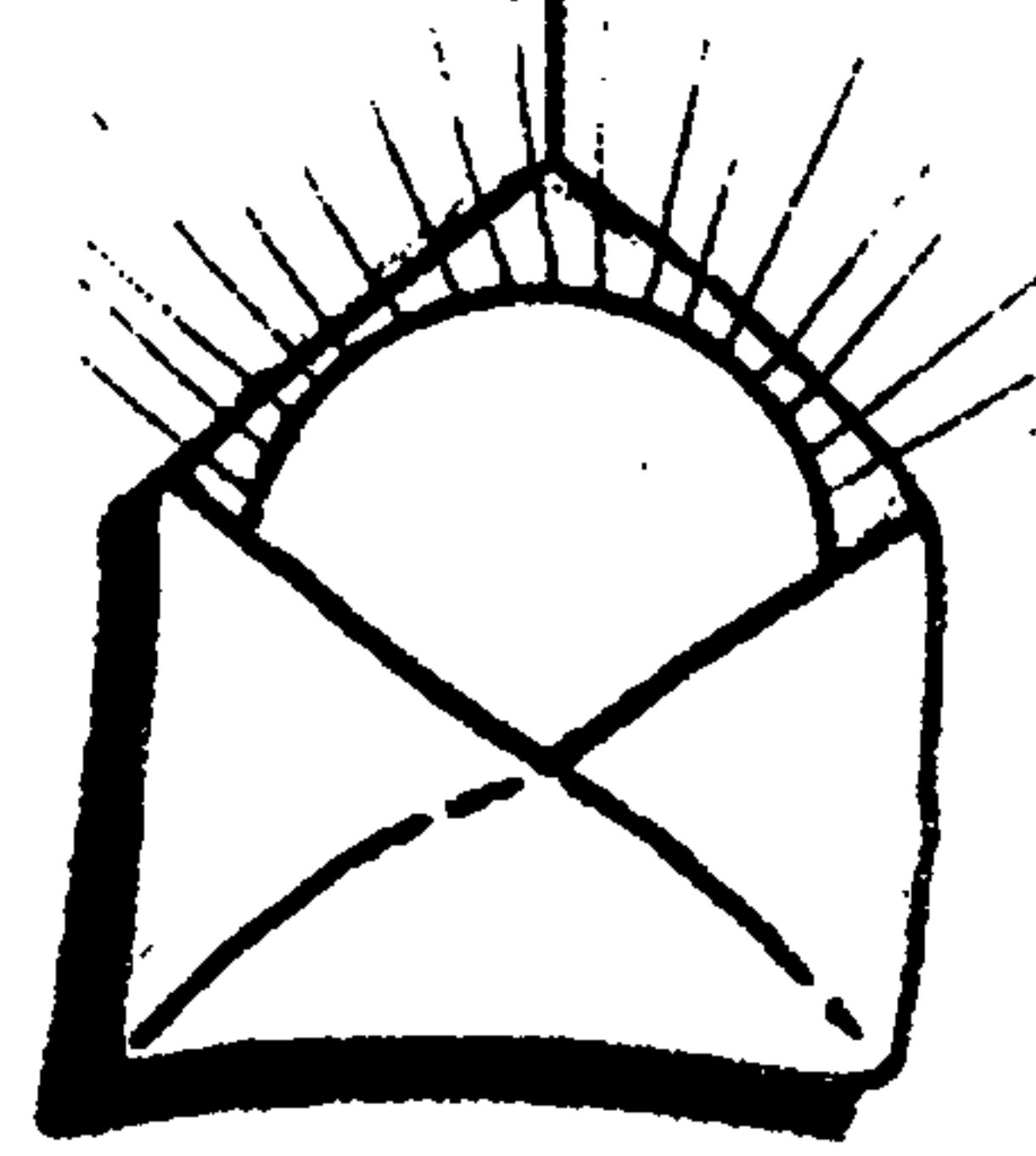
ب) عن الحسين(علیہ السلام) قال: قال رسول الله(صلی الله علیہ وآلہ وسلم) لفاطمة:
ابشری یا فاطمة؛ فان المهدی منک^۵
امام حسین(علیہ السلام) می فرماید، که پیامبر(صلی الله علیہ وآلہ وسلم) فرمودند به حضرت
زهراء(علیہا السلام): بشارت برتو، که مهدی از تو می باشد.
ج) قتاده می گوید: از سعید پرسیدم: آیا مهدی حق است؟ گفت: بله او حق است. پرسیدم:



از کدام طایفه و قبیله است؟ گفت: از قریش. پرسیدم: از کدام تیره‌ی قریشیان؟ جواب داد: از بنی هاشم. سوال کردم: از کدام دسته هاشیمان؟ گفت: از فرزندان عبدالمطلب. پرسیدم: از کدام فرزند وی؟ جواب داد: از اولاد فاطمه(علیها السلام).^۶

مهدی(عج) در بیان حضرت زهرا(س)

محمد بن ولید می‌گوید: وقتی پیامبر(صلی الله علیه وآلہ وسلم) از دنیا رفتند، کانت فاطمه(علیها السلام) تاتی قبور الشهداء و تاتی قبر حمزه و تبکی... قلت: یا سيدة النسوان! قد والله قطعت نیاط قلبی من بکائیک. فقالت: یا ابا عمرو! الحق لی البکاء؛ فلقد أصبتُ بخیر الاباء رسول الله و اشوقاه الى رسول الله!... قلت: هل نص رسول الله قبل وفاته على على بالامامة؟ قالت: واعجبنا! انسیتم يوم غدیر خم. قلت: قد کان ذلک؛ لکن اخیرینی بما اشیر الیک. قالت: اشهد الله تعالى لقد سمعته يقول على خیر من اخلفه فيکم وهو الامام والخليفة بعدی وسبطائی وتسعة من صلب الحسين. ائمة ابرار؛ لئن اتبعتموهم وجد تموهم هادین مهدیین؛ ولئن خالفتموهم ليكون الاختلاف فيکم الى يوم القيمة. قلت: یا سیدتی! فما باله قعد عن حقه. قالت: یا ابا عمرو! لقد قال(صلی الله علیه وآلہ وسلم): مثل الامام مثل الكعبة؛ اذ تؤتی ولاياتی. ثم قالت. اما والله لو تركوا الحق على اهله واتبعوا عترة نبیه لما اختلف فی الله اثنان ولو رثها سلف عن سلف وخلف بعد خلف، حتى يقوم قائمنا التاسع من ولد الحسين...^۷



أنظار

راوی می‌گوید: بعد از وفات پیامبر حضرت فاطمه همیشه به زیارت قبور شهدای احمد می‌آمد و کنار قبر حمزه گریه می‌کرد. روزی به او گفت: ای سرور زنان! به خدا سوگند گریه شما رگهای قلب مرا پاره کرد.

حضرت زهرا جواب فرمودند: ای ابو عمرو! سزاوار است که من گریه کنم؛ چرا که به مصیبت بهترین پدران مبتلا شده‌ام. آه، چقدر مشتاق رسول خدایم!...

عرض کردم: آیا پیامبر قبل از وفاتش تصریحی به امامت حضرت علی(علیها السلام) کردند؟ فرمودند: چقدر عجیب است! آیا روز غدیر خم را فراموش کرده‌اید؟!

عرض کردم: بله، روز غدیر بود؛ اما منتظر چیزی هستم که پیامبر(صلی الله علیه وآلہ وسلم) به شما فرموده باشد. حضرت زهرا(علیها السلام) با چند تأکید فرمودند: خدارا شاهد می‌گیرم که از او(صلی الله علیه وآلہ وسلم) شنیدم، که می‌فرمود: علی(علیها السلام) بهترین کسی است که در بین شما به عنوان جانشین خود می‌گذارم؛ او امام و خلیفه بعد از من است و دونوهی من

۱۳۰

شال سوم / شماره هفدهم / نهم

۱۸

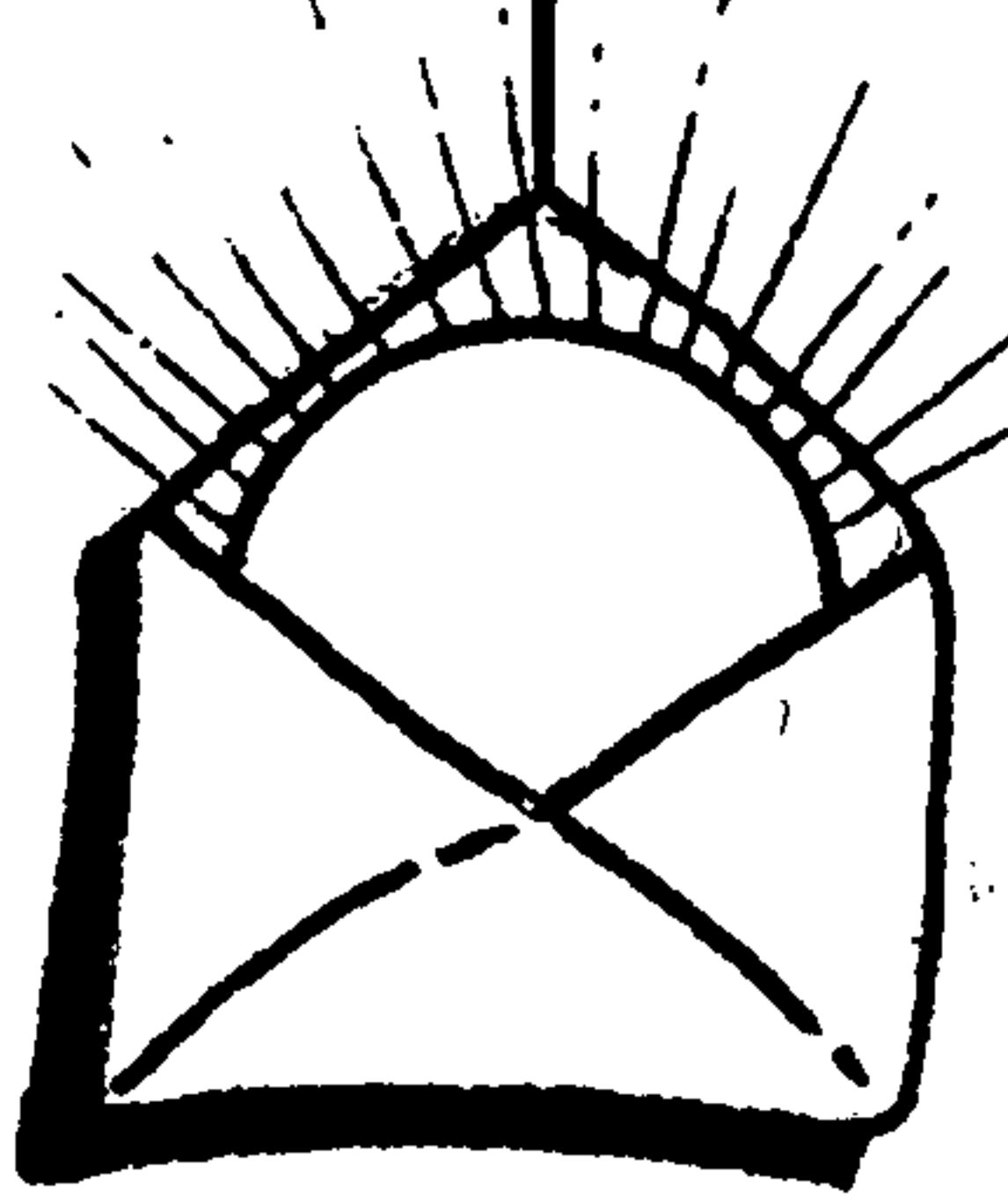
و نه نفر از فرزندان حسین(علیه السلام) پیشوایان نیکویی هستند، که اگر از آنها پیروی کنید، می یابید که آنها هدایت کننده هدایت شده‌اند؛ و اگر با آنها مخالفت کنید، تاروز قیامت در بین شما اختلاف خواهد بود.

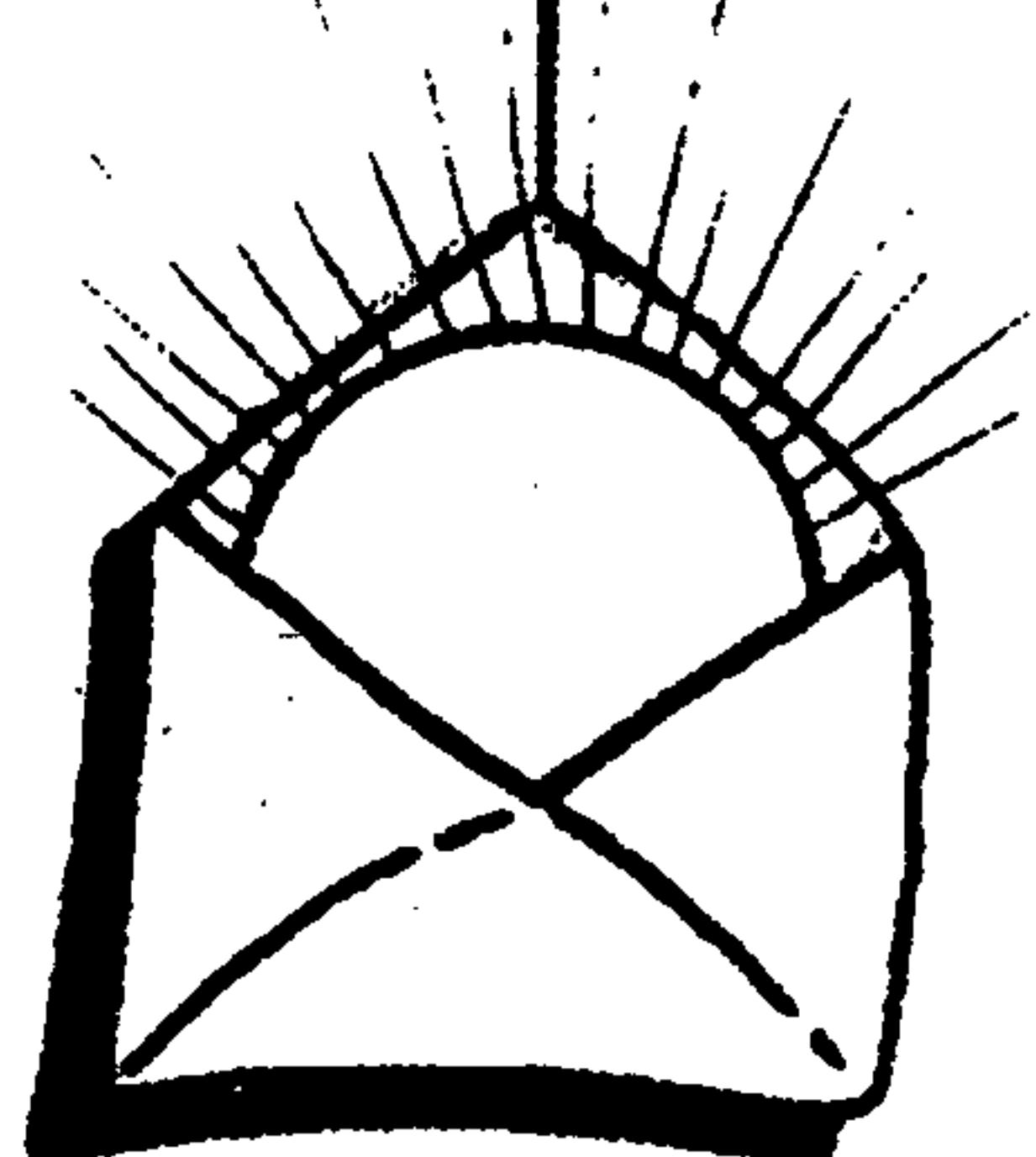
عرض کردم: ای سرور من! پس چرا علی(علیه السلام) از حق خود کناره‌گیری کرد؟ فرمودند: ای ابا عمرو! پیامبر(صلی الله علیه وآلہ وسلم) فرمودند: مثل امام، مثل کعبه است؛ که باید به سوی او آیند و او به سوی مردم نمی‌رود. سپس حضرت زهرا(علیها السلام) فرمودند: به خدا قسم اگر حق را به اهله واگذار می‌کردند و از خاندان پیامبر تبعیت می‌کردند، هیچ دو نفری هم بایکدیگر اختلاف نمی‌کردند و امر خلافت به تک تک جانشینان پیامبر(صلی الله علیه وآلہ وسلم) می‌رسید؛ تا قائم ما، نهمین فرزند از حسین(علیه السلام)، قیام می‌نمود.

مهدی(عج) در لوح و صحیفه‌ی فاطمه(س)

حدیث لوح و صحیفه، طولانی است و به چند نحو روایت شده است.^۸ در اینجا به قسمتها بی‌از آن اشاره می‌کنیم:

... فقال جابر: أشهد بالله أنى دخلت على أمك فاطمة في حياة الرسول(صلی الله علیه وآلہ وسلم) اهنتها بولادة الحسين؛ فرأيت في يدها لوها أخضر، ظنتت أنه زمرد؛ ورأيت فيه كتاباً أبيض، شبه نور الشمس؛ فقلت لها: بابي وأمي يا بنت رسول الله (صلی الله علیه وآلہ وسلم)! ما هذا اللوح؟ فقالت: هذا اللوح أهداه الله جل جلاله إلى رسول الله(صلی الله علیه وآلہ وسلم)؛ فيه اسم أبي واسم بعلى واسم ابنيّ واسماء الاوصياء من ولدي؛ فاعطانيه أبي ليبشرني بذلك. قال جابر: فاعطتنيه أمك فاطمة، فقراته وانتسخته... بسم الله الرحمن الرحيم؛ هذا كتاب من الله العزيز (الحكيم) لمحمد نوره وسفيره وحجابه... آنی لم ابعث نبیا فاكملت ايامه وانقضت مدتھ، الا جعلت له وصیاً؛ وانی فضلتك على الانبياء وفضلت وصیک على الاوصياء واكرمتک بشبليک بعده وسبطيک حسن وحسین؛ فجعلت حسنا معدن علمی بعد انقضاء مدة ايامه وجعلت حسینا خازن وحی واکرمته بالشهادة... بعترته اثیب واعاقب؛ او لهم(علی) سید العابدين و... وابنه شبیه جدہ المحمود محمد الباقر لعلمی... سیهلك المرتابون فی جعفر... وانتجبت بعده موسی... ان المکذب بالثامن مکذب بجمیع اولیائی... حق القول منی لاقرن عینه بمحمد ابنه وخلیفته من بعده... واختتم بالسعادة لابنه علی ولیه وناصری... وآخر منه الداعی الى سبیلی والخازن لعلمی الحسن ثم اکمل ذلك بابنه رحمة للعالمین، عليه کمال موسی وبهاء عیسی و صبر ایوب^۹





انظر

۱۳۲

سیمین / هفدهم / نویز

جابر بن عبد الله انصاری می‌گوید: خدا را گواه می‌گیرم که در زمان رسول خدا (صلی الله علیه وآلہ وسلم) برای تهنیت ولادت امام حسین (علیه السلام) بر مادرتان حضرت فاطمه (علیها السلام) وارد شدم و در دست ایشان لوح سبز رنگی دیدم که پنداشتم از زمرد است. در آن نوشته‌ای سپید و نورانی، مانند نور خورشید، دیدم. گفتم: ای دختر رسول خدا! پدر و مادرم فدای شما باد! این لوح چیست؟ فرمود: این لوح را خداوند متعال به رسولش هدیه کرده است؛ و در آن اسم پدر و شوهر و دو فرزندم و اوصیای از فرزندانم ثبت شده؛ و پدرم آن را به من عطا فرموده، تا بدان مسرور گردم. جابر می‌گوید: آن را به من دادند و آن را خواندم و از روی آن استنساخ نمودم...: «بسم الله الرحمن الرحيم؛ این کتابی است از جانب خدای عزیز حکیم برای محمد، نور و سفیر و حجاب او... من هیچ پیامبری را مبعوث نکردم، جز آنکه وقتی ایامش کامل و مدت‌ش سپری شد، برای او وصی قرار دادم؛ و من تورا بر انبيا فضيلت دادم و وصی تورا افضل اوصیا قرار دادم و تورا به دو فرزند او و دونوهی تو، حسن و حسین، گرامی داشتم؛ حسن را پس از پدرش معدن علمم قرار دادم و حسین را خازن وحی خود ساختم و شهادت را به او کرامت کردم... به واسطه عترت او ثواب می‌دهم و عقاب می‌کنم. اولین عترت او، علی سرور عابدين و... و فرزند او که همنام جدش محمود است؛ یعنی محمد، که شکافندهی علم من است... شک کنندگان در جعفر هلاک خواهند شد... بعد از او فرزندش موسی را برگزیدم... همانا تکذیب کننده امام هشتم، تکذیب کننده همهی اولیاء من است... بر من فرض است که چشم او را به پسر و جانشینش محمد روشن سازم... و سعادت او را به واسطه فرزندش علی، که ولی و ناصر من است، ختم می‌کنم... از صلب او حسن را که داعی به راه من و خازن علم من است، بیرون می‌آورم؛ سپس به خاطر رحمت خود بر عالمیان، سلسله‌ی اوصیاء را به وجود فرزندش تکمیل خواهم کرد؛ کسی که کمال موسی، بهای عیسی و صبر ایوب را دارا می‌باشد.»

یاد مهدی (عج) قسلای زهرا (س)

الف: پیامبر (صلی الله علیه وآلہ وسلم) در بستر مرگ بودند که حضرت زهرا (علیها السلام) وارد شدند. حال پدر را که دیدند، شروع به گریه کردند. کم کم صدای زهرا (علیها السلام) بلند شد. پیامبر (صلی الله علیه وآلہ وسلم) سرشان را بلند کردند و علت را سؤال نمودند. حضرت زهرا (علیها السلام) عرض کردند: از تباہی و ضایع شدن دین و عترت، بعد از شما می‌ترسم.

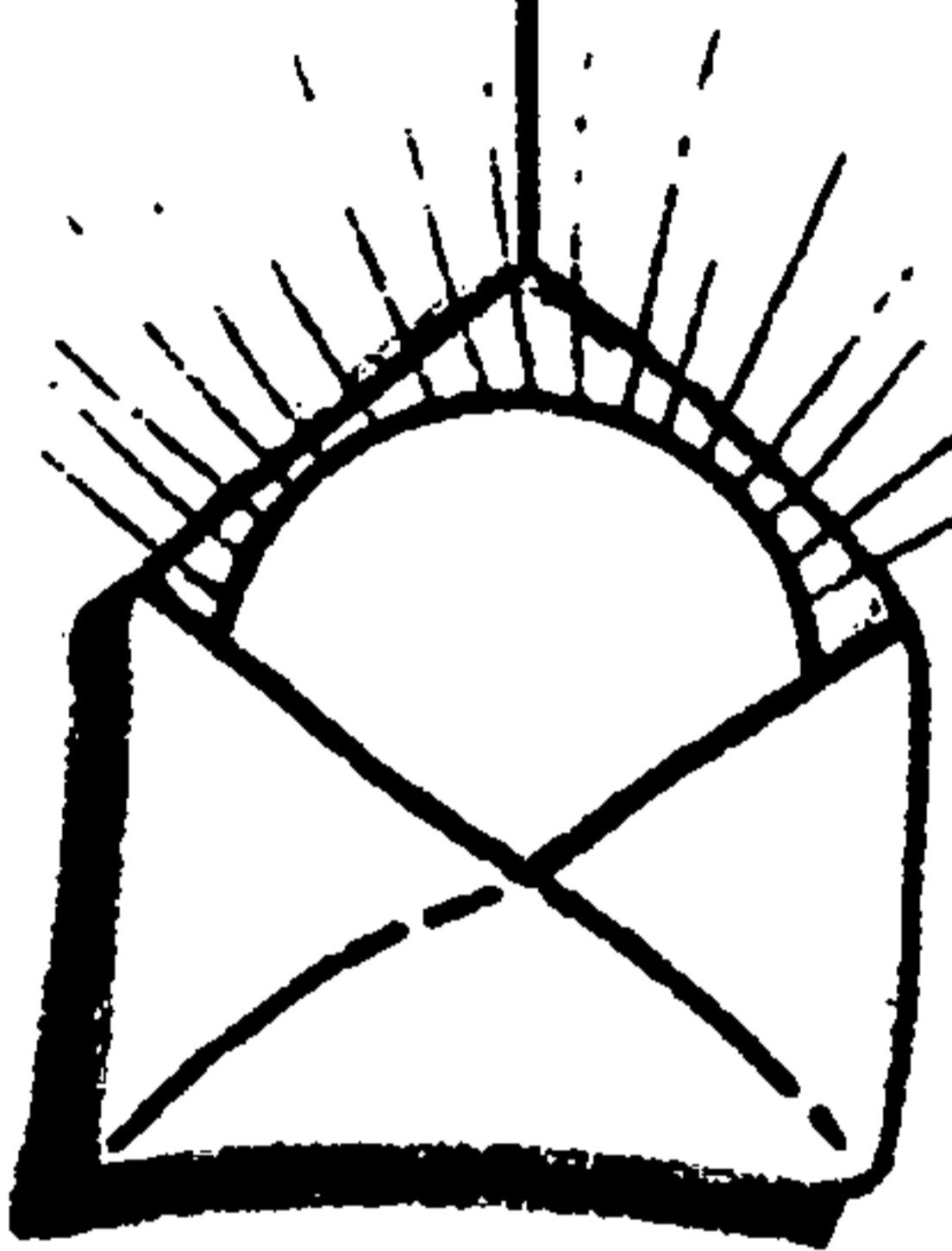
اینجا بود که او را دلداری دادند به اینکه مهدی امت از نسل تو ظهور می کند و ریشه ضلالت و گمراهی را می کند.

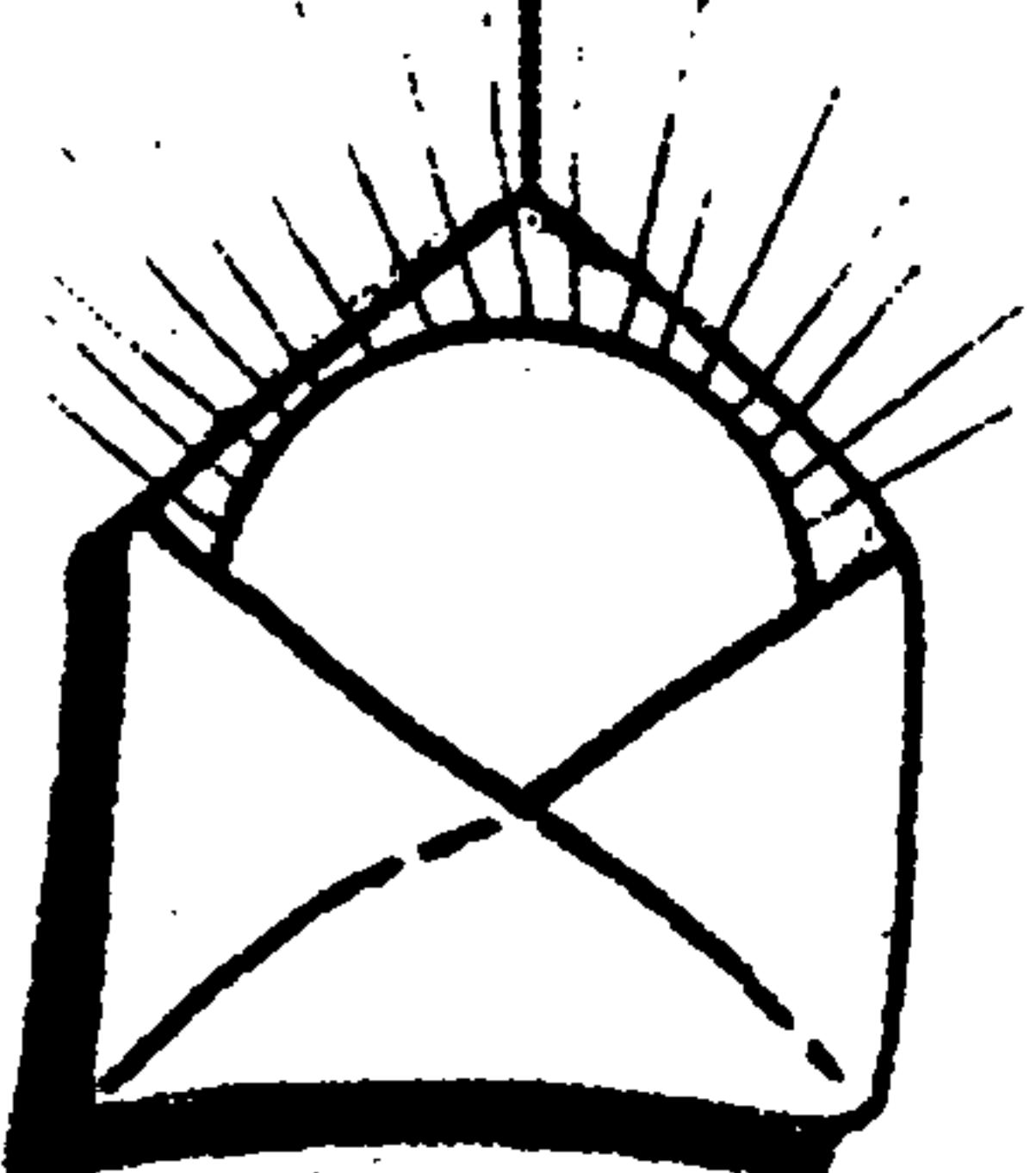
روایات بی شماری درباره‌ی این موضوع وارد آمده است^{۱۰} که به عنوان نمونه به یکی از آنها به نقل از عامه اشاره می کنیم:

علی بن هلال عن ایه، قال: دخلت علی رسول الله (صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم) وهو فی الحالة التي قبض فيها، فإذا فاطمة عند رأسه؛ فبكـت حتى ارتفع صوتها؛ فرفع رسول الله (صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم) اليهارـسه وقال: حبـبـتـی فاطـمـة ما الـذـی يـبـکـیـکـ؟ فـقـالـتـ: أـخـشـیـ الضـیـعـةـ من بـعـدـکـ. فـقـالـ: يـاـ حـبـبـتـیـ! اـمـاـ عـلـمـتـ انـ اللـهـ عـزـوـجـلـ اـطـلـعـ عـلـیـ اـهـلـ الـارـضـ اـطـلـاعـةـ فـاـخـتـارـ منـهـاـ اـبـاـکـ فـبـعـثـهـ بـرـسـالـتـهـ، ثـمـ اـطـلـعـ اـطـلـاعـةـ فـاـخـتـارـ منـهـاـ بـعـلـکـ وـاـوـحـیـ الـیـ اـنـ اـنـکـحـکـ اـیـاهـ. يـاـ فـاطـمـةـ! وـنـحـنـ اـهـلـ بـیـتـ قدـ اـعـطـانـاـ اللـهـ عـزـوـجـلـ سـبـعـ خـصـالـ لـمـ يـعـطـ اـحـدـ اـقـبـلـنـاـ وـلـاـ يـعـطـیـ اـحـدـ اـبـعـدـنـاـ: اـنـاـ خـاتـمـ النـبـیـنـ وـاـکـرـمـ النـبـیـنـ عـلـیـ اللـهـ عـزـوـجـلـ وـاـحـبـ المـخـلـوقـینـ الـیـ اللـهـ عـزـوـجـلـ وـاـنـاـ اـبـوـکـ؛ وـوـصـیـ خـیرـ الـاوـصـیـاءـ وـاـحـبـهـمـ الـیـ اللـهـ عـزـوـجـلـ، هـوـ بـعـلـکـ؛ وـشـهـیدـنـاـ خـیرـ الشـهـداءـ وـاـحـبـهـمـ الـیـ اللـهـ عـزـوـجـلـ، وـهـوـ حـمـزـةـ بـنـ عـبـدـ الـمـطـلـبـ عـمـ اـیـکـ وـعـمـ بـعـلـکـ؛ وـمـنـاـ مـنـ لـهـ جـنـاحـانـ يـطـیـرـ فـیـ الجـنـةـ مـعـ الـمـلـائـکـةـ حـیـثـ يـشـاءـ، وـهـوـ اـبـنـ عـمـ اـیـکـ وـاـخـوـ بـعـلـکـ؛ وـسـبـطـاـ هـذـهـ الـاـمـةـ، وـهـمـاـ بـنـاـکـ الـحـسـنـ وـالـحـسـینـ وـهـمـاـ سـیدـاـ شـبـابـ اـهـلـ الجـنـةـ وـاـبـوـهـمـاـ (وـالـذـیـ بـعـشـنـیـ بـالـحـقـ) خـیرـ مـنـهـمـاـ. يـاـ فـاطـمـةـ! وـالـذـیـ بـعـشـنـیـ بـالـحـقـ اـنـ مـنـهـمـاـ مـهـدـیـ هـذـهـ الـاـمـةـ. اـذـاـ صـارـتـ الدـنـیـاـ هـرـجـاـ وـتـظـاهـرـتـ الـفـتـنـ وـانـقـطـعـتـ السـبـلـ وـاـغـارـ بـعـضـهـمـ عـلـیـ بـعـضـ، فـلـاـ کـبـیرـ يـرـحـ صـغـیرـاـ وـلـاـ صـغـیرـ يـوـقـرـ کـبـیرـاـ؛ فـیـعـثـ اللـهـ عـنـ ذـلـکـ مـنـهـمـاـ مـنـ يـفـتـحـ حـصـونـ الـضـلـالـةـ وـقـلـوـبـاـ

غلفا^{۱۱}

راوی می گوید: پیامبر (صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم) در بستر مرگ بود. فاطمه (علیہ السلام) در کنار سر او مشغول گریه شد؛ ناگاه صدای ناله اش بلند شد. پیامبر (صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم) سر خود را بلند کرد و فرمود: عزیزم فاطمه! چرا گریه می کنی؟ عرض کرد: پس از شما، از ضایع شدن و مورد ستم قرار گرفتن می ترسم. فرمود: محبوبه من! آیا نمی دانی که خداوند عزوجل نظری بر اهل زمین کرد، و مرا از میان آنها انتخاب نموده و مبعوث کرد؛ در مرتبه دوم که نظر کرد، از بین آنها شوهر تو را انتخاب کرد و به من وحی کرد که تو را به ازدواج او در آورم. ما اهل بیتی هستیم که خداوند هفت خصلت به مداده، که به احدي قبل از ما و بعد از مانداده: من خاتم پیامبران و کریمترین پیامبران و محبوبترین خلق نزد خداوند هستم، ومن پدر تو هستم؛





انظر

۱۳۴

شماره / هفته / سیمین / قلم

۸

و وصی من بهترین او صیا و محبوبترین آنها نزد خداوند است، و او شوهر توست؛ و شهید ما بهترین شهدا و محبوبترین آنها نزد خداوند است، و آن حمزه عمومی پدر و شوهر تو می باشد؛ و از ما کسی هست که صاحب دو بال است در بهشت که همراه ملائکه پرواز می کند، و او پسر عمومی پدر و برادر شوهر تو می باشد؛ و از ما خاندان است دو سبط، این امت که آنها دو فرزند تو، حسن و حسین (علیهم السلام) هستند، که سرور جوانان بهشتند، و پدر آنها بهتر از آن دو می باشد. ای فاطمه! سوگند به کسی که مرا به رسالت مبعوث نمود، از آن دو، مهدی (علیه السلام) این امت می باشد. آن گاه که دنیارا هرج و مرج فراگیرد و آشوب ها آشکار گردد؛ راه ها بسته شده و برخی، بعضی دیگر را به تاراج برند؛ نه بزرگی بر کوچکی رحم نماید و نه کوچکی احترام بزرگتر را رعایت کند؛ در آن هنگام خداوند متعال کسی را بر می انگیزد که دژها و قلعه های گمراهی و دلهای بسته شده را فتح می کند...

ب: همزمان با تولد امام حسین (علیه السلام) به حضرت زهرا (علیها السلام) خبر داده می شود که حسینش را شهید خواهند کرد. حضرت زهرا (علیها السلام) ناراحت و گریان می شود اما خبر می آید که مهدی امت از ذریه او خواهد بود.

در این رابطه، روایاتی است^{۱۲} که دو نمونه از آنها ذکر می شود:

عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال: دخلت فاطمة (علیها السلام) علی رسول الله (صلی الله علیه وآلہ وسلم) و عیناه تدمع؛ فسألته: مالک؟ فقال: ان جبرئيل (علیه السلام) أخبرني أن أمتي تقتل حسينا، فجزعت وشق عليها؛ فأخبرها بمن يملك من ولدها؛ فطابت نفسها وسكتت.^{۱۳}

امام صادق (علیه السلام) فرمود: فاطمه (علیها السلام) وارد بر پیامبر (صلی الله علیه وآلہ وسلم) شدند؛ دیدند اشک از چشمان پیامبر (صلی الله علیه وآلہ وسلم) جاری است. سؤال کردند: علت گریه چیست؟ فرمودند: جبرئيل (علیه السلام) به من خبر داد که امت من حسین را می کشند. حضرت زهرا (علیها السلام) هم شروع به گریه و ناله کرده و این سخن بر او سخت آمد تا اینکه پیامبر (صلی الله علیه وآلہ وسلم) به او خبر دادند که یکی از فرزندان او سلطه پیدامی کند؛ پس او خوشحال و ساكت شد.

در روایت دیگری، امام صادق (علیه السلام) می فرماید: ان جبرئيل (علیه السلام) نزل علی محمد (صلی الله علیه وآلہ وسلم) فقال يا محمد! ان الله يقرؤ عليك السلام و يبشرك بمولود يولد من فاطمة (علیها السلام) تقتله امتك من بعدك. ... ويبشرك أنه جاعل في

ذریته الامامة والولاية والوصیة، ثم ارسل الى فاطمة(عليها السلام): ان الله يبشرني بمولود يولد منك تقتله امتي من بعدى ... : ان الله جاعل فى ذريته الامامة والولاية والوصیة؛^{۱۴} جبرئيل بر پیامبر(صلی الله علیه وآلہ وسلم) نازل شد و عرض کرد: خداوند سلام به تو می رساند و بشارت می دهد تو را به فرزندی که از فاطمه(عليها السلام) متولد می شود؛ اما امت تو، بعد از تو، او را می کشند.... و به تو بشارت می دهد که در فرزندان او امامت، ولایت و وصایت را قرار می دهم. سپس کسی را فرستادند نزد حضرت فاطمه(عليها السلام) که: خداوند مرا بشارت داده به فرزندی که از تو متولد می شود، ولی امت من بعد از من او را می کشند؛...: و خداوند در فرزندان او امامت، ولایت و وصایت را قرار می دهد؛...

فاطمه(س) الگوی مهدی(عج)

حضرت مهدی(عليه السلام) فرمود:... فی ابنة رسول الله(صلی الله علیه وآلہ وسلم) لی اسوة حسنة...^{۱۵}

الگو سازی و شناساندن الگوی مناسب از جمله روش‌های اسلام برای ارائه برنامه زندگی و ارشاد به کمالات و مقامات معنوی است،

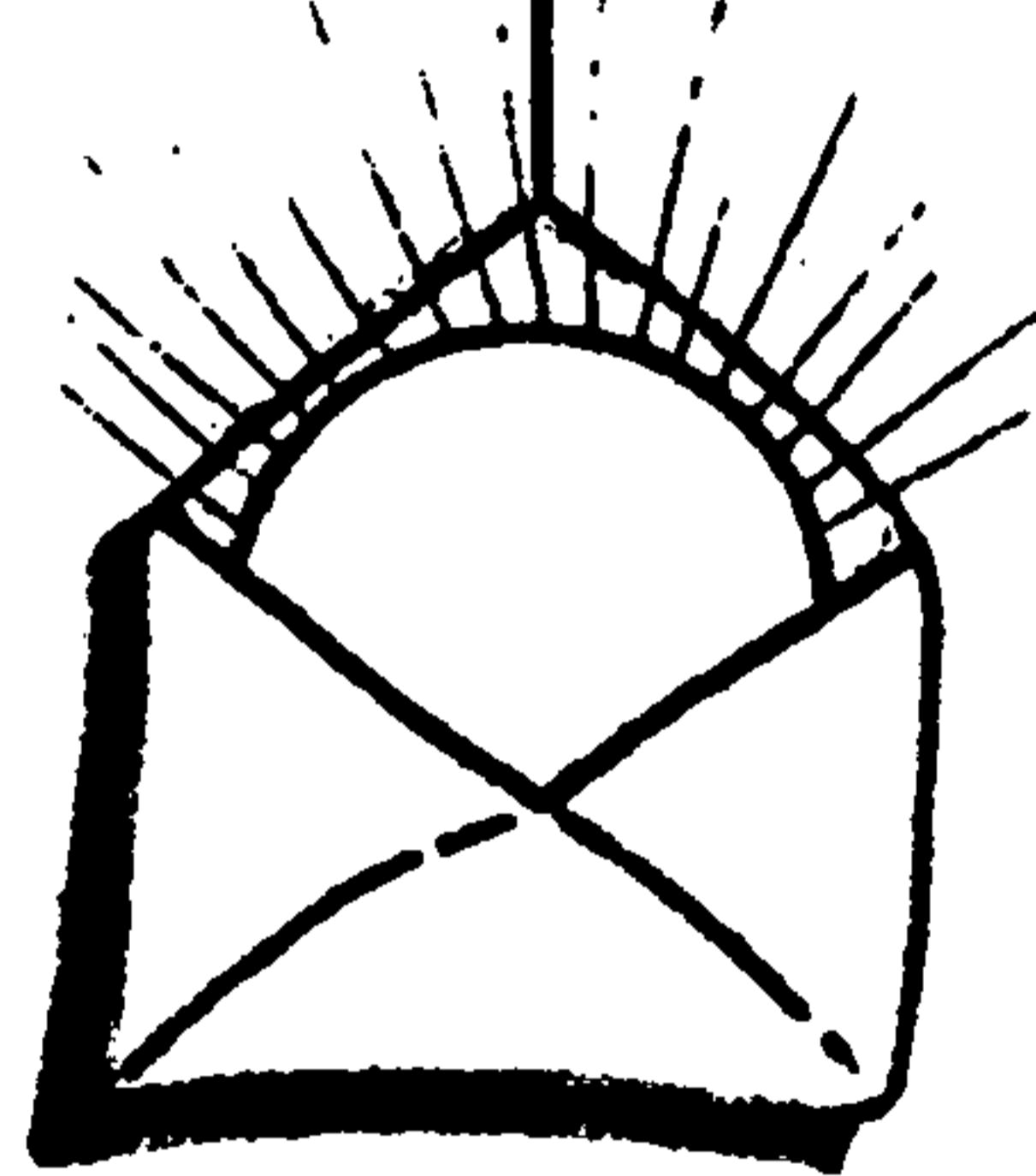
خداوند در قرآن در دو مورد الگو معرفی می کند: یکی در سوره احزاب، آیه ۲۱ «لقد کان لكم فی رسول الله اسوة حسنة» و دیگری در سوره ممتحنه، آیه ۶ تا ۴ «قد کانت لكم اسوة حسنة فی ابراهیم والذین معه... لقد کان فیهم اسوة حسنة...». در آیات بالا حضرت ابراهیم و رسول اکرم و کسانی که با ایشان هستند به عنوان الگو شناسانده شده اند.

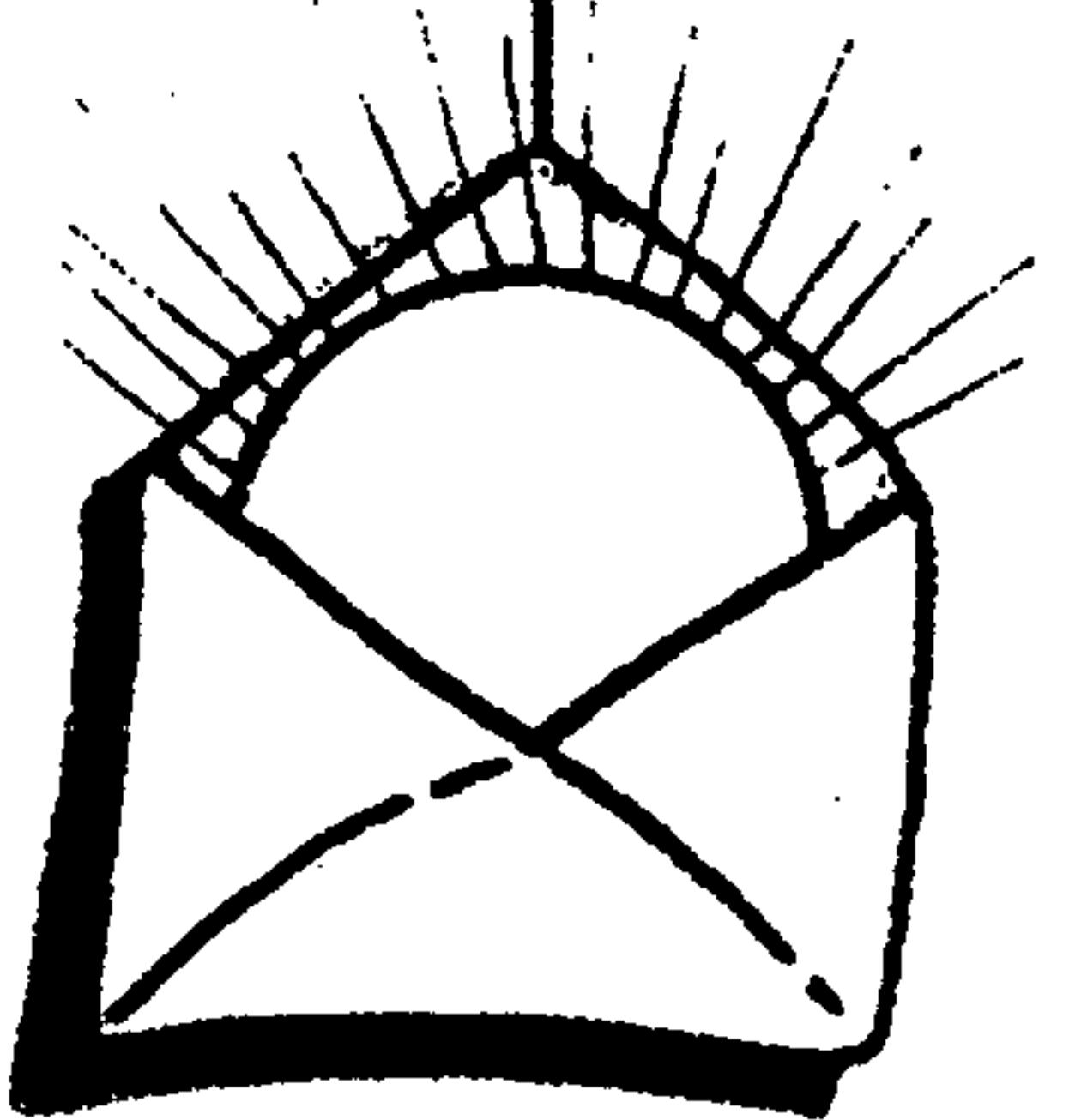
پس الگو منحصر به شخص پیامبر و ابراهیم (علیهم السلام) نیست؛ بلکه هر کس - به تمام معنا - در راه اینان باشد می تواند الگو واقع شود.

پس اینکه امام زمان(عليه السلام) حضرت زهرا(عليها السلام) را الگوی خود قرار می دهد؛^{۱۶} از آن روست که حضرت زهرا(عليها السلام) جزو «والذین معه»^{۱۷} است، واوکسی است که از هر جهت حتی در راه رفتن و سخن گفتن و در سیرت و صورت شبیه پیامبر(صلی الله علیه وآلہ وسلم) است. دلیل این مطلب روایات متعددی است که عامه و خاصه نقل کرده اند؛ که در ذیل به عنوان نمونه، دو روایت ذکر می شود:

الف: عن عایشہ: مارأیت احداً أشبه سمتاً و دلاًّ وهدياً و حدیثاً برسول الله(صلی الله علیه وآلہ وسلم)

فی قیامه و قعوده من فاطمه(عليها السلام).^{۱۸}





انتظار

۱۳۶

شماره هفدهم / شماره سوم / شماره هجدهم / شماره هجدهم

شبیه تر از فاطمه به پیامبر(صلی الله علیه وآلہ وسلم) در راه رفتن، آرامش، وقار، سیرت، سخن گفتن، ایستادن و نشستن ندیدم.

ب: روایاتی که پیامبر(صلی الله علیه وآلہ وسلم): به حضرت زهرا(علیها السلام) فرمود: از جمله: ان الله يغضب لغضبك ويرضي لرضاك؛ من آذاها فقد آذانى ويريبنى مارابها ويؤذينى ما آذاها.^{۱۹}.

او آئینه تمام نمای پیامبر(صلی الله علیه وآلہ وسلم) است و درجه‌ی ایمان او به نهایت کمال رسیده است.

پیامبر(صلی الله علیه وآلہ وسلم) به سلمان فرمودند:

یا سلمان! ابنتی فاطمة ملأ الله قلبها وجوارحها ايماناً الى مشاشها، تفرغت لطاعة الله.^{۲۰}
ای سلمان! خداوند قلب واعضای فاطمه، تاسر نرمی استخوانهای او، را پراز ایمان نموده؛
که برای عبادت خداوند خود را از همه چیز فارغ می‌سازد.

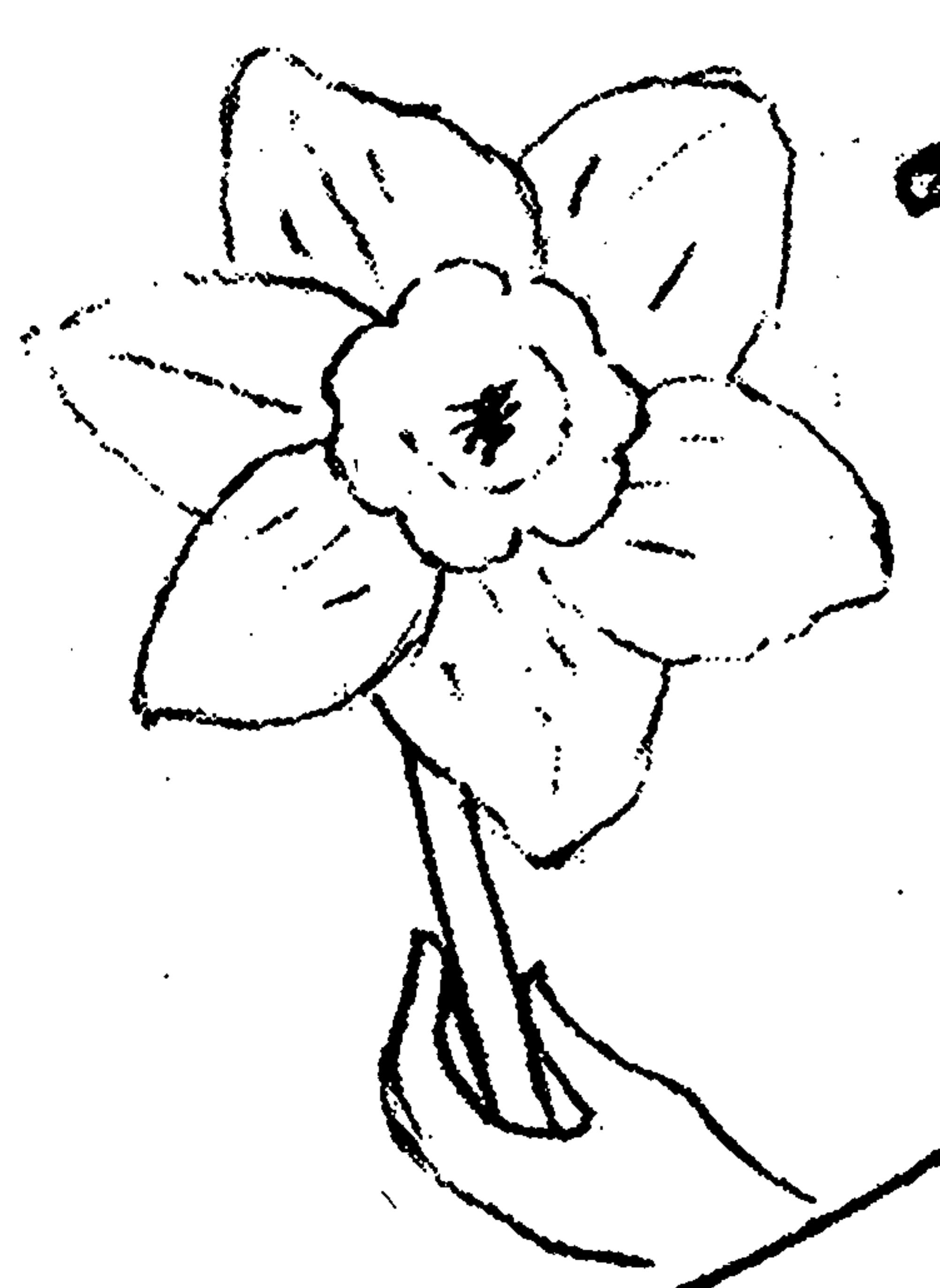
فاطمه(س) و مهدی(عج) در سوره‌ی قدر

عن أبي عبدالله(عليه السلام) انه قال: انا انزلناه في ليلة القدر. الليلة فاطمة والقدر الله؛
 فمن عرف فاطمة حق معرفتها، فقد ادرك ليلة القدر؛ وانما سميت فاطمة، لأن الخلق فطموا
عن معرفتها^{۲۱}

امام صادق(عليه السلام) فرمودند: «لیله» در «انا انزلناه في ليلة القدر»، فاطمه(عليه السلام)
است؛ و قدر، خداوند. پس کسی که حضرت زهرا(علیها السلام) را آنگونه که سزاوار است
 بشناسد شب قدر را درک کرده است؛ و همانا او را فاطمه نامیدند، چرا که مردم نمی‌توانند او
 را بشناسند.

در ادامه حدیث چنین آمده است

اوْ مِنْ مَعْرِفَتِهَا (الشَّكُّ مِنْ أَبْنَى الْقَاسِمِ) يعني راوی که
 روایت را نقل می‌کند، شک دارد که حضرت فرمودند «عن
 معرفتها» یا فرمود «من معرفتها» و قوله «وَمَا ادْرَاكَ مَا لِيَلَةُ الْقَدْرِ،
 لِيَلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» يعني خیر من ألف مولمن و هي ام
 المؤمنين «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا» وَالْمَلَائِكَةُ، الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ
 يَمْلُكُونَ عِلْمَ آلِ مُحَمَّدٍ(صلی الله علیه وآلہ وسلم) وَالرُّوحُ الْقَدْسُ



هي فاطمة (عليها السلام) «باذن ربهم من كل امر، سلام هي حتى مطلع الفجر» يعني حتى يخرج القائم (عليه السلام)^{۲۲}.

امام صادق (عليه السلام) می فرماید: «ليلة القدر خير من ألف شهر» يعني او بهتر از هزار مؤمن است؛ او مادر مؤمنین است، «تنزل الملائكة (ملائکه نازل می شوند) مراد از ملائکه مؤمنان هستند، که علم آل محمد (صلی الله علیه وآلہ وسلم) را فرامی گیرند و مراد از «الروح القدس»، فاطمه (عليها السلام) است و «حتى مطلع الفجر» يعني تازمانی که قائم (عليه السلام) ظهور کند.

در کتاب تأویل الایات، شرف الدین نجفی روایت دیگری از امام صادق (عليه السلام) نقل می کند که فرمودند:

«ليلة القدر خير من ألف شهر» يعني فاطمة، فی قوله تعالى «تنزل الملائكة و الروح فيها»، و الملائكة في هذا الموضع، المؤمنون الذين يملكون علم آل محمد (عليهم السلام) و «الروح»، روح القدس وهي فاطمة (عليها السلام) «من كل امر سلام»، يقول كل امر سلمه «حتى يطلع الفجر» يعني حتى يقوم القائم (عليه السلام).^{۲۳}

«ليلة» فاطمه است و «ملائکه» مؤمنین هستند، که علم آل محمد (صلی الله علیه وآلہ وسلم) را فرامی گیرند و «روح»، روح قدس است، که فاطمه می باشد «من كل امر سلام» می گوید: هر امری که سالم قرار داده او را «حتى يطلع الفجر» يعني تا قیام قائم (عليه السلام).

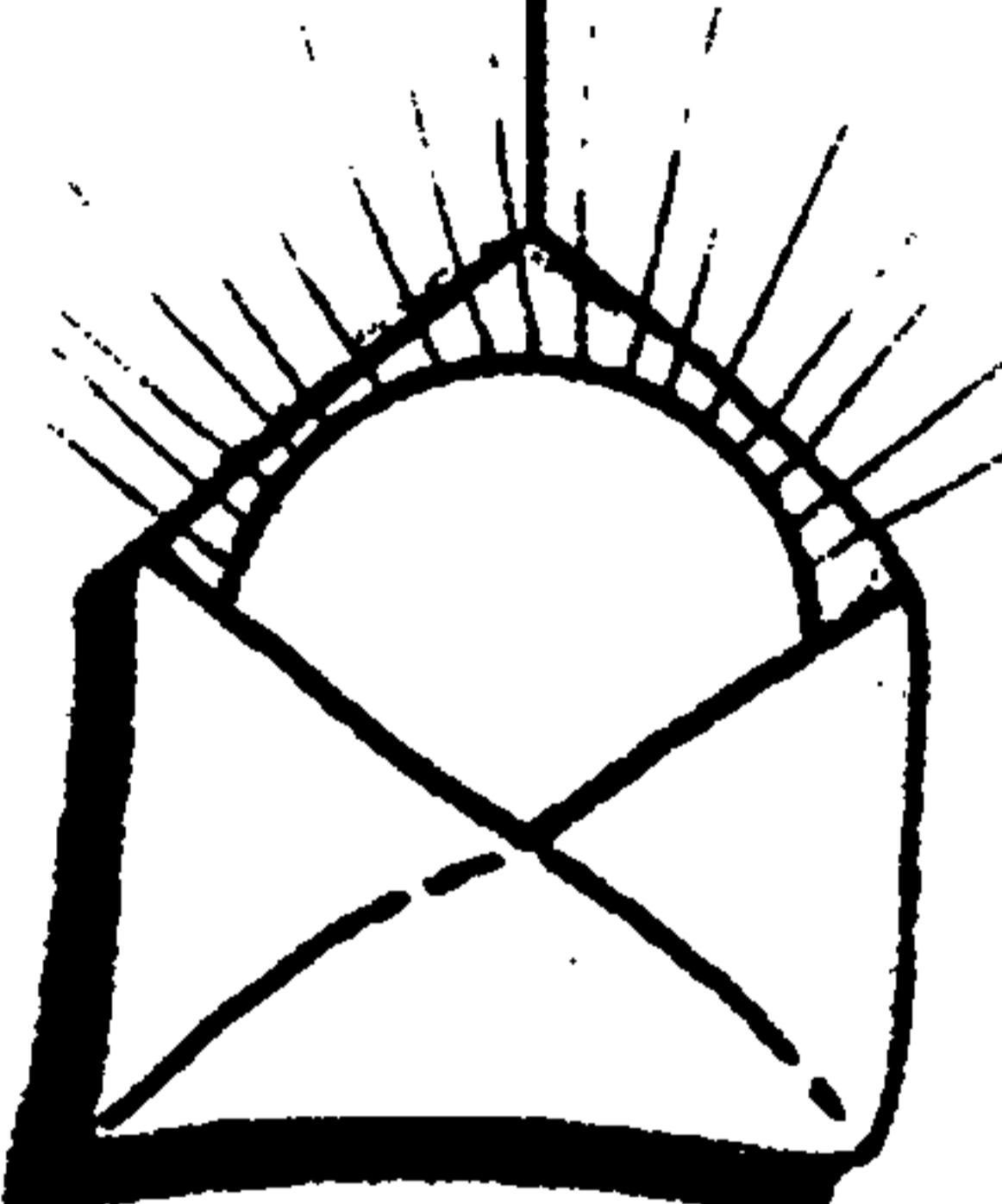
خلقت هستی طفیل هست او
چرخ می چرخد به میل دست او
ليلة القدر است و مخفی قدر او
شرح هادرد علوم صدر او^{۲۴}

جا دارد که توضیح مختصری پیرامون تشییه حضرت زهرا (عليها السلام) به لیله در این آیات شریفه بدھیم.

این تشابه از وجوهی است.

۱. مردم، منزلت، عظمت و جایگاه والا شب قدر را نشناخته اند، و قدر و منزلت حضرت زهرا (عليها السلام) هم در نزد مردم ناشناخته مانده است علاوه بر اینکه قبر او را هم کسی نمی داند.
۲. همان طور که در شب قدر تفرقی بین امور می شود؛ همچنین به وسیله فاطمه (عليها السلام) بین حق و باطل و مؤمن و کافر فاصله می افتد.

۳. همان طور که شب قدر ظرف نزول آیات و سورا است؛ حضرت زهرا (عليها السلام) هم ظرف امامت و مصحف است.



أَنْظَار

١٣٨

شال سوم / شماره هفدهم / نیمار ۱۸

۴. شب قدر، معراج انبیا و اولیاست؛ همچنین ولایت حضرت زهرا(علیها السلام) مرقات وصول انبیاست به نبوت، رسالت و عظمت «ما تکاملت النبوة لنبی حتی اقر بفضلها و محبتها»^{۲۵} شب قدر، منشأ فیوضات و کمالات است؛ همچنین توسل به حضرت زهرا(علیها السلام) وسیله خیرات و برکات و دفع بلیات است.

عشب قدر بهتر است از هزار شب؛ و حضرت زهرا(علیها السلام) بهترین زنان اولین و آخرین است؛ بلکه او بهترین اهل زمین است از جهت عنصر و شرف و کرم.

هی مشکاة نور الله جل جلاله زیتونة عم الوری بر کاتها.^{۲۶}

برای تأیید بعضی از وجوه فوق، روایت مفصل وزیبایی رامرحوم کلینی نقل می‌کند؛ که به اختصار ذکر می‌کنیم:

مرد نصرانی طالب حقیقت، خدمت امام موسی بن جعفر(علیه السلام) رسید و مطالبی را سؤال نمود. یکی از آن مطالب این بود که: اخبرنی عن کتاب الذی انزل علی محمد(صلی الله علیه وآلہ وسلم) و نطق به، ثم وصفه بما وصفه به. فقال: «حُمَّ، وَالْكِتَابُ الْمُبِينُ، إِنَّا نَزَّلْنَاكَ فِي لَيْلَةِ مِبَارَكَةٍ أَنَا كَنَا مُنذِرِينَ، فِيهَا يَفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٌ»^{۲۶} ما تفسیرها فی الباطن؟

قال: أما «حُمَّ» فهو محمد، صلی الله علیه وآلہ وسلم، وهو فی کتاب هود الذی انزل علیه، و هو منقوص الحروف؛ و أما «الكتاب المبین» فهو امیر المؤمنین علی(علیها السلام)؛ و أما «الليلة» ففاطمة(علیها السلام) «فیها يفرق کل امر حکیم» يقول يخرج منها خیر کثیر فرجل حکیم فرجل حکیم فرجل حکیم...^{۲۷}.

به حضرت عرض کرد: به من خبر بده از کتابی که بر محمد(صلی الله علیه وآلہ وسلم) فرود آمد و به آن گویا گشته و آن را به صفاتی موصوف نمود و در حقبه گفته است «حُمَّ» سوگند به کتاب روشن و آشکار؛ به درستی که ما آن را در شب مبارکی فرود فرستادیم، به درستی که مابیم دهنده ایم؛ در آن شب جدا شود هر امر محاکمی» تفسیر آن در باطن و حقیقت چیست؟

حضرت فرمودند: أما «حُمَّ» همان محمد(صلی الله علیه وآلہ وسلم) است که در کتاب هود پیامبر با حروف ناقصه آمد و اینکه فرموده «در آن جدا می شود هر امر محاکمی» یعنی بر آید از فاطمه(علیها السلام) خیر بسیار و فراوان، مردی حکیم، سپس مردی حکیم، سپس مردی

شباهتهاي حضرت زهرا(عليها السلام) و حضرت مهدى(عليه السلام)
بين اين دو بزرگوار شباهتهاي در اسمها و صفات وجود دارد؛ که در ذيل به بيست و پنج
مورد از آن اشاره مى شود.

۱- حضرت زهرا(عليها السلام) بقية النبوة و حضرت مهدى(عليه السلام) بقية الانبياء و بقية العترة والصفوة
وسلالة النبوة و بقية الله است.

الف: حضرت زهرا باقیمانده و ادامه نبوت است.

حضرت زهرا(عليها السلام) پس از خواندن خطبه فدکيه و بازگشت به خانه،
سخنانی گفتند. حضرت علی(عليه السلام) ایشان را، با این لقب مورد خطاب قرار دادند: یا ابنة
الصفوة وبقية النبوة.^{۲۹}

ب : حضرت مهدى (عج) باقیمانده و ادامه همه انبیای الهی

حضرت حکیمه خاتون در ضمن نقل حدیث شب تولد امام زمان(عليه السلام) می گوید:
اور اخدمت امام عسکری(عليه السلام) آوردم؛ پس... فرمود: «سخن بگوای حجه الله و بقیة الانبیاء
و نور الا صفیاء و غوث الفقراء و خاتم الا وصیاء و نور الا تقياء...؛ پس او (عج) فرمود: اشهد ان لا اله
الله و...»^{۳۰}

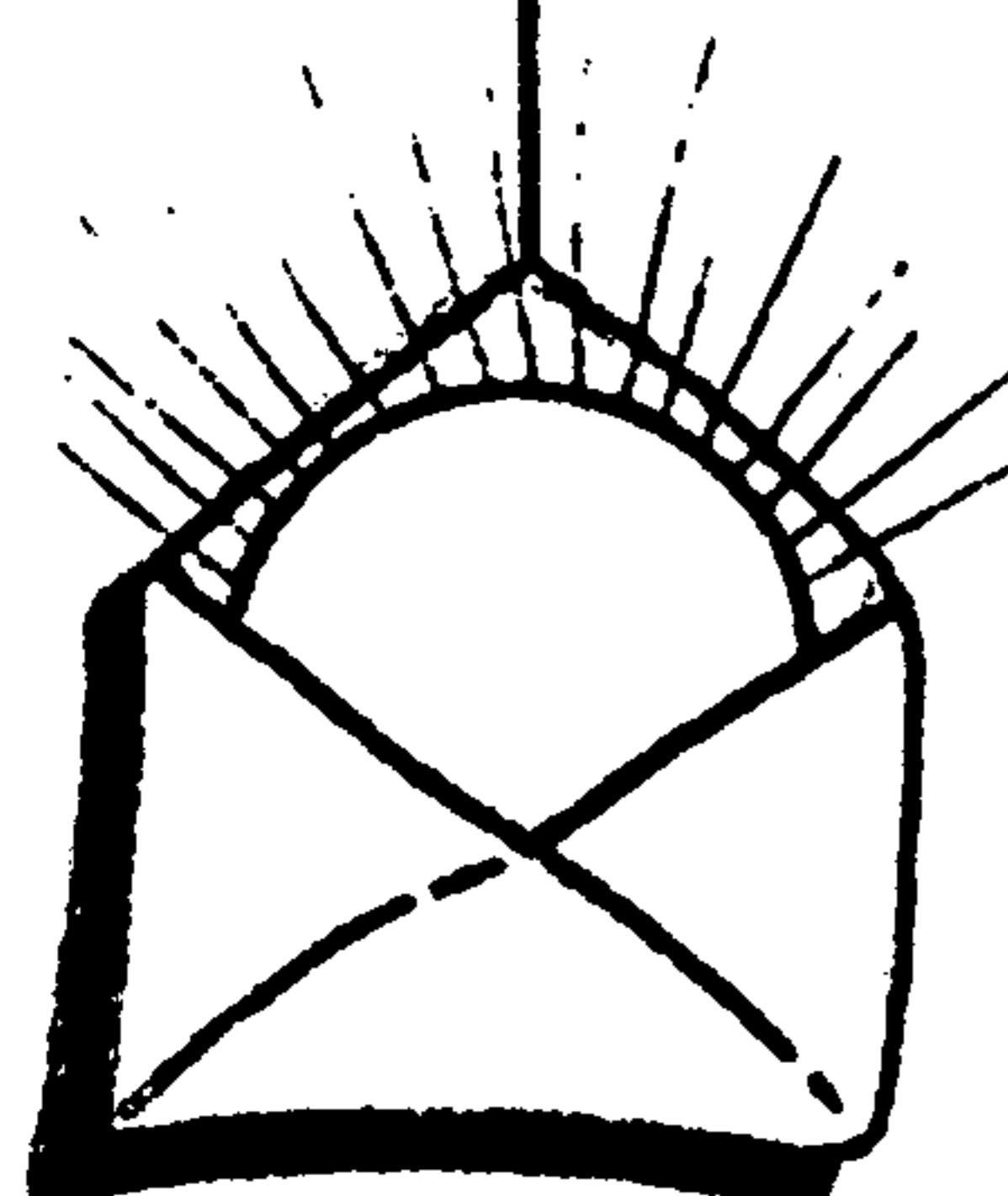
پس می بینیم که امام عسکری(عليه السلام) او را بالقب «بقیة الانبیاء» باقیمانده انبیاء خطاب
کرد.

ج : حضرت مهدی (عج) باقیمانده برگزیدگان و عترت پیامبر است.

در استغاثه به حضرت مهدی (عج)، بعد از خواندن دو رکعت نماز می گوییم: سلام الله
الکامل التام الشامل العام... علی... سلالة النبوة و بقیة العترة والصفوة صاحب الزمان.^{۳۱}
پس درود خدارا بر کسی که باقیمانده عترت و صفوت است، می فرستیم.

د: حضرت مهدی (عج) سلالة النبوة است.

ملحوظه کردید که در دعاي پيشين، بعد از استغاثه به حضرت مهدی (عج)، درود خدارا بر
کسی که سلاله نبوت است، می فرستیم.



ه: حضرت مهدی (عج) بقیة الله است.

روایات زیادی داریم که امام زمان(علیه السلام) بقیة الله است. در ذیل به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. عمران بن داهر می گوید: مردی به امام صادق(علیه السلام) عرض کرد: نسلم علی القائم بامره المؤمنین؟ قال: لا، ذلك اسم سماه الله امير المؤمنين، لا يسمى به احد قبله ولا بعده الا كافر. قال: فكيف نسلم عليه؟ قال: تقول السلام عليك يا بقية الله. ثم قرأ(علیه السلام) «بقيه الله خير لكم ان كنتم مؤمنين». ۳۲ و ۳۳

سؤال شد: آیا می توانیم به حضرت قائم (عج) به عنوان امیر المؤمنین درود بفرستیم و بگوییم «السلام عليك يا امیر المؤمنین»

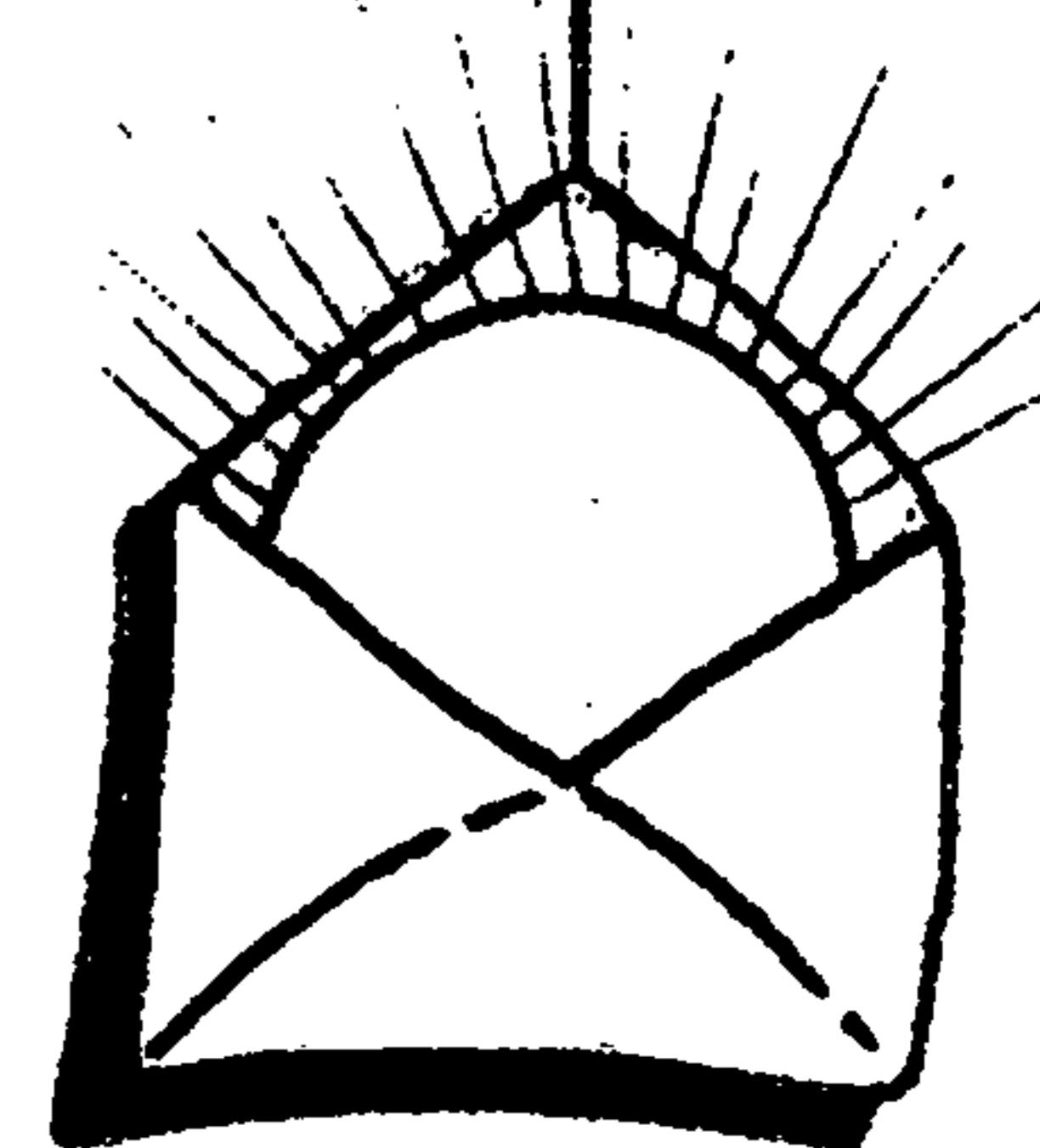
حضرت فرمود: خیر، آن اسم خاص امیر المؤمنان علی (علیه السلام) است؛ که خداوند او را به این نام نامیده است. هرگز کسی را جز او نتوان به این نام نامید. هر کس به این نام نامیده شود؛ چه قبل از امیر المؤمنین علی (علیه السلام) باشد، چه بعدش، کافر است.

عرض نمود: پس چگونه بر او (عج) سلام کنیم؟ فرمود: بگو «السلام عليك يا بقیة الله»، سلام بر توای باقیمانده خدا. سپس امام صادق(علیه السلام) آیه ۸۶ سوره هود را تلاوت فرمود که: «باقیمانده الهی بهتر است برای شما، اگر مؤمن باشید.»

۲. احمد بن اسحاق، که از شخصیتهای معروف قم و وکیل امام عسکری (علیه السلام) بوده، می گوید: خدمت امام عسکری (علیه السلام) رفتم؛ تا از جانشین او و امام بعد از او سؤال کنم. قبل از آنکه من سؤال کنم، امام (علیه السلام) فرمود:

ای احمد بن اسحاق! خدای تبارک و تعالی از روزی که آدم را آفرید، تاروزی که قیامت به پا شود، زمین را خالی از حجت نگذاشته و نمی گذارد؛ بلکه همواره حجت خدا در روی زمین خواهد بود؛ که خداوند به وسیله او بلاهارا از زمینیان دفع می کند و به برکت او باران می فرستد و به خاطر او برکات زمین را خارج می نماید.

گفتم: پس امام بعد از شما کیست؟ (امام بدون اینکه جوابی بدهد) باشتبا از جای برخاسته و داخل اطاقی شدند؛ در هنگام بیرون آمدن کودکی را بر دوش خود آورد، که صورتش چون ماه شب چهارده بود و تقریباً سه ساله بود؛ آنگاه خطاب به من فرمود: اگر منزلت تو در پیش حضرت احادیث و حجتهای پروردگار نبود، پسرم را به تونشان نمی دادم.



نظر

۱۴۰

لیلی / شمع / هفتاد و هشتاد و هشت

۷۷

عرضه داشتم: آیا علامتی هست که من بیشتر مطمئن شوم و دلم آرامش پذیرد؟ پس ناگهان حجت خدا بازبان فصیح و آشکار فرمود: انا بقیة الله فی ارضه والمنتقم من اعدائه ولا تطلب اثرا بعد عینِ يا احمد بن اسحاق...^{۳۴}

(من تنها بازمانده خدادار زمین هستم؛ از دشمنان خدا انتقام می‌گیرم. وای احمد بن اسحاق!
پس از دیدن، دیگر نشانه نپرس.).

۳. از امام صادق(علیه السلام) نقل می‌کنند، که حضرت در ترسیم روز پر شکوه ظهر می‌فرماید: اول ما يَنْطَقُ به هذه الآية: «بقية الله خير لكم ان كنتم مؤمنين» ثم يقول: انا بقیة الله و حجته و خلیفته علیکم؛ فلا یَسْلُمُ علیه مسلمٌ الا قال: السلام علیک یا بقیة الله فی ارضه.^{۳۵}

امام زمان(علیه السلام) نخستین چیزی که به زبان می‌آورد، این آیه شریفه است «باقیمانده الهی برای شما بهتر است، اگر مؤمن هستید» سپس می‌فرماید: بقیة الله من هستم؛ من حجت الهی و خلیفه الهی بر شما هستم. پس هیچ مسلمانی در روی زمین براو سلام نمی‌کند، مگر به این عبارت که: سلام بر شما ای بقیة الله در زمین الهی.

۴. امام هادی(علیه السلام) در ضمن بیان او صاف امام مهدی(عج) می‌فرماید:

هو الَّذِي يَجْمِعُ الْكَلْمَ وَيُتِمُ النِّعَمَ وَيَحْقِقُ اللَّهَ بِهِ الْحَقَ وَيَزْهِقُ الْبَاطِلَ وَهُوَ مَهْدِيُكُمْ
والمنتظر ثم قرأ «بقية الله خير لكم» وقال: هو والله بقیة الله.^{۳۶}

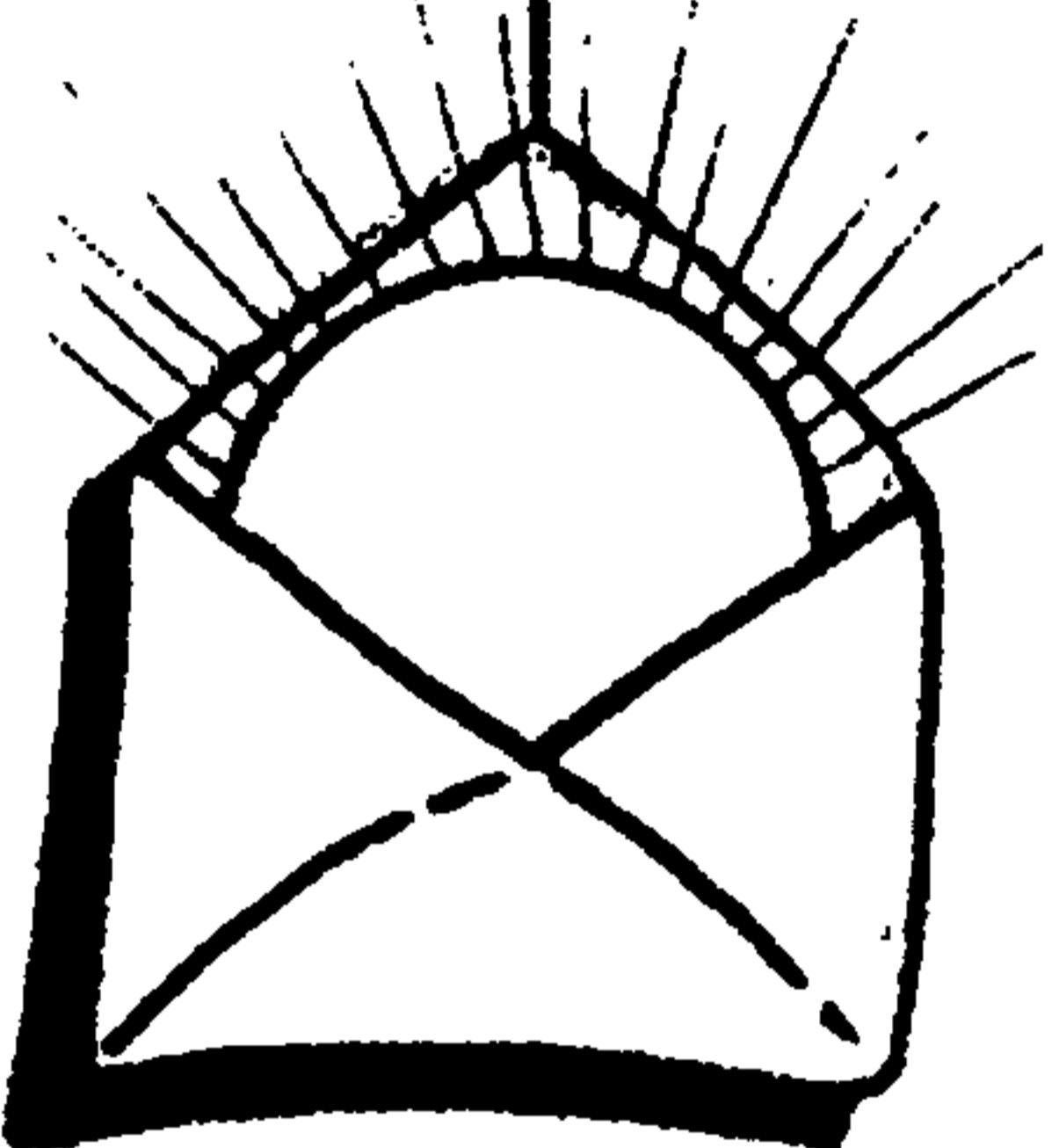
او کسی است که وحدت کلمه ایجاد می‌کند و نعمتها را کامل می‌سازد. خداوند حق را به دست او تحقق می‌بخشد و باطل را نابود می‌سازد. او مهدی منتظر شمامست. آنگاه این آیه را تلاوت کرد: «بقية الله خير لكم» سپس فرمود: به خدا سوگند بقیة الله (تنها بازمانده از حجتهای الهی) اوست.

۵- حضرت زهرا(علیها السلام) سیدة النساء و حضرت مهدی(علیه السلام) سید الخلق است

الف) حضرت زهرا سرور زنان است.

پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآلہ وسلم) در موارد متعددی به دختر گرامی خود این لقب را داده‌اند:

ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر(صلی الله علیه وآلہ وسلم) فرمود: و امّا ابنتی فاطمة فانها سیدة نساء العالمین من الاولین والآخرین.^{۳۷}



أَنْظَار

١٤٢

شماره هفدهم / شماره سوم / شماره نهم /

اما دخترم فاطمه، سرور زنان عالم از اولین و آخرین می باشد.

ب) حضرت مهدی (عج) سیدالخلق است.

این لقب را حضرت رضا (علیه السلام) به فرزند گرامیش حضرت مهدی (علیه السلام) داده اند.

عن الحسن بن شاذان الواسطی قال: كتبت الى ابی الحسن الرضا (علیه السلام): اشکو جفاً اهل واسط و حملهم علىّ، و كانت عصابة من العثمانية توذيني؛ فوقع بخطه: ان الله تبارک و تعالى اخذ میثاق اولیائنا على الصبر في دولة الباطل؛ فاصبر لحكم ربک. فلو قد قام سیدالخلق لقالوا: «يا ويلينا من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون».»^{٣٨}

حسن بن شاذان می گوید: نامه‌ای نوشتم خدمت امام رضا (علیه السلام) و از جفا و یورش و اذیت اهل واسط، که جمعی از عثمانیان بودند، بر خود شکایت کردم. حضرت به خط مبارک جواب فرمودند: خداوند از دوستان ما پیمان گرفته که در دولت باطل صبر کنند؛ توهم صبر کن (نگران نباش). وقتی که سیدالخلق قیام کند، دشمنان می خوانند: «وای بر ما! چه کسی ما را از قبورمان مبعوث کرده؟ این همان است که خداوند و عده داده بود؛ و فرستادگان الهی راست می گفتند.»

مرحوم علامه مجلسی می گوید: مراد از سیدالخلق، قائم (علیه السلام) است. پس دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) در آن زمان رجعت می کنند و مؤمنان از آنها انتقام می گیرند. پس دشمنان می گویند: «يا ويلينا...»^{٤٠}

۳- حضرت زهرا (س) طاهره و حضرت مهدی (عج) طاهر است.

الف) حضرت زهرا (علیها السلام) طاهر است.

این مطلب هم از آیه تطهیر استفاده می شود و هم می بینیم پیامبر آن حضرت را به این لقب نامیدند.

اسماء بنت عمیس می گوید: قال النبي (صلی الله علیه وآلہ وسلم): اما علمت ان ابنتی طاهره

مطهرة^{٤١}...

پس پیامبر (صلی الله علیه وآلہ وسلم) فرمودند: آیا نمی دانی که دخترم پاک و پاکیزه است؛ آیه تطهیر هم دلیل دیگری بر پاک بودن حضرت از رجس و پلیدیها است. «انما یرید الله

لیذهب عنکم الرجس اهل البيت و یطهّر کم تطهیرا.^{۴۲}

خداوند اراده کرده که ناپاکی را از شما اهل بیت دور کند و شمارا پاک قرار بدهد.»

این آیه به اجماع خاصه و عامه در شأن پنج تن آل عباس است.^{۴۳}

ب : حضرت مهدی (عج) طاهر است.

این لقب را پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآلہ وسلم) به امام زمان (علیه السلام) داده اند؛ در ضمن حدیثی که فرمود: ان الله عزوجل رَكْبَ فِي صَلْبِ الْحَسْنِ (ای العسکری) (علیه السلام) نطفة مبارکة زکیة طیبة طاهراً مطهراً؛ یرضی بها کل مؤمن اخذ الله میثاقه بالولایة ویکفر بها کل جاحد؛ فهو امامُ تَقْنِی هادِ مَهْدی...^{۴۴}

خداوند در صلب امام حسن (عسکری) (علیه السلام) نطفه ای مبارک، پاک و پاکیزه تعییه نمود؛ که هر مؤمنی که خداوند از او پیمان ولایت گرفته، از او خشنود می شود و هر منکری به او کفر می ورزد. او پیشوای پارسا، پاکیزه، هادی و مهدی است.

در روایت دیگری امام صادق (علیه السلام) فرمودند: اذا كان ذلك فكونوا اجلاس بيوتكم حتى يظهر الطاهر بن المظفر ذو الغيبة...^{۴۵}

وقتی آخر الزمان شد و فتنه ها به وجود آمد، شما گلیم خانه‌ی خود باشید؛ تا خداوند امام پاکیزه و پسر پاکیزه را ظاهر کند.

و در دعایی که دستور داده اند در زمان غیبت بخوانیم، دارد...؛ و زد فی کرامتك له فانه الهادی... الطاهر التقى النقى الزکى الرضى المرضى الصابر المجتهد الشكور...^{۴۶}

عرض می کنیم: خدایا! بر لطف و کرامت نسبت به او بیفزای؛ که اوست هادی... پاک، با تقوا پاکیزه، منزه، صاحب مقام رضا و خشنودی خدا، صبر کننده، سپاسگزار و...

۴- حضرت زهرا (س) مبارکه و حضرت مهدی (عج) مبارک است.

الف) حضرت زهرا (علیها السلام) مبارکه است.

مبارک از برکت گرفته شده؛ به معنای رشد و زیاده. مبارک یعنی آنچه که از او خیر زیاد بیاید.^{۴۷}

به حضرت زهرا (علیها السلام) از این جهت مبارک می گویند که او کوثر، «انا اعطيناک الكوثر» است؛ همان طور که فخر رازی در تفسیر خود گفت: مراد صدیقه طاهره، فاطمه زهرا (علیها السلام) است.^{۴۸} و صاحب مجمع البیان می گوید: کوثر، زیادی نسل و فرزند است؛

که از فاطمه زهرا(علیهاالسلام) و اولادوی، نسل رسول اکرم(صلی الله علیه وآلہ وسلم) آنچنان فراوان شد، که نتوان شماره کرد.

مرحوم علامه طباطبایی می فرماید: مراد از کوثری که خداوند به پیامبر(صلی الله علیه وآلہ وسلم) عطا فرمود، فقط کثرت ذریه پیامبر(صلی الله علیه وآلہ وسلم) می باشد، یا مراد، خیر کثیر است، و کثرت ذریه، مراد می باشد، در ضمن خیر کثیر؛ و اگر غیر از این، معنا کنیم، محقق کردن و محکم کردن کلام به واسطه آیه «ان شائک هو الابت» حالی از فایده می شود.^{۴۹ و ۵۰}

ب) حضرت مهدی (عج) مبارک است.

در ضمن لقبهایی که پیامبر(صلی الله علیه وآلہ وسلم) برای آن حضرت شمردند، همین لقب مبارک است.^{۵۱}

وقتی پیامبر(صلی الله علیه وآلہ وسلم) در بیاناتی آخر الزمان را ترسیم می کنند، می فرماید: ولایزال ذلك البلاد على اهل ذلك الزمان، حتى اذا يئسوا و قنطوا و اساوا والظن الا يفرج عنهم؛ اذ بعث الله رجالا من اطاييف عترتي و ابرار ذريتني عدلاً مباركاً زكيماً.^{۵۲}

این گرفتاری با مردم آن زمان خواهد بود؛ تا هنگامی که مأیوس و نا امید شوند و تصور کنند که دیگر خداوند از آنها رفع گرفتاری نخواهد فرمود؛ آنگاه خداوند مردی را از بهترین فرزندان و پاکترین عترت من بر می انگیزد؛ که سراپا عدل و برکت و پاکی است.

هـ حضرت زهرا(س) زکیه و حضرت مهدی (عج) زکی است.

۱۴۳

«زکوة» به معنای نمو و زیادتی^{۵۳} یا به معنای پاکیزه از خباثت نفس، کینه، بخل، حسد و هر گونه پلیدی و کثافت ظاهری و باطنی است.^{۵۴}

الف) حضرت زهرا (س) زکیه است.

در ذیل کلمه «مبارکه» از آن سخن گفتیم.

شماره هفتم / سوم / سیم
۱۸

ب) حضرت مهدی زکی است.

از جمله القابی که پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآلہ وسلم) به حضرت مهدی(علیه السلام) داده اند، زکی است؛ که روایات آن را در ذیل شباہتهای ۳ و ۴ ذکر نمودیم.

همچنین امیر مؤمنان علی(علیه السلام) در ضمن نامه ای به معاویه این لقب را به حضرت مهدی (علیه السلام) داده اند ... و اِنْ رجلا مِنْ ولدِكَ، مَشُومٌ ملعونٌ... و يَعَربَ منهم رجلٌ من

ولدی زکی نقی الذی یملأ الارض قسطاو عدلاً.^{۵۵}

مردی از نسل تو که شوم و ملعون است... سپاهی به سوی مدینه می فرستد... و مردی پاک و پاکیزه از نسل من، از میان آنها می گریزد و زمین را پراز عدل و داد می نماید.

۶- حضرت زهرا(س) طبیبه و حضرت مهدی(عج) طبیب است.

الف) حضرت زهرا(س) طبیبه است.

مرحوم سید بن طاووس بعد از نقل روایت فضیلت اهدای نماز به معصومین (علیهم السلام) می فرماید: بعد از نماز هدیه به هر یک از معصومین این دعا را بخواند...، دعا یعنی که بعد از خواندن نماز هدیه به حضرت زهرا(علیها السلام) می فرماید، این است که بگویید: اللهم ان هاتین الرکعتین هدية منی الى الطاهرة المطهرة الطيبة الزکیة فاطمة اللهم... و آثینی علیهما افضل املی و رجائی فیک و فی نبیک (صلوات الله علیه و آله) و وصی نبیک و الطيبة الطاهرة فاطمة...^{۵۶}

ب: حضرت مهدی (عج) طبیب است.

روایات آن در ذیل شباہتهای سوم و چهارم آمده است.

۷- حضرت زهرا(س) مطهره و حضرت مهدی(عج) مطهر است.

روایاتی که دلالت بر این مطلب می کند در ذیل شباہت سوم آمده است.

۸- حضرت زهرا(س) تقيه و حضرت مهدی(عج) تقي است.

الف) حضرت زهرا(س) تقيه است.

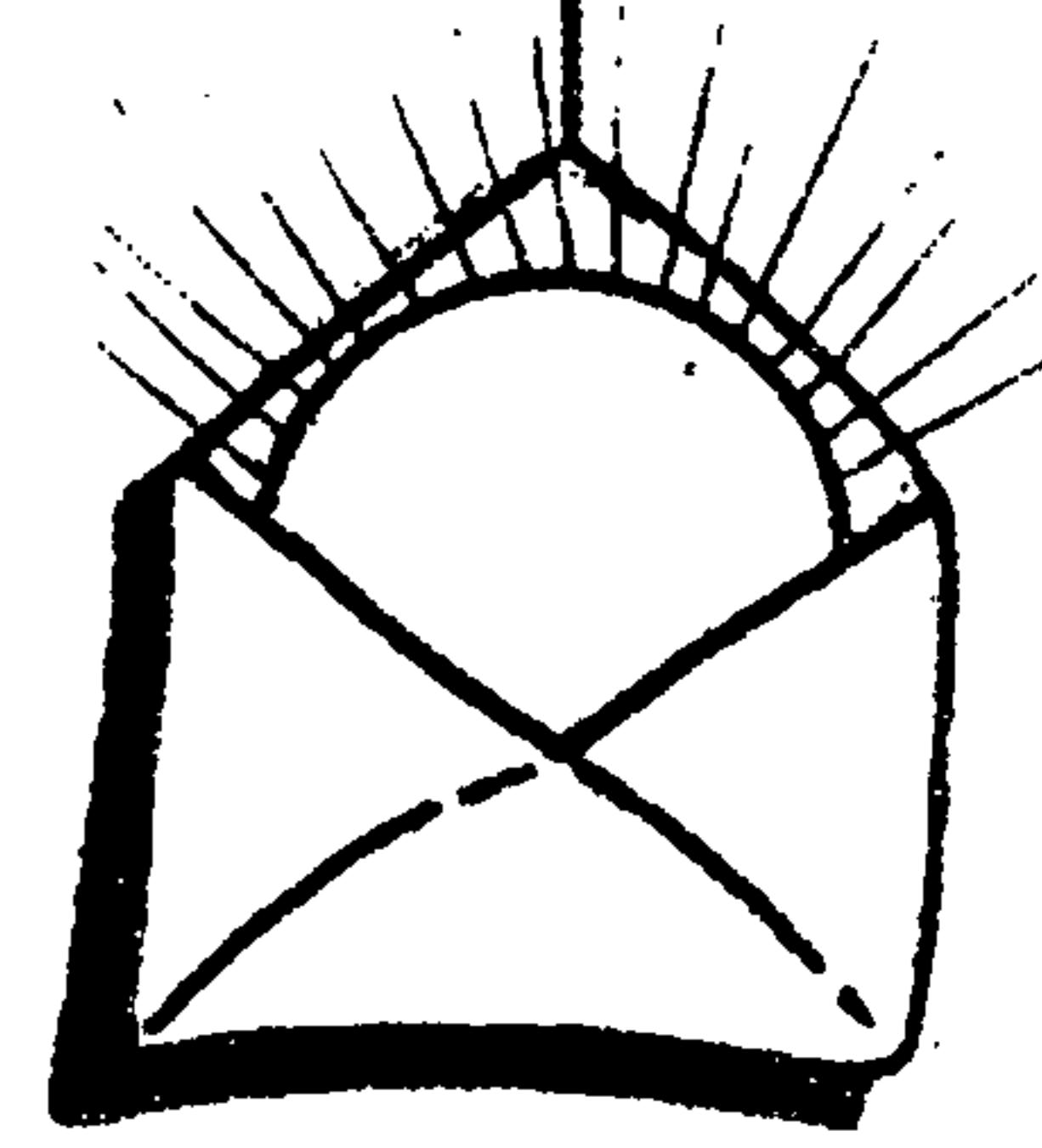
حضرت زهرا(علیها السلام) در اوج قله تقوا می باشد. در زیارت حضرتش می خوانیم:

السلام عليك ايتها التقيۃ النقیۃ^{۵۷} سلام بر تو ای ذات متقدی پاک.

یا می خوانیم: اللهم صل على محمد و اهل بيته و صلّ علی البطل الطاهرة الصدیقة المعصومة التقیۃ النقیۃ المرضیۃ الزکیۃ الرشیدۃ المظلومۃ المقهورۃ.^{۵۸}

ب) حضرت مهدی (عج) تقي است.

در ذیل شباہت سوم، روایتی که دلالت بر این مطلب می کند، ذکر شد.



۹- حضرت زهرا(س) نقیه و حضرت مهدی(عج) نقی است.

روایاتی که دلالت بر این مطلب می کند در ذیل شباختهای ۳ و ۵ و ۸ ذکر شده.

۱۰- حضرت زهرا(س) محدثه و حضرت مهدی(عج) محدث است.

الف) حضرت زهرا (س) محدثه است.

بیش از ده روایت داریم که دلالت دارند ملائکه بر حضرت زهرا(علیها السلام) فرود آمده و با ایشان سخن می گفتند؛ از این روی به او محدثه گفتند.

در اینجا به بعضی از آن روایات اشاره می کنیم:

از امام صادق(علیه السلام) پیرامون مصحف فاطمه(علیها السلام) سؤال کردند. امام پس از سکوتی طولانی فرمود:

انکم لَتَبْحَثُونَ عَمًا تَرِيدُونَ وَ عَمًا لَا تَرِيدُونَ. ان فاطمة مکثت بعد رسول الله(صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم) خمسة و سبعين يوماً و کان دخلها حزن شدید علی ابیها؛ و کان جبرئیل یأتیها فیحْسِنُ عزّاها علی ابیها و یطیب نفسها و یخبرها عن ابیه و مکانه و یخبرها بما یکون بعدها، و کان علی(علیه السلام) یکتب ذلک؛ فهذا مصحف فاطمة.^{۵۹}

شما از هر چیزی سؤال می کنید. زهرا(علیها السلام) بعد از پیامبر (صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم) هفتاد و پنج روز بیشتر زنده نبود؛ و به سبب فقدان پدر، بسیار محزون بود؛ از این رو همیشه جبرئیل به نزد او می آمد و علاوه بر اینکه او را تسلیت می گفت و تسلای او بود، او را از جایگاه او و اخبار آینده آگاه می کرد و حضرت علی(علیه السلام) هم آنها را می نوشت. این نوشته‌ها، مصحف فاطمه(علیها السلام) است.^{۶۰}

امام صادق(علیه السلام) همچنین فرمودند: انما سمیت فاطمة محدثة لأن الملائكة كانت تهبط من السماء فتنادیها کما تنادی مریم بنت عمران؛ فتقول الملائكة يا فاطمة! ان الله اصطفاك و طهرك على نساء العالمين.^{۶۱}

همانا فاطمه را محدثه نامیدند، چون که همیشه ملائکه از آسمان بر او هبوط می کردند؛ پس همان گونه که حضرت مریم(علیها السلام) را مورد ندا قرار دادند، او را هم مورد خطاب قرار دادند و گفتند: ای فاطمه! خداوند تو را بر تمام زنان عالم برگزید و تورا پاکیزه قرار داد.

ب : حضرت مهدی(عج) محدث است.

در این زمینه دو دسته روایات داریم. یک دسته از آنها به طور عموم دلالت می کند که کل

ائمه(علیهم السلام) محدث هستند و دسته دیگر روایاتی است که دلالت می کند حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشّریف) محدث است.

روایات عام:

- قال رسول الله(صلی الله علیہ وآلہ وسلم): من ولدی اثنا عشرَ نقیباً، نجباءً محدّثونَ مُفْهَمُونَ آخرهم القائم بالحق^{٦٢} پیامبر(صلی الله علیہ وآلہ وسلم) فرمودند: دوازده نقیب ازواولاد من هستند که همه شان نجیب، محدث، آموزش یافته و صاحب فهم هستند؛ که آخرين آنها قائم به حق است.

- قال الباقي(علیه السلام) مِنَ الْاثْنَا عَشَرَ مَحْدُثًا، السَّابِعُ مِنْ وَلَدِي القَائِمِ (عجل الله تعالی فرجه الشّریف)^{٦٣} دوازده محدث از ماست؛ که هفتمن فرزند من همان قائم(عجل الله تعالی فرجه الشّریف) است.

- امام جواد(علیه السلام) از امیر مؤمنان علی(علیه السلام) نقل می کنند، که حضرتش به ابن عباس فرمود: ان لیلة القدر فی كل سنة و انّه ينزل فی تلك الليلة امر السنة ولذلك الامر ولاة بعد رسول الله(صلی الله علیہ وآلہ وسلم). فقال ابن عباس: من هم؟ قال أنا واحد عشر من صلبی ائمه محدثون.^{٦٤}

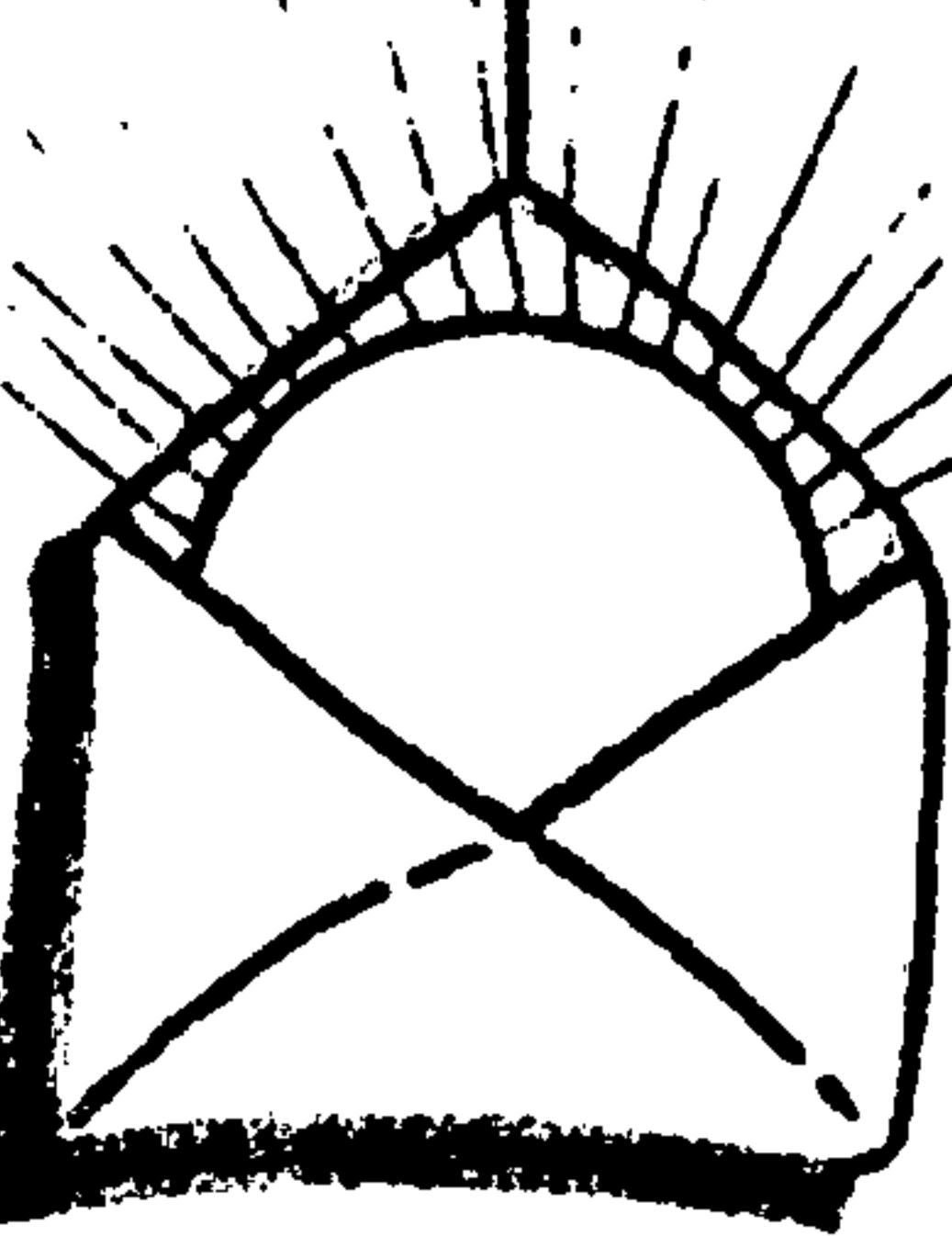
حضرت علی(علیه السلام) به ابن عباس فرمودند: شب قدر در هر سال هست (منحصر به زمان حیات پیامبر(صلی الله علیہ وآلہ وسلم) نبوده) و در آن شب امور سال نازل می شود؛ و برای این برنامه، والیانی بعد از رسول الله(صلی الله علیہ وآلہ وسلم) وجود دارد. ابن عباس عرض کرد: آنها چه کسانی هستند؟ حضرت علی(علیه السلام) فرمودند: من و یازده فرزند من، که همه پیشو او محدث هستند.

- در روایتی امام صادق(علیه السلام) تفسیر آیه «تنزيل الملائكة والروح فيها...»^{٦٥} را این گونه بیان می فرمایند: آی من عند ربهم علی محمد وآل محمد بكل امر سلام.^{٦٦}

يعنى ملائکه و روح از جانب خداوند بر محمد و آل محمد(علیهم السلام) نازل می شوند.

- از امام باقر(علیه السلام) سؤال شد: آیا شما شب قدر را می شناسید؟ فقال وَ كَيْفَ لَا نَعْرِفُ وَ الْمَلائِكَةَ يَطْوِفُونَ بِنَافِيهَا.^{٦٧} چگونه شب قدر را نشناسیم؛ در حالی که ملائکه در آن شب در اطراف ما طوف می کنند.

ملائکه و اعظم ملائکه که روح است، در اطراف آنها چرخ می زند و بر آنها نازل می شوند



و با آنها سخن می گویند.

روايات خاص:

- امام رضا(عليه السلام) ضمن بر شمردن صفات امام زمان(عليه السلام) می فرماید:
یکون اعلم الناس واحکم الناس واتقى الناس واحلم الناس واسخى الناس واعبدالناس...
ویرى من خلfe کما يرى من بين يديه ولا يكون له ظل... وتنام عيناه ولا ينام قلبه ويكون
محدثاً.^{٦٨}

او داناترین مردمان، حکیمترین، پرهیزکارترین، بردبارترین، بخشندۀترین و عابدترین مردم
است؛ که پشت سر را می بیند، همان گونه که پیش رو را می بیند؛ سایه ندارد؛ دیدگانش در
خواب فرو می رود، ولی دلش همیشه بیدار است و فرشتگان با او سخن می گویند.

- یا امام جواد(عليه السلام) در ضمن بیان سیر آن حضرت می فرماید:

ثم يدخل الكوفة فيقتل مقاتليها، حتى يرضي الله عزوجل... ثم قلت: وما يدريه، جعلت
فداك مني يرضي الله عزوجل؟ قال: يا أبا الجارود! إن الله أوحى إلى أم موسى وهو خير
من أم موسى وأوحى الله إلى النحل وهو خير من النحل.^{٦٩}

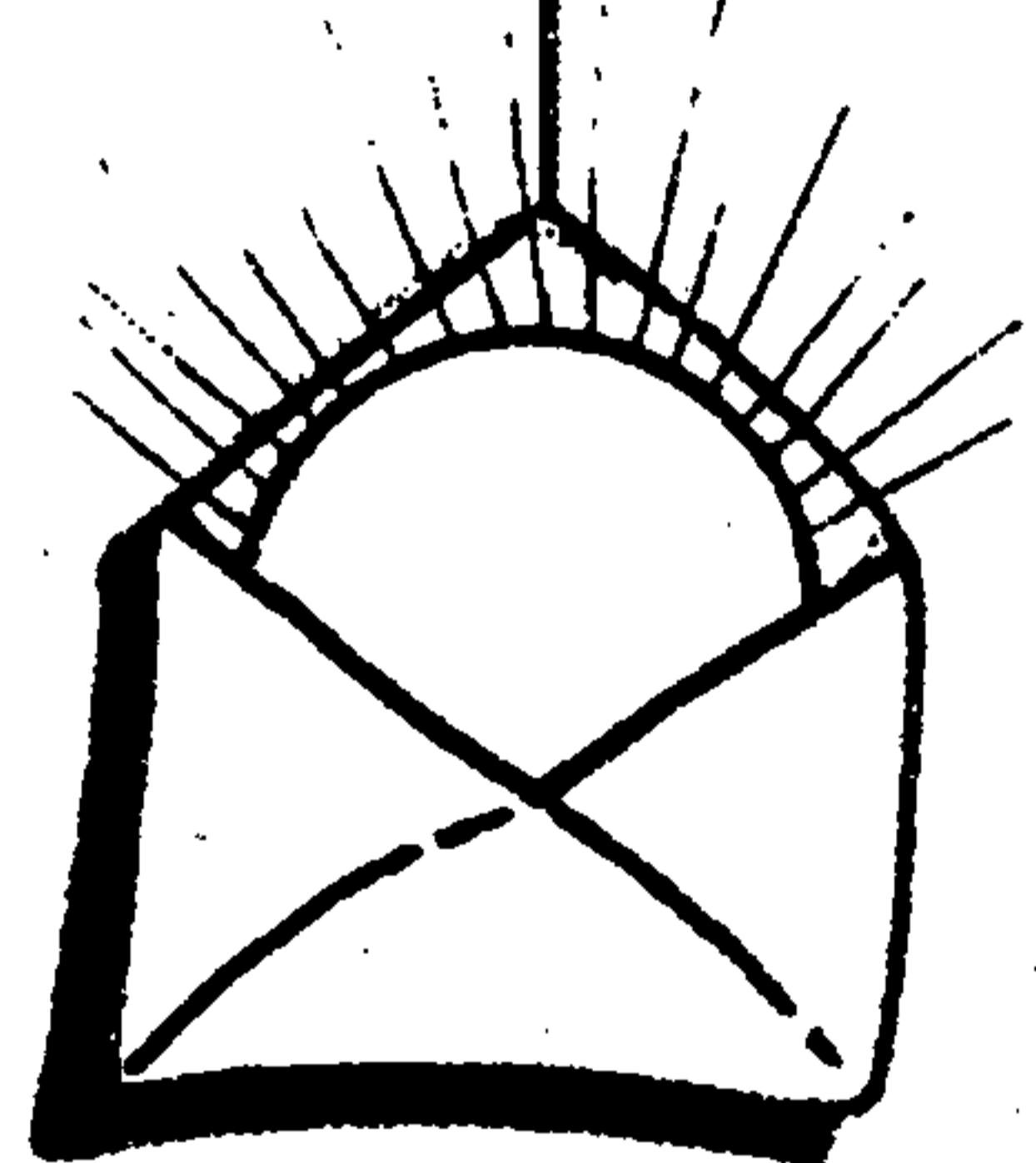
او وارد کوفه می شود و جنگ کنندگان را می کشد، تا خداوند راضی شود...، عرض کردم:
چگونه متوجه می شود که خداوند راضی شده؟ حضرت فرمود: خداوند به مادر موسی^{٧٠} وحی
کرد؛ و البته مهدی(عليه السلام) بهتر از مادر موسی است و خداوند به زنبور عسل وحی کرد^{٧١} و
بته او بهتر از زنبور عسل است.^{٧٢}

حضرت با استشهاد به دو آیه از قرآن می خواهند بفرمایند که خداوند به او وحی می کند.
البته همان طوری که در آن دو آیه، مراد از وحی، وحی مصطلح (نزول جبرئیل، همراه با ادعای
نبوت) نیست؛ مراد از وحی به حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشّریف) هم وحی مصطلح
نیست.

۱۱- حضرت زهرا(س) و حضرت بقیة الله(عج) هردو کوکب دری هستند.

الف) حضرت زهرا (س) ستاره درخشان است.

ابی هاشم عسکری از امام عسکری(عليه السلام) سؤال می کند: لم سمیت فاطمة الزهراء؟
فقال: كان وجهها يزهراً مير المؤمنين(عليه السلام) من اول النهار كالشمس الضاحية و عند الزوال
كالقمر المنير و عند غروب الشمس كالكوكب الدری.^{٧٣}



انتظار

۱۴۸

شماره هفتم / نظری / شماره هفتم / نظری

۷۲

حضرت در جواب این سؤال که چرا حضرت فاطمه(علیها السلام) را زهرا نامیدند، فرمودند: صورت او برای امیر مؤمنان(علیه السلام) نور افشاری می کرد؛ در اول روز، مثل خورشید تابان، و هنگام ظهر، مثل ماه منیر و در وقت غروب خورشید، مثل کوکب دری و ستاره درخشان. حضرت زهرا(علیها السلام) در حدیث مفاخرة - حدیثی که در آن حضرت علی(علیه السلام) و فاطمه زهرا(علیها السلام) هر کدام فضائل خود را برابر می شمرند - خود را به عنوان کوکب دری معرفی می کنند.

قال علی(علیه السلام):

انا الامين الاصلع. قالت فاطمة: انا الكوكب الذي يلمع...^{۷۳} حضرت علی(علیه السلام) فرمود: من امين اصلع هستم. حضرت فاطمه(علیها السلام) فرمودند: من ستاره‌ای هستم که می درخشند.

امام صادق(علیها السلام) می فرمایند: «کانّها کوکب دری» (در آیه ۳۵ سوره نور) کأن فاطمة(علیها السلام) کوکب دری بین نساء اهل الارض (اهل الدنيا).^{۷۴}

گویا فاطمه(علیها السلام) همانند ستاره درخشان بین زنان اهل زمین (أهل دنيا) است.

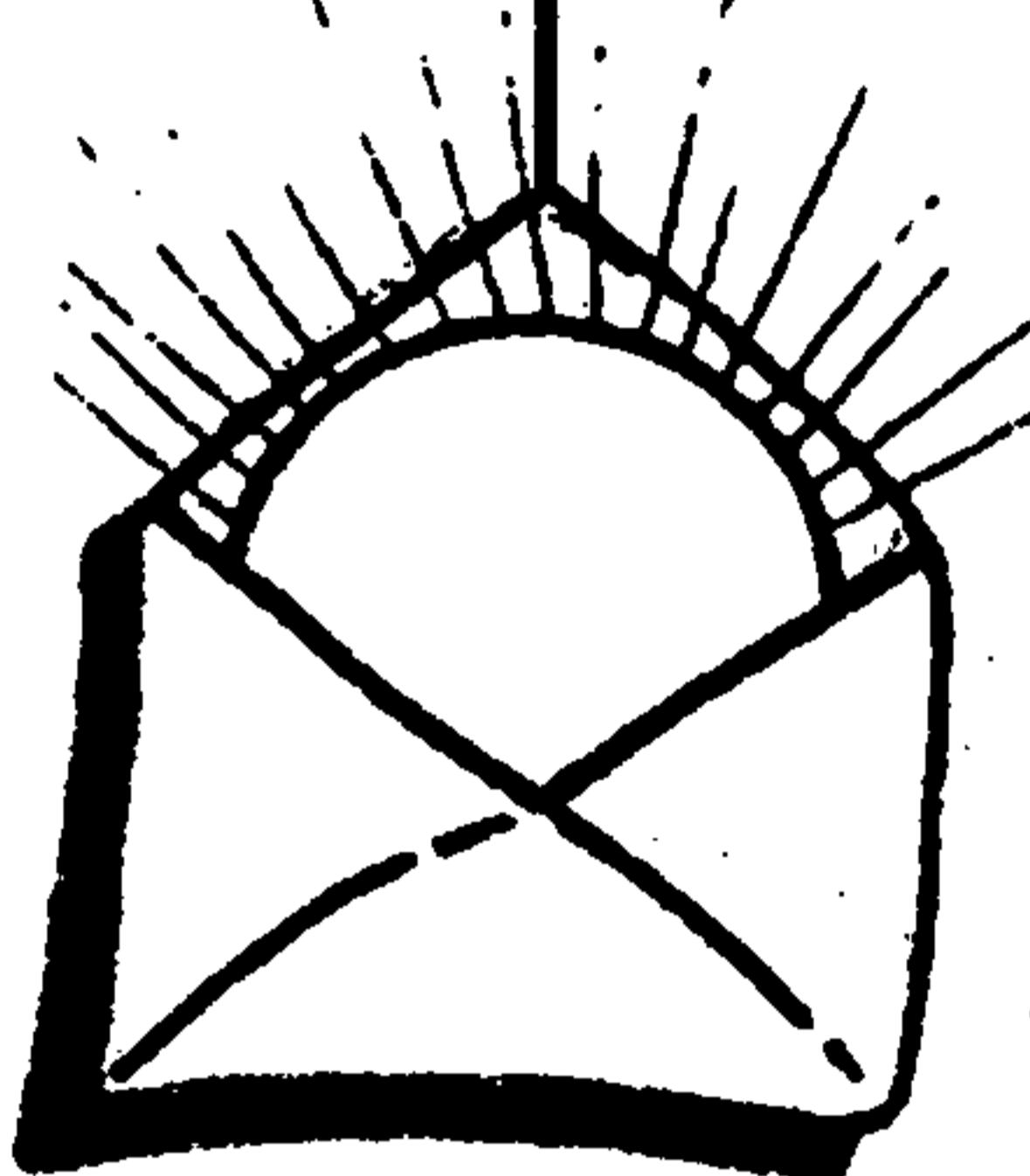
ب) حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشّریف) ستاره درخشان است.

قال رسول الله(صلی الله عليه وآلہ وسلم): المهدی رجلٌ مِنْ ولدِي؛ وجهه كالکوكب
الدری.^{۷۵}

پیامبر(صلی الله عليه وآلہ وسلم) فرمودند: مهدی مردی از فرزندان من است، که صورتش مثل ستاره درخشان است.

پیامبر اکرم(صلی الله عليه وآلہ وسلم) در ضمن بیان مشاهدات خود در معراج می فرماید: خداوندانوار ائمه اثنی عشر را به من نشان داد و فرمود: یا محمد! ارفع رأسک فاذا انا بانوار علی و... و محمد بن الحسن الحجة يتلاّأ من بينهم (يتلاّأ وجهه من بينهم) کانه کوکب دری. فقلت: یارب! من هذا؟ (من هوّلاء و مَنْ هذَا) قال: یا محمد! هم الائمة من بعدک؛ المطهرون من صلبک و
هذا الحجة الذي يملأ الأرض قسطاً وعدلاً و يشفى صدور قوم مؤمنين.^{۷۶}

ای محمد(صلی الله عليه وآلہ وسلم)! سرت را بالا بیاور. وقتی بالا رانگاه کردم، نور ائمه (علیهم السلام) را دیدم که نور محمد بن الحسن، بین آنها نور افشاری می کرد و صورتش می درخشید، مثل ستاره درخشانی. پس عرض کردم: خدایا! اینها چه کسانی هستند و این نور



چه کسی است؟ خطاب شد: اینها امامان بعد از تو، از صلب تو هستند، که پاکند؛ و این شخص که مبی در خشد، حجتی است که زمین را پر از قسط و عدل می کند و دلهاي مؤمنين را شفا می دهد.

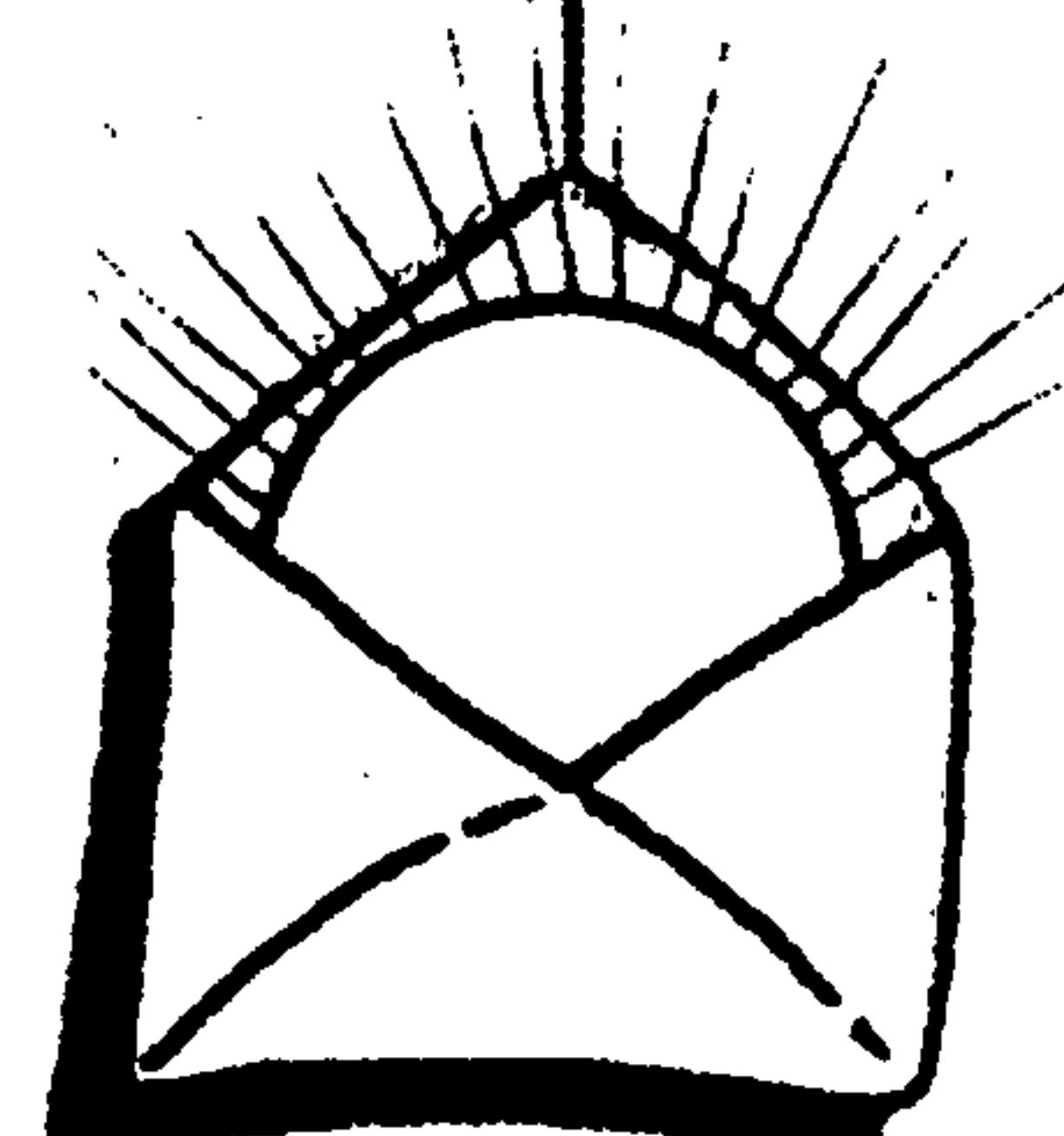
۱۲- حضرت زهرا(س) منصوريه و امام زمان(عج) منصور است.

الف) حضرت زهرا(عليها السلام) ياري شده است.

دروصف حضرت فاطمه(عليها السلام) آمده است: که او

ميمونَةٌ مَنْصُورَةٌ مَحْتَسِمَةٌ جَمِيلَةٌ جَلِيلَةٌ مَعْظَمَةٌ. ^{۷۷}

یکی از آياتی که به حضرت زهرا(عليها السلام) وحضرت مهدی(عج)، تأویل شده است آیه ۴ سوره روم است «...يَوْمَئِذٍ يُفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ؛ بِنَصْرِ اللَّهِ يُنَصَّرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ»^{۷۸} امام صادق(عليه السلام) از قول پیامبر(صلی الله علیه وآلہ وسلم) نقل می کنند، که حضرت جبرئیل(عليه السلام) سبب بهشتی را از طرف خداوند به رسم هدیه برای پیامبر آورد و عرض کرد: بخور این سبب را. سبب را دو نیم کرد؛ نوری ساطع شد. سؤال فرمودند: این نور چیست؟ جبرئیل عرض کرد: فان ذلك النور، للمنصورة في السماء، وفي الأرض فاطمة. قلت: حببي جبرئیل! ولم سميت في السماء المنصورة وفي الأرض فاطمة؟ (این نور منصوريه در آسمان و فاطمه در زمین است. به جبرئیل گفت: حبیب من! چرا او را در آسمان منصوريه می گویند و در زمین فاطمه؟ گفت:



انتظار

۱۵۰

سمیت فی الارض فاطمة، لانها فطمته و شیعتها من النار و فطم اعدائها من حبها. (او را در زمین فاطمه می گویند؛ چرا که او و شیعیانش از آتش بازداشته شده اند و دشمنان او از دوست داشتن او باز داشته شده اند.

در ادامه عرض داشت: و هي في السماء المنصورة؛ و ذلك قوله عزوجل «و يَوْمَئِذٍ يُفْرَحُ المؤمنون بِنَصْرِ اللَّهِ» يعني نصر الله لمحبیها.^{۷۹} اور ا در آسمان منصوريه خوانند؛ و این همان گفتار خداوند است که فرمود: «در چنین روزی مؤمنان به یاری خداوند - یاری خداوند به محبین آن حضرت - خوشحال می شوند. آن حضرت؛ دوستداران او در آن روز و روز ظهور امام زمان(عليه السلام) خوشحال می شوند؛ امام صادق(عليه السلام) در پاسخ سؤال ابی بصیر از آن حضرت پیرامون تفسیر «الم؛ غلبت الروم» فرمود: هم بنو امية : آنها بنو امية هستند... «و يَوْمَئِذٍ يُفْرَحُ المؤمنون بِنَصْرِ اللَّهِ» عند قيام القائم.^{۸۰}

شال سوم / شماره هفتم / نهم

مؤمنان به یاری خداوند هنگام قیام حضرت مهدی(عج) خوشحال می شوند، گفتنی است، حتی مؤمنانی که از دنیا رفته اند، به چنین قیامی خوشحال می شوند؛ امام صادق(علیه السلام) فرمودند: «یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله» فی قبورهم، بقیام القائم(علیه السلام)^{۸۱}

مؤمنان، در حالی که در قبرهایشان هستند. به قیام حضرت مهدی(عج) خوشحال می شوند. پس هر روزی که روز نجات مؤمنان و پیروزی آنها باشد و یاری خداوند شامل آنها بشود، روز فرح و خوشحالی مؤمنان خواهد بود.

ب) حضرت مهدی(عج) منصور است.

خداوند حضرت مهدی(عج) را منصور نامیده اند «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليّة سلطاناً فلا يسرف في القتل انه كان منصوراً»^{۸۲}

در روایات آیه شریفه به حضرت امام حسین(علیه السلام) و حضرت مهدی(عج) تأویل شده است.

امام باقر(علیه السلام) فرمودند: «من قتل مظلوماً»، الحسین، کشته شده مظلوم، حسین(علیه السلام) است. انه كان منصوراً، سمی الله المهدی المنصور؛ كما سمی احمد و محمد و محمود و كما سمی عیسیٰ المسيح.^{۸۳}

حضرت می فرماید: خداوند مهدی را منصور نامیده همان طور که (پیامبر را) احمد و محمد و محمود نامید و چنانچه عیسیٰ(علیه السلام) را مسیح نامید.

و در زیارت عاشورا می خوانیم: فاسئل الله الذي اکرم مقامک و اکرمکی بک ان یرزقنى طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد(صلی الله علیه وآلہ وسلم).^{۸۴} از خداوند می خواهیم که به ما توفیق بدده در کنار امام منصور (امام زمان «علیه السلام») خون خواهی حسین(علیه السلام) را بکنیم.

همچنین امام باقر(علیه السلام) می فرماید: القائم منا منصور بالرّعب مؤيد بالنصر.^{۸۵} قائم از ما، یاری شده است به وسیله ترس در دل دشمنان و تأیید شده به وسیله یاری او.

و بالآخره در دعای ندبه می خوانیم: این المنصور على من اعتدى عليه و افترى.^{۸۶}

کجاست آن کسی که یاری شده است بر علیه کسی که نسبت به او تعدی کرده و افترا

بسته.

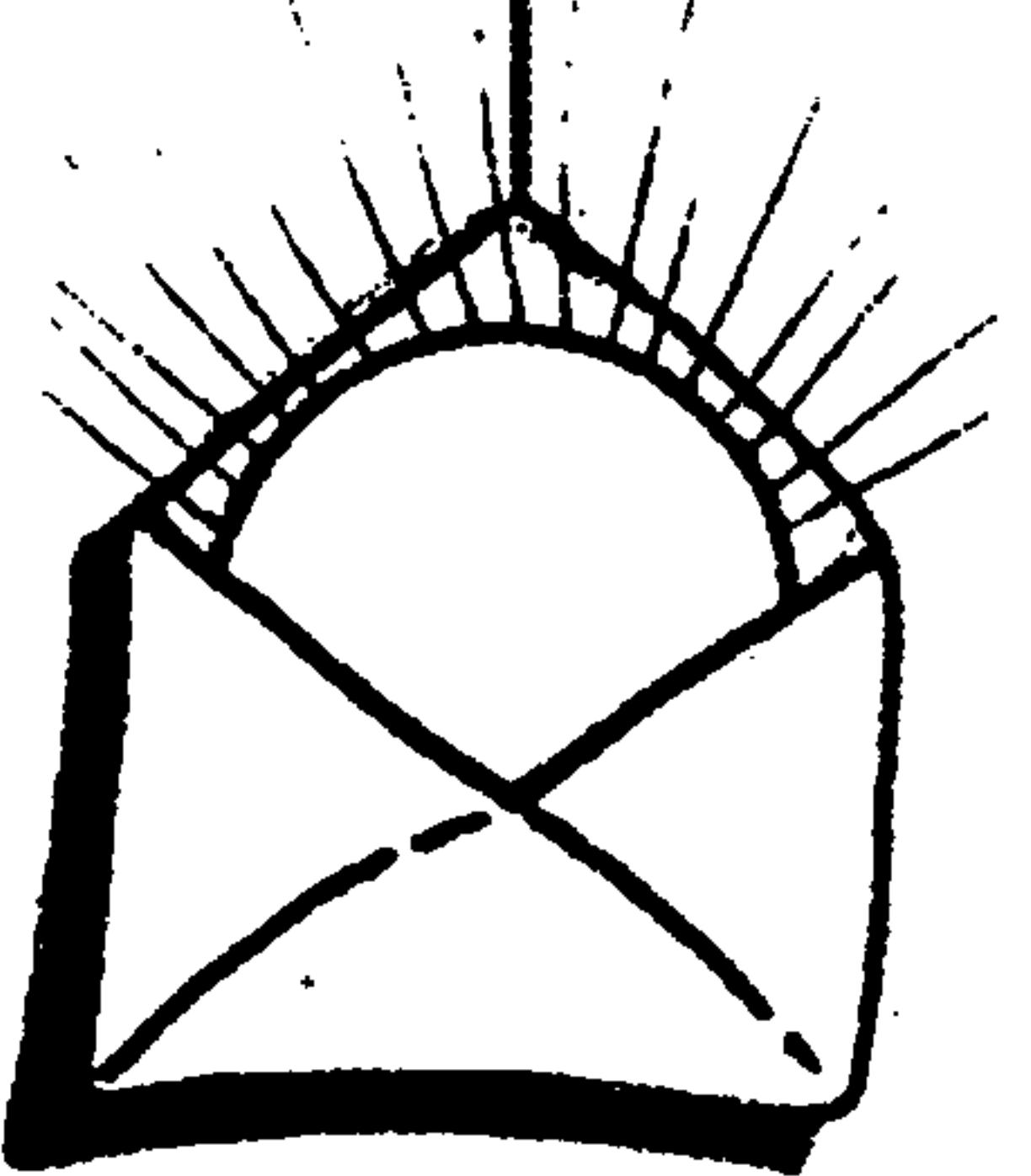
۱۳-حضرت زهرا(س) صدیقه و حضرت مهدی(عج) صادق المقال است.

الف) حضرت زهرا راست گفتار است:

پیامبر (صلی اللهُ علیہ وآلہ وسلم) به حضرت علی (علیہ السلام) فرمودند: سفارشها یعنی به دخترم فاطمه کرده ام و به او دستور دادم آنها را به تو بگوید؛ آنها را نافذ بدان. فهی الصادقة الصدوقة. او بسیار راست گفتار است. سپس حضرت زهرا (علیها السلام) را به سینه چسباند و سر او را بوسید و فرمود: فداک ابوک یا فاطمة. پدرت به فدای تو ای فاطمه^{۸۷} مفضل می گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: چه کسی فاطمه (علیها السلام) را غسل داد؟ فرمودند: حضرت علی (علیه السلام)... سپس حضرت فرمودند: گویا از این خبر ناراحت شدی! عرض کردم: بله قربانت شوم. حضرت فرمودند: دل گیرنشو: فانها صدیقه لم یکن یغسلّها الا صدیق. اما علمت ان مریم لم یغسلّها الا عیسی.^{۸۸}

به درستی که او صدیقه بود، که جز صدیق نمی توانست او را غسل دهد. آیا نمی دانی مریم را (که صدیقه بود) جز عیسی غسل نداد.

پیامبر به حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: به تو سه چیز داده شده که حتی به من هم داده نشد: یکی اینکه پدر همسرت تو مثل من است و برای همسریت، صدیقه‌ای مثل دختر من به تو داده شده...^{۸۹}



أنظار

۱۵۲

و گفتنی است که حتی مخالفین هم اعتراف می کنند که او صدیقه است. هنگامی که حضرت زهرا (علیها السلام) مطالبی را در خطبه فدکیه بیان فرمودند. اولی می گوید: ... و انتِ یا خیرة النساء و ابنة خیر الانبياء صادقةٌ فی قولك... ولا مصدودةٌ عن صدقك... صدق الله و رسوله و صَدَقتِ ابنته.^{۹۰}

تو ای بهترین زنان و دختر بهترین پیامبران، در گفتارت صادق هستی... و چیزی نیست که تو را از صدقت باز دارد... خدا و رسولش راستگویند و دختر رسول خدا (صلی الله علیه وآلہ وسلم) هم راستگوست.

ب) حضرت مهدی (عج) راست گفتار است

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: يَظْهُرُ صَاحِبُ الرَايَةِ الْمُحَمَّدِيَّةِ وَالدُّولَةِ الْأَحْمَدِيَّةِ، الْقَائِمُ بِالسَّيفِ وَالْحَالِ، الصَّادِقُ فِي الْمَقَالِ؛ يَمْهَدُ الْأَرْضَ وَيَحِيِّ السَّنَةَ وَالْفَرَضَ.^{۹۱} صاحب پرچم محمدی (صلی الله علیه وآلہ وسلم) و بنیانگذار دولت احمدی (صلی الله علیه وآلہ وسلم)

شماره / سوم / قلمروی
۲۸

ظهور می کند؛ در حالی که شمشیر در دست دارد، راستگو در گفتار است، زمین را مهد زندگی سازد و احکام اسلام (اعم از سنت و فرض) را زنده گرداند.

۱۴- حضرت زهرا(علیهاالسلام) صابرہ و حضرت مهدی(علیه السلام) صابر است.

الف) حضرت زهرا (علیهاالسلام) صبر کننده است.

در زیارت حضرت زهرا(علیهاالسلام) می خوانیم: یا متحنک اللہ الذی خلق کل قبل ان یخلق ک؛ فوجد ک لما امتحنک صابرة و...^{۹۲}

ای امتحان شده ای که خداوند قبل از اینکه بیافریند تورا، امتحانت کرد؛ پس تورا صبر کننده دید نسبت به امتحانات....

ب) حضرت مهدی (عج) صبر کننده است.

در دعای زمان غیبت امام زمان(علیه السلام) می خوانیم: فانه الہادی... الصابرالمجتهد الشکور...^{۹۳}

در حدیث لوح است که: علیه کمال موسی و بھاء عیسی و صبر ایوب...^{۹۴}

مؤید این مطلب آن است که یکی از فقهاء و مراجع بزرگوار نقل می کرد: یکی از اشخاص مورد اعتماد اخیراً در عالم رؤیا خدمت حضرت بقیة الله (عج) رسیده؛ نوشته ای را روی سینه مبارک آن حضرت دیده، که روی آن نوشته شده بود:

آن صابر علی هذا الامر ولكن أندبونی، أندبونی، أندبونی

۱۵۳

بر این امر، صبر می کنم؛ ولكن باسوز و ناله، بلند بلند بر من گریه کنید، بلند بلند بر من گریه کنید، بلند بلند بر من گریه کنید.^{۹۵}

۱۵- حضرت زهرا(س) معصومه و امام زمان(عج) معصوم است.

الف) حضرت زهرا(س) معصوم است.

عصمت حضرت زهرا(علیهاالسلام) از آیه تطهیر و روایات متعدد به خوبی استفاده می شود^{۹۶} و در زیارت آن بزرگوار می خوانیم: السلام عليك ايتها المعصومة المظلومة^{۹۷} و می خوانیم: اللهم صل على محمد و اهل بيته و صل على البطل الطاهرة الصديقة المعصومة...^{۹۸}

ب) حضرت مهدی (عج) معصوم است

و در زیارت جامعه کبیره خطاب به تمامی امامان از جمله حضرت مهدی(عج) عرض

می کنیم: واشهد أنكم الائمة الرّاشدون المهدّيون المعصومون المكرّمون المقربون...^{۹۹} شهادت می دهم که شما پیشوایان رشد یافته، هدایت شدگان، معصومان، بزرگواران و مقربان درگاه خداوند... هستید.

دلیل‌های عصمت امامان شامل عصمت حضرت مهدی(عج) هم می‌شود.

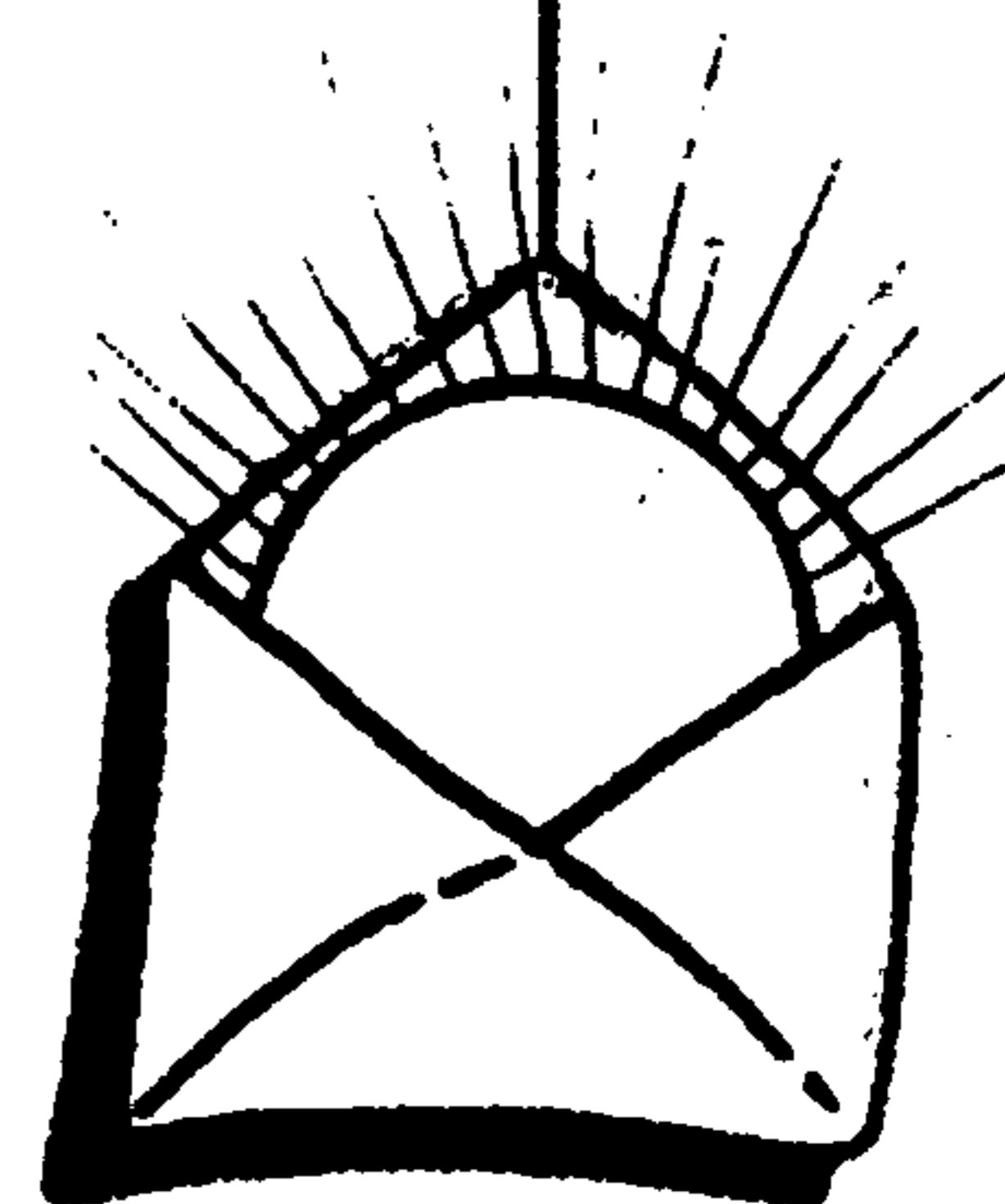
۱۶- حضرت زهرا(س) مظہر آیه نور و حضرت مهدی(عج) نور آل محمد(علیهم السلام) است.

الف) حضرت زهرا مظہر آیه نور است.

برای آیه نور^{۱۰۰} چند تأویل در روایات بیان شد. یکی از آنها حضرت زهرا(علیها السلام) را به عنوان مشکاة (محفظه چراغ، چراغدان) معرفی می‌کند.

قال الصادق(علیه السلام) «الله نور السموات والارض مثل نوره كمشکاة» المشکاة فاطمة(علیها السلام)، «فيها مصباح» المصباح، الحسن والحسين (علیهما السلام) «في زجاجة الزجاجة كانها كوكب دري»، لأن فاطمة(علیها السلام) كوكب دري بين نساء اهل الارض (أهل الدنيا)...^{۱۰۱}

امام صادق(علیه السلام) فرمودند: «مشکاة» در آیه نور فاطمه(علیها السلام) است «در او مصباح است»، «المصباح» یعنی امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) در او وجود دارند، «کانها کوکب دری»، فاطمه همانند ستاره در خشان بین زنان اهل زمین (أهل دنيا) است.



أنظار

۱۵۴

سید بن طاووس می گوید: از مهمات بعد از نماز ظهر، آن است که همانند امام صادق(علیه السلام) برای حضرت مهدی(عج) دعا کنیم.

راوی می گوید: بعد از تمام شدن دعای حضرت صادق(علیه السلام) عرض کردم: الیس قد دعوت نفسک جلت فدای؟ آیا این چنین نیست که برای خودتان دعا کردید؟ حضرت فرمودند: دعوت نور آل محمد(علیهم السلام) و سائقهم و المنتقم با مر الله من اعدائهم...^{۱۰۲}

(خیر) دعا کردم برای نور آل محمد(علیهم السلام) و پیش برنده‌ی آنها و انتقام گیرنده از دشمنانشان به دستور الهی.

شماره هفتم / سوم / قلم ۲۷

۱۷- حضرت زهرا(س) و حضرت مهدی(عج) هر دو فریادرس هستند.

الف: حضرت زهرا فریادرس است.

علامه مجلسی روایت می کند، که اگر حاجتی داشتی و سینه ات به خاطر او تنگ گشته، دو رکعت نماز بخوان؛ بعد از سلام نماز، سه مرتبه تکبیر بگو و تسبيحات حضرت زهراء(عليها السلام) را بخوان؛ سپس به سجده برو و صد مرتبه بگو؛ یا مولاتی یا فاطمه اغیثینی؛ پس گونه راست را بر زمین بگذار و همین را صد مرتبه بگو؛ سپس به سجده برو و همین را صد مرتبه بگو؛ و بعد از آن گونه چپ را بر زمین بگذار و همین را صد مرتبه بگو؛ و سپس به سجده برو و صد و ده مرتبه بگو، و حاجت خود را یاد کن؛ به درستی که خداوند برآورده می کند ان شاء الله تعالى.^{۱۰۳}

توجه: علامه مجلسی(ره) نماز استغاثه به حضرت زهراء(عليها السلام) را به گونه دیگری هم نقل می کند.^{۱۰۴}

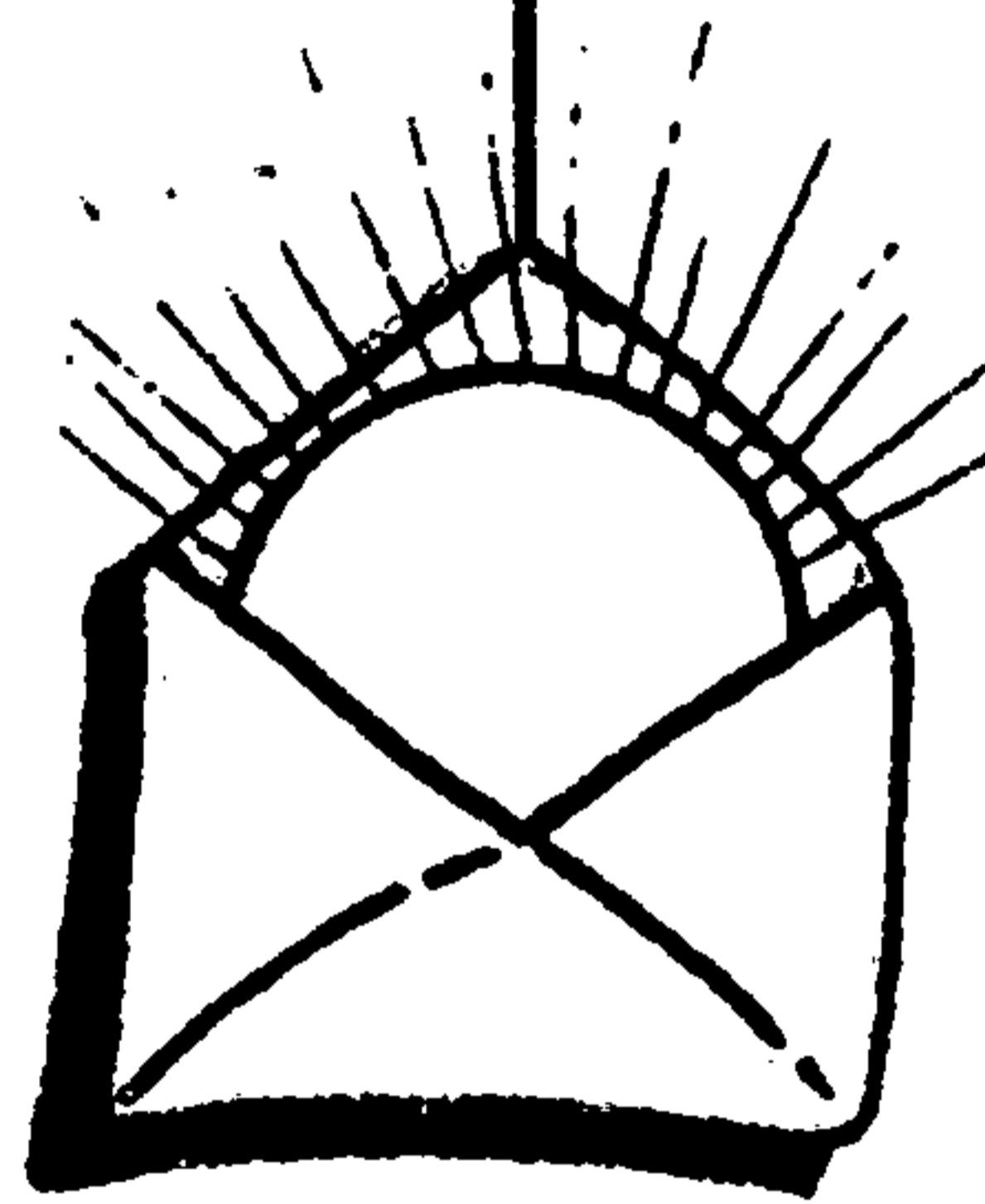
ب) حضرت مهدی(عجل الله تعالى فرجه الشّریف) فریاد رس است.

در زیارت آل یس(عليهم السلام) می خوانیم: السلام عليك أيها العلم المنصوب والعلم المصوب والغوث والرحمة الواسعة.^{۱۰۵}

سلام بر تو ای پرچم افراشته و دانش دیزان و فریادرس و رحمت واسعه حق.

مؤید مطلب اینکه، قطب الدین راوندی از ابوالوفای شیرازی نقل می کند، که در زندان ابن الیاس گرفتار شده بودم؛ تصمیم قتل مرا گرفته بود، که متولّ به امام سجاد(عليه السلام) شدم. خواب بر من غلبه پیدا کرد؛ وجود مبارک پیامبر(صلی الله علیه وآلہ وسلم) را دیدم. دستوری عملی برای توسل به ائمه(عليهم السلام) دادند. فرمودند: متولّ نشو به من و نه به دختر من و نه دو پسرم برای متعاع دنیا؛ بلکه از برای آخرت متولّ شو و اما اخی ابوالحسن(عليه السلام)، فانه ینقم لک ممن ظلمک... و اما علی بن الحسین، فلننجاة من السلاطين و من معرة (فسدة) الشیاطین و اما محمد بن علی و جعفر بن محمد، فللانجاة من الاسفار فی البر و البحر و اما محمد بن علی، فاستنزل به الرزق من الله تعالى و اما علی بن موسی، فللقضاة النوافل و بر الاخوان و اما الحسن بن علی، فللانجاة و اما الحجة، فاذا بلغ منك السيف المذبح (و اومأ بيده الى الحلق) فاستغث به، فانه يغشك و هو غیاث و کهف لمن استغاث به.

برادرم حضرت علی(عليه السلام)، از ظلم کننده به تو انتقام می کشد و امام سجاد(عليه السلام)، برای نجات از سلاطین و از شرور شیاطین و امام باقر و امام



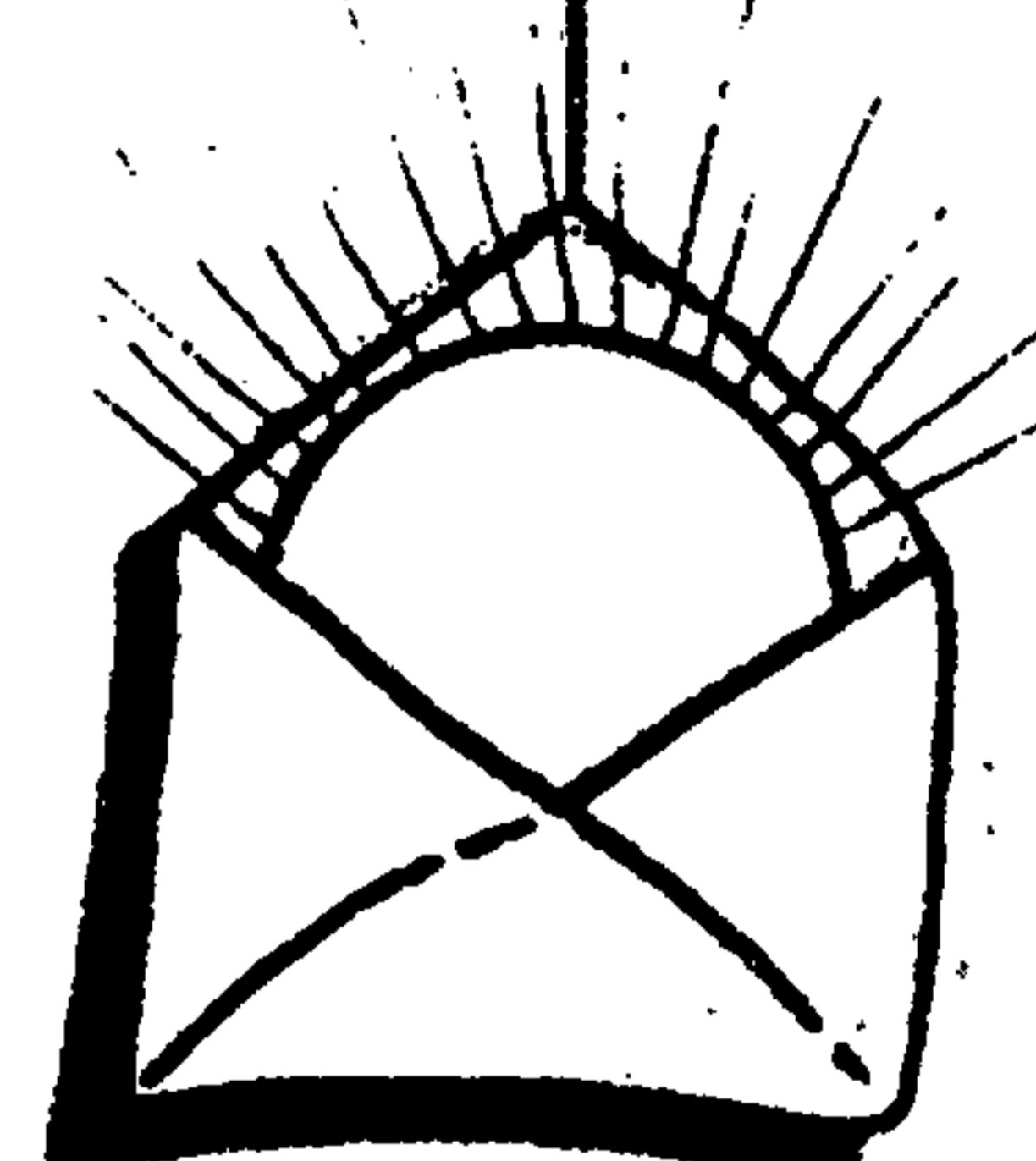
صادق(عليهمما السلام)، برای آخرت و امام کاظم(عليه السلام)، برای طلب عافیت و امام رضا(عليه السلام)، برای نجات در سفرهای زمینی و دریایی و امام جواد(عليه السلام)، برای نزول رزق از خدا و امام هادی(عليه السلام)، برای قضای نوافل و نیکی اخوان و امام عسکری(عليه السلام)، برای آخرت و حضرت مهدی(عج) اگر شمشیر به محل ذبح تو پیامبر(صلی الله علیہ وآلہ وسلم) با دست خود به گلو اشاره فرمود) رسید، پناه ببر به او؛ به درستی که او به فریاد تو می‌رسد؛ چرا که او فریادرس است و پناه است برای کسی که به او استغاثه کند.

فقل: يا مولا! يا صاحب الزمان! أنا مستغيث بك.^{۱۰۶}

پس بگو: اي سرورم! اي صاحب زمان! من به تو پناه آورده‌ام و از تو طلب فریادرسی می‌کنم.

فقلت: يا مولا! يا صاحب الزمان! أنا مستغيث بك؛ فإذا أنا بشخص قد نزل من السماء
تحته فرس و بيده حربة من نور. فقلت: يا مولا! اكفي شر من يؤذيني. فقال: قد كفيتك
فانني سالت الله عزوجل فيك وقد استجاب دعوتي.

پس من گفتم: يا مولا! يا صاحب الزمان! به فریادم برس. ناگهان دیدم شخص اسب سواری از آسمان فرود آمد؛ در حالی که سلاحی از نور در دست داشت. عرض کرد: اي مولا! من! شر کسی که مرا اذیت می‌کند، دفع کن. فرمود: شر او را از توبه طرف کرد؛ کار تورانجام داد؛ من درباره تو از خداخواستم و خداوند دعای مراجعت کرد.



انظر

۱۵۶

فاصبحت؛ فاستدعاني ابن الياس و حل قيدي خلع علىٰ و قال: بمن استغثت؟ فقلت:

استغثت بمن هو غياث المستغيثين.^{۱۰۷}

صبح که طلوع کرد، ابن الياس مرا خواست و خودش زنجیر را باز کرد و مرا آزاد کرد و سؤال کرد: به چه کسی پناه بردمی و از چه کسی کمک گرفتم؟ گفتم: به کسی که فریادرس طالبان فریادرسی هستند.

در دعای فرج می‌گوییم: اللهم عظم البلاء و برح الخفاء... يا مولا! يا صاحب الزمان

الغوث الغوث الغوث.^{۱۰۸}

ای مولا و آقا! من! اي صاحب زمان! به فریادرس، به فریادرس، به فریادرس.

و در عریضه به خدمت حضرت بقیة الله(عليه السلام) می‌نویسیم: کنت یا مولا! صلوات

الله علیک مستغیثا... فاغتنی یا مولا! صلوات الله علیک.^{۱۰۹}

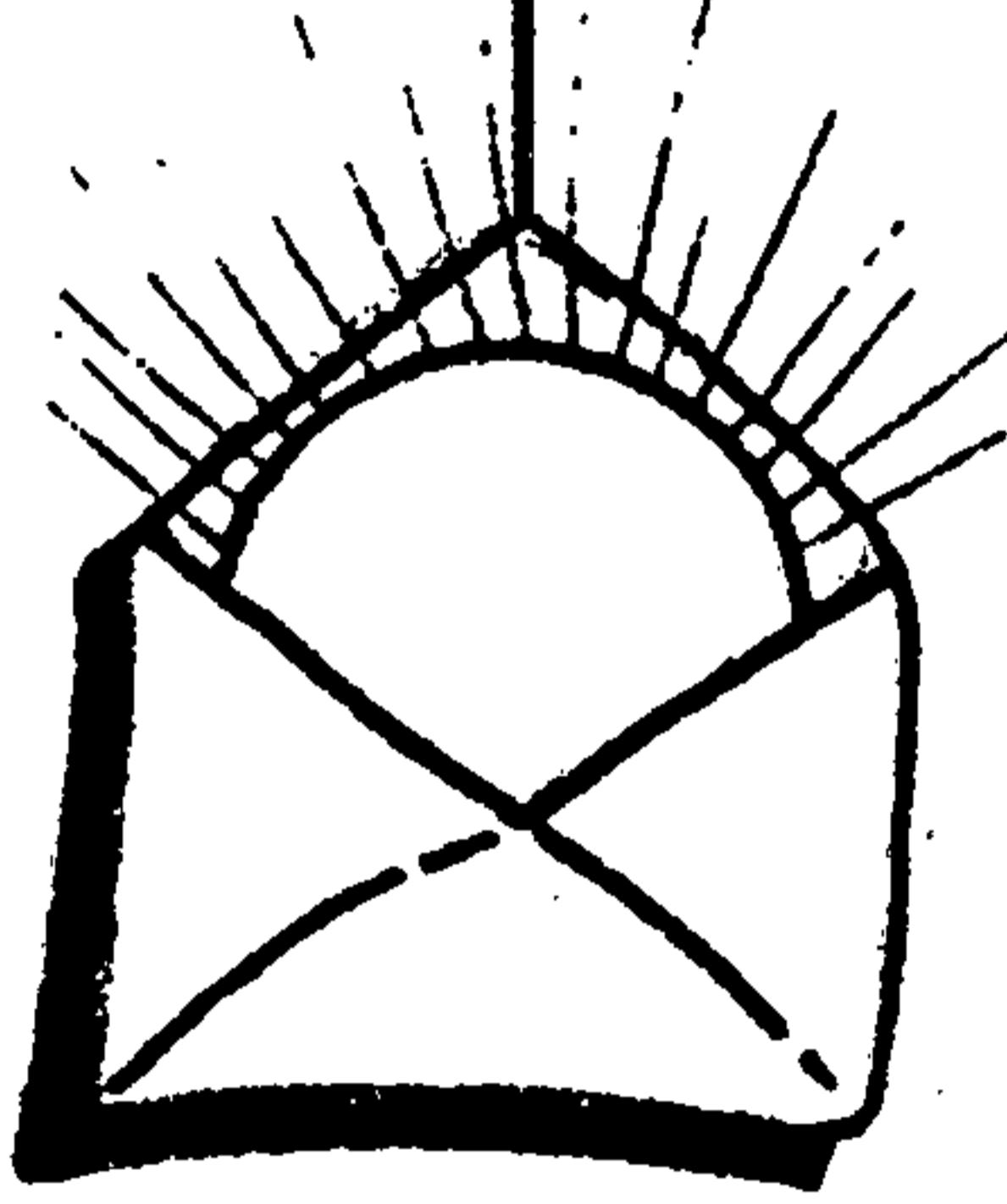
توجه: پیامبر(صلی الله علیہ وآلہ وسلم) فرمود: و هو غياث و كهف لمن استغاث به او

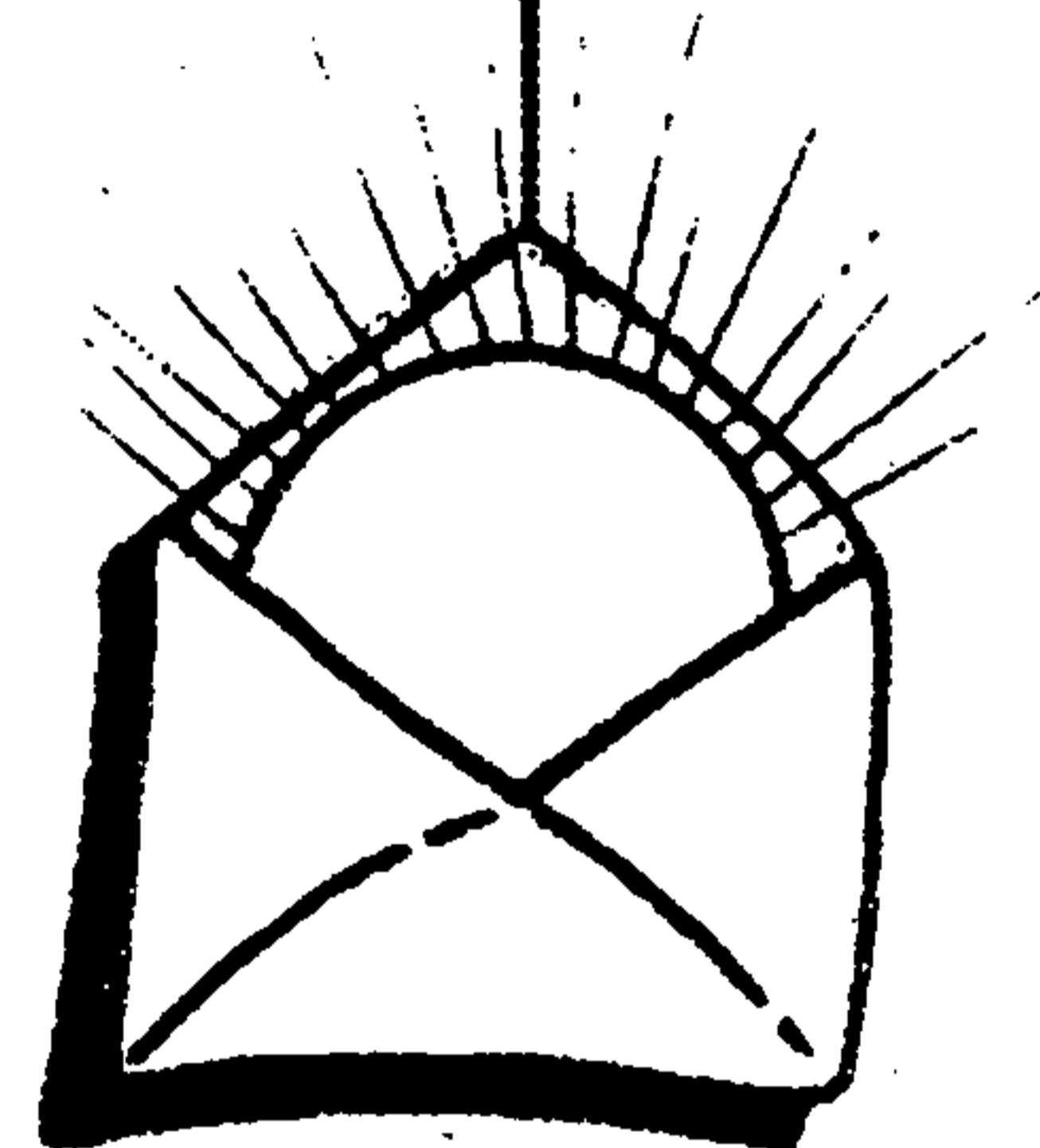
فریادرس و پناه هر کسی است که به او پناه ببرد و فریادرسی بخواهد. نفرمود فقط غیاث شیعیان و محبین است؛ بلکه غیاث هر کس است. چه بسیار کسانی که شیعه نبودند، اما وقتی به حضرتش استغاثه کردند، حضرت به فریاد آنها رسید. در این مورد قضایای بسیاری نقل شده که یکی از آنها را ذکر می‌کنیم:

عالیم فاضل ربانی میرزا حسین نوری نقل می‌کند که دانشمند بزرگوار شیخ علی رشتی، از شاگردان استاد اعظم میرزا شیرازی می‌گوید: در یکی از سفرها، که از زیارت امام حسین (علیه السلام) به سوی نجف اشرف از راه فرات باز می‌گشتم، در کشتی کوچکی که بین کربلا و طویرج بود، سوار شدم. مسافران که اهل حله بودند به بازیگری و مزاح مشغول شدند؛ جز یک نفر که هر چند با آنها هم غذا و همسفر بود و بر مذهب او خردش می‌گرفتند و او را سرزنش می‌کردند، با کمال متانت نشسته بود و هیچ شوخی نمی‌کرد. از این وضع در تعجب بودم؛ تا اینکه به جایی رسیدیم که آب کم بود و به ناچار پیاده شدیم. در کنار نهر که می‌رفتیم، از او پرسیدم: چرا از آنها کناره گیری می‌کنی و آنها بر مذهب تو خردش می‌گیرند؟ گفت: اینها از عامه و خویشاوند من هستند؛ پدرم نیز از ایشان است؛ ولی مادرم از اهل ایمان است. من نیز مذهب آنها را داشتم ولی به برکت حضرت مهدی (عج) شیعه شدم.

از چگونگی شیعه شدن او سؤال کردم؟ جواب داد: اسم من یاقوت و شغل من روغن فروشی است. در یکی از سالها برای خریدن روغن از شهر حله بیرون رفتم، تا از صحرانشینان روغن بخرم. تا آن مقدار که می‌خواستم خریدم و به اتفاق عده‌ای از اهالی حله بازگشتم و در یکی از منزلگاهها فرود آمدیم و خوابیدم. وقتی بیدار شدم، دیدم همه رفته‌اند و من در صحرای بی‌آب و علفی که درندگان زیادی هم داشت، تنها مانده‌ام. به راه افتادم؛ ولی راه را گم کردم و متیر ماندم؛ از طرف دیگر از تشنگی و درندگان ترسان شدم. در آن حال به خلفاً و مشایخ استغاثه کردم و از آنها کمک و شفاعت خواستم، تا خداوند برایم فرج کند؛ ولی نتیجه‌ای نداد.

با خود گفتم: از مادرم شنیده‌ام که می‌گفت: ما امام زنده‌ای داریم که کنیه اش ابا صالح است؛ **یرشد الضال و یغیث الملھوف و یعین الضعیف**. به فریاد گم شدگان می‌رسد و در ماندگان و ضعیفان را کمک و یاری می‌کند. با خداوند پیمان بستم، که به او استغاثه می‌کنم؛ اگر نجاتم داد، به مذهب مادرم در می‌آیم. پس اورا صدا کردم و به او پناه بردم. ناگهان در کنار خود کسی را دیدم که عمامه سبزی بر سرداشت و همراه من راه می‌رفت. به من دستور داد که به مذهب مادرم در آیم و کلماتی فرمود؛ و به من فرمود به زودی به آبادی می‌رسی که آنجا همه شیعه هستند. گفتم:





انتظار

۱۵۸

نحوه / شماره هفتم / سیمین

ای آقای من! شما با من به آن آبادی نمی‌آید؟ فرمودند: نه، لانه استغاث بی الف نفس فی اطراف البلا دارید ان اُغیشهم. چون هزار نفر در اطراف بلاد به من پناهنده شده اند؛ می‌خواهم آنان را خلاص کنم. یکباره از نظرم غایب شد. کمی راه رفتم و به آبادی رسیدم؛ در صورتی که مسافت زیادی تا آنجا بود، که همسفرهایم روز بعد به آنجا رسیدند. از آنجا به حلہ برگشتم و به نزد سیدالفقها سید مهدی قزوینی رفتم و جریان را به او گفتم. او احکام و مسائل دینی را به من آموخت. از او سؤال کردم: چه عملی انجام دهم که بار دیگر خدمت آن حضرت برسم؟

گفت: چهل شب جمعه به زیارت امام حسین(علیه السلام) برو. من هم شبهای جمعه به زیارت قبر آن حضرت می‌رفتم. در شب جمعه سی و نهم، وقتی به دروازه شهر کربلا رسیدم، مأمورین ظالم از مردم گذرنامه می‌خواستند و خیلی سخت می‌گرفتند. من هم که نه گذرنامه داشتم و نه قیمت آن را، چندبار خواستم به طور قاچاق از میان جمعیت وارد شوم؛ ولی نشد. در همین اثنا حضرت صاحب الامر(عج) را دیدم که داخل شهر است. به او استغاثه کردم و کمک خواستم. بیرون آمد و مرا همراه خود از دروازه داخل شهر کرد و کسی مراندید. وقتی وارد شهر شدیم، یکباره او را دیگر ندیدم و با حسرت و تأسف بر فراقش ماندم.^{۱۱۰}

۱۸- حضرت زهرا(س) منتظر و حضرت مهدی(عج) هم منتظر و هم منتظر است

الف) حضرت زهرا منتظر است:

در اواخر خطبه فدکیه^{۱۱۱} حضرت زهرا(علیه السلام) می‌فرماید: «وانتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظَرُونَ». در تفاسیر روایی، این آیه به ظهور حضرت مهدی(عجل الله تعالى فرجه الشّریف)، تأویل شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود.^{۱۱۲}

- علی بن رئاب عن ابی عبد الله(علیه السلام) انه قال فی قول الله عزوجل: «يَوْمٌ يَأْتِي
بعض آیات ربک لا ينفع نفسا ایمانها لم تكن آمنت من قبل (او كسبت فی ایمانها خيراً قد
انتظر و ایاناً منتظرون)»^{۱۱۳} قال: الایات الائمه والاية المنتظرة، القائم(علیه السلام).^{۱۱۴}
امام صادق(علیه السلام) پیرامون این آیه «روزی که بعضی از آیات پروردگار تحقق
می‌پذیرد، ایمان آوردن افرادی که قبل ایمان نیاورده اند یا در ایمانشان عمل نیکی انجام نداده اند،
سودی به حالشان نخواهد داشت. بگو: انتظار بکشید، ما هم انتظار می‌کشیم.» فرمودند: آیات،
ائمه(علیهم السلام) هستند و آیه‌ای که انتظار او کشیده می‌شود، حضرت قائم(علیه السلام) است.

- ابی بصیر می‌گوید: امام صادق(علیه السلام) در تفسیر همین آیه فرمودند: یعنی خروج القائم المنتظر منا...^{۱۱۵}

انتظار قیام حضرت قائم، که او منتظر از ما اهل بیت هست.

پس شما و ما منتظر منتظر (حضرت مهدی، علیه السلام) هستیم.

- محمد بن فضیل می‌گوید: از امام رضا(علیه السلام) سؤال کردم از انتظار فرج فقال:

او لیس تعلم ان انتظار الفرج من الفرج؛ ثم قال: ان الله تبارک و تعالى يقول: «وارتقوا انی

معکم رقیب».^{۱۷}

حضرت فرمود: آیا نمی‌دانی انتظار فرج از فرج است (جزء فرج است)؟ سپس فرمود:

خداوند می‌فرماید: «انتظار بکشید؛ من هم با شما منتظر هستم».

- تا آنجا آیه «فانتظروا انی معکم من المنتظرین» مربوط به حضرت مهدی(علیه السلام)

است که امام صادق(علیه السلام) برای اثبات اینکه آیه سوم سوره بقره در مورد حضرت مهدی

(علیه السلام) است، به این آیه تمسمک می‌کنند.

یحیی بن قاسم می‌گوید: از امام صادق(علیه السلام) در مورد آیه «اللَّهُ ذُكْرُ الْكِتَابِ لَا يَرِيبُ

فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»^{۱۸} سؤال کردم فقال: المتقون، شیعه علیٰ والغیب هو الحجة

القائم و شاهد ذلک قول الله عزوجل «وَيَقُولُونَ لَوْلَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَ آيَةً مِّنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانتظروا

انی معکم من المنتظرین».^{۱۹ و ۲۰}

حضرت فرمودند: مراد از متقین در آیه، شیعه حضرت علی(علیه السلام) هستند و غیب

حضرت قائم(عجل الله تعالى فرجه الشریف) است؛ شاهد بر این مدعای گفتار خداوند است که

می‌فرماید: «می‌گویند: چرا معجزه‌ای از پروردگارش بر او نازل نمی‌شود! پس بگو: غیب تنها

برای خدا (وبه فرمان او) است؛ شما در انتظار باشید؛ من هم با شما در انتظارم.

پس حضرت زهرا(علیها السلام) با تمسمک به این آیه، منتظر ظهور حضرت مهدی(عج) می

باشد.

ای امید آخرین فاطمه

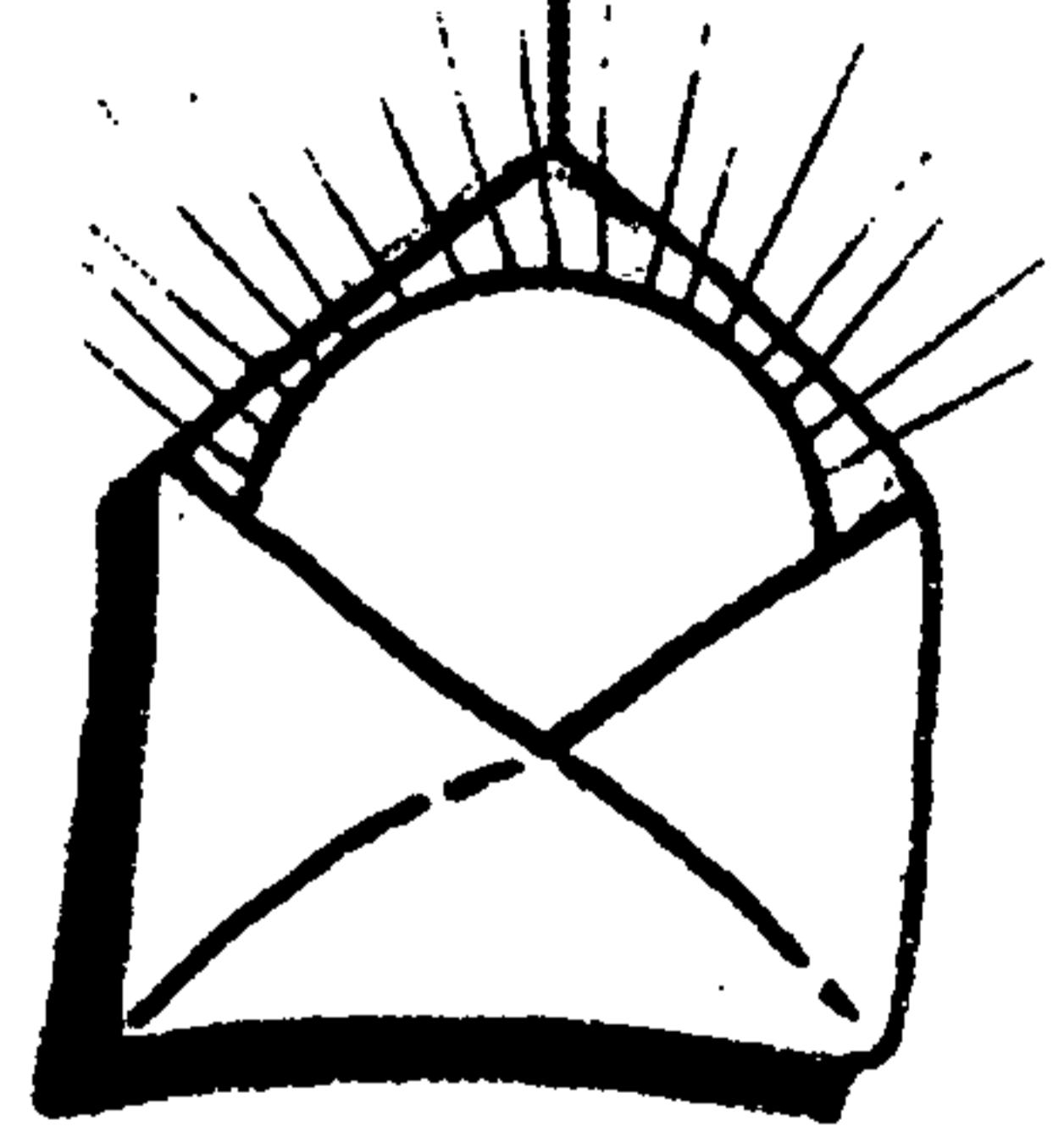
ای نگار دلنشیں فاطمه

کی بگیری انتقام فاطمه

پر کنی عالم زنام فاطمه

فاطمه آن علت کل وجود

منتظر باشد به آن روی کبود



انظار

۱۶۰

شیوه / شماره هفتم / سوم شیوه

کی ز رویش رنگ نیلی می بروی
کی ز دلها داغ سیلی می بروی
آوری کی بهر آن مادر دوا
کی دهی بشکسته پهلو را شفا
مادرت غمیده و دل بیقرار
می کشد بهر ظهورت انتظار
قد کمان چوید تو را آن مام پاک
گرچه جسم اطهرش غلتد بخاک
عالم هستی فدای خال تو
فاطمه در کوچه هادبنا تو^{۱۲۱}

ب) حضرت مهدی (عج) هم متظر است و هم منتظر.

در ضمن بحث قبل، این معناروشن شد. اما روایاتی هم داریم که آن حضرت را به این لقب معرفی کرده‌اند.

امام جواد(علیه السلام) می فرماید: ان الامام بعدی ابی علی... والامام بعده ابیه الحسن... ثم سکت. فقلت له: يابن رسول الله! فمن الامام بعد الحسن؟

امام بعد از من، فرزندم علی (امام هادی «علیه السلام») است و امام بعد از او، پسرش حسن (علیه السلام) است؛ پس امام ساكت شد. عرض کرد: امام بعد از امام حسن عسکری (علیه السلام) کیست؟

فبکی (علیه السلام) بکاءً شدیداً ثم قال إنّ من بعد الحسن ابْنِ القائم بالحق المنتظر. امام به شدت گریست و فرمود: بعد از حسن، فرزند او قائم به حق که منتظر است، می باشد.

فقلت له: يابن رسول الله: لم سُمِّيَ القائم؟ قال: لأنَّه يَقُولُ بَعْدَ مَوْتِ ذَكْرِهِ وَارْتِدَادِ أَكْثَرِ القائِلِينَ بِأَمْامِهِ.

عرض کردم: چرا به او قائم گویند؟ فرمود: زیرا او بعد از آنکه یادش از بین می رود و بیشتر قائلین به امامتش از اعتقاد خود باز می گردند، قیام می کند.

فقلت له: ولم سُمِّيَ المنتظر؟ قال: لأنَّه غيَّبة يَكْثُرُ إِيمَانُهَا وَيَطْوُلُ أَمْدَهَا، فَيَنْتَظِرُ خروجه

عرض کردم: چرا به او منتظر گویند؟ فرمود: زیرا برای او غیبت طولانی است؛ پس مؤمنین مخلص انتظار ظهورش را می‌کشند.

البته کلمه «منتظر» را در این روایت، می‌شود بروزن اسم فاعل (با کسره) هم خواند؛ اما به قرینه ذیل روایت (فینتظر...) حتماً باید بروزن اسم مفعول (با فتحه) خواند.

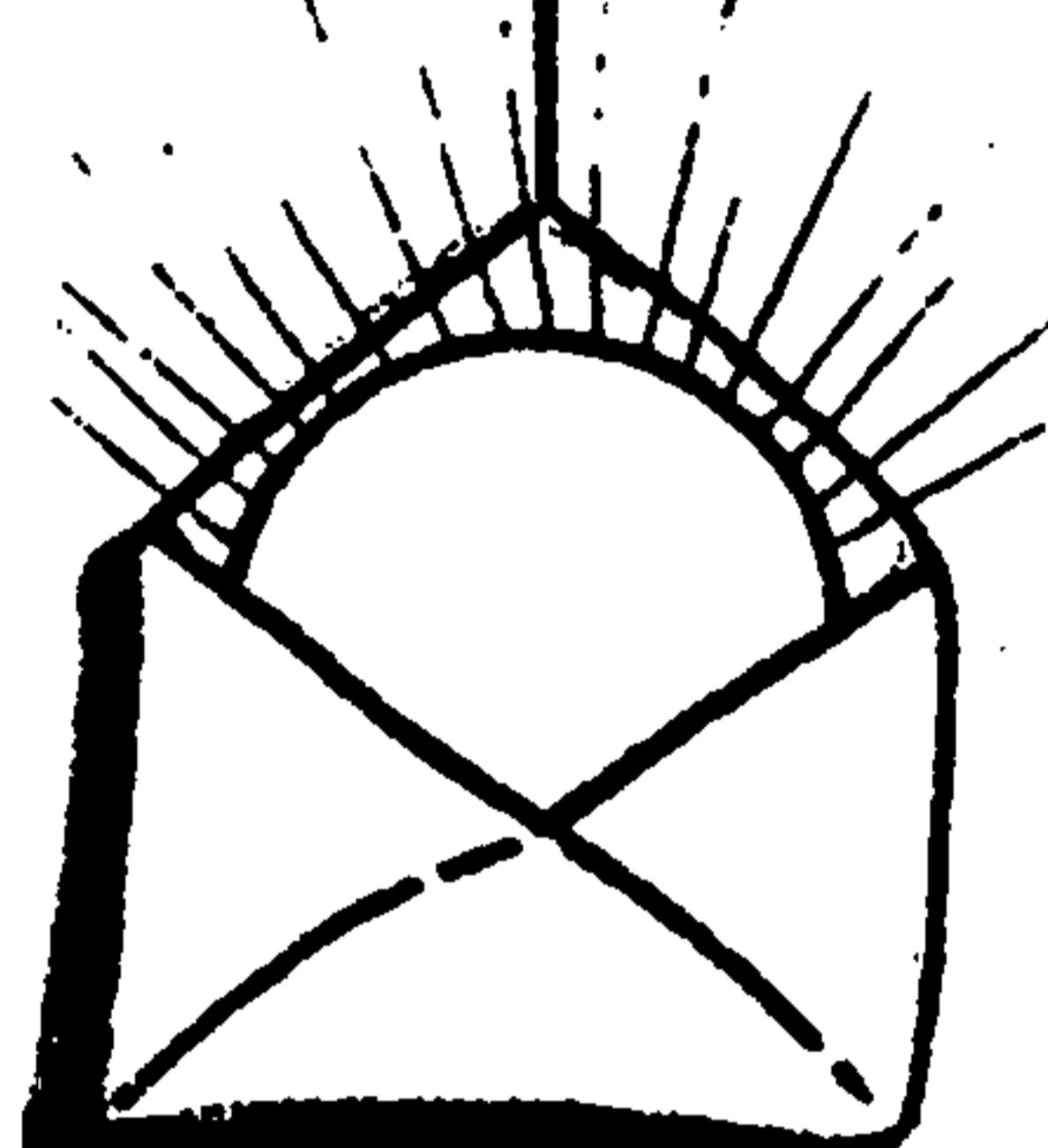
حضرت مهدی(عج) منتظر است:

ابی بصیر می‌گوید: از امام باقر(علیه السلام) شنیدم که می‌فرماید: فی صاحب هذا الامر الرابع سنن من اربعة انبیاء: سنة من موسی و... و اما من موسی فخائف يتربّق.^{۱۲۳}

فرمود: در صاحب این امر چهار روش از چهار پیامبر وجود دارد: روشی از موسی(علیه السلام) و... و روش او از موسی این است که ترسان منتظر است.

در دعا زمان غیبت می‌خوانیم و امرک ینتظر، منتظر دستور تو است.^{۱۲۴}

ادامه دارد



انتظار

۱۶۱

تعالیٰ سوم / شماره هفتم / غیره

۵. من هو المهدی(علیه السلام)، ص ۹۰، به نقل ازده منبع عامه.

۶. در انتظار ققنوس، ص ۱۰۳، به نقل از عامه و خاصه.

۷. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۲، ح ۲۲۴، به نقل از کفاية الاثر، ص ۲۶.

۸. ر.ک: به کمال الدین، ج ۱، باب ۲۷ و ۲۸؛ بحار الانوار ج ۳۶، ص ۱۹۳ و ۱۹۵ و ۲۰۲.

۹. من هو المهدی(علیه السلام)، ص ۲۴.

۱۰. ر.ک: به منتخب الاثر، ص ۸۴، ح ۲ و بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۸۸ ح ۱۱۰، روایتی از کفاية الاثر از ابوذر نقل می‌کند،

پی‌نوشت‌ها:

۱. برای اطلاع بیشتر، به کتابهای کمال الدین، منتخب

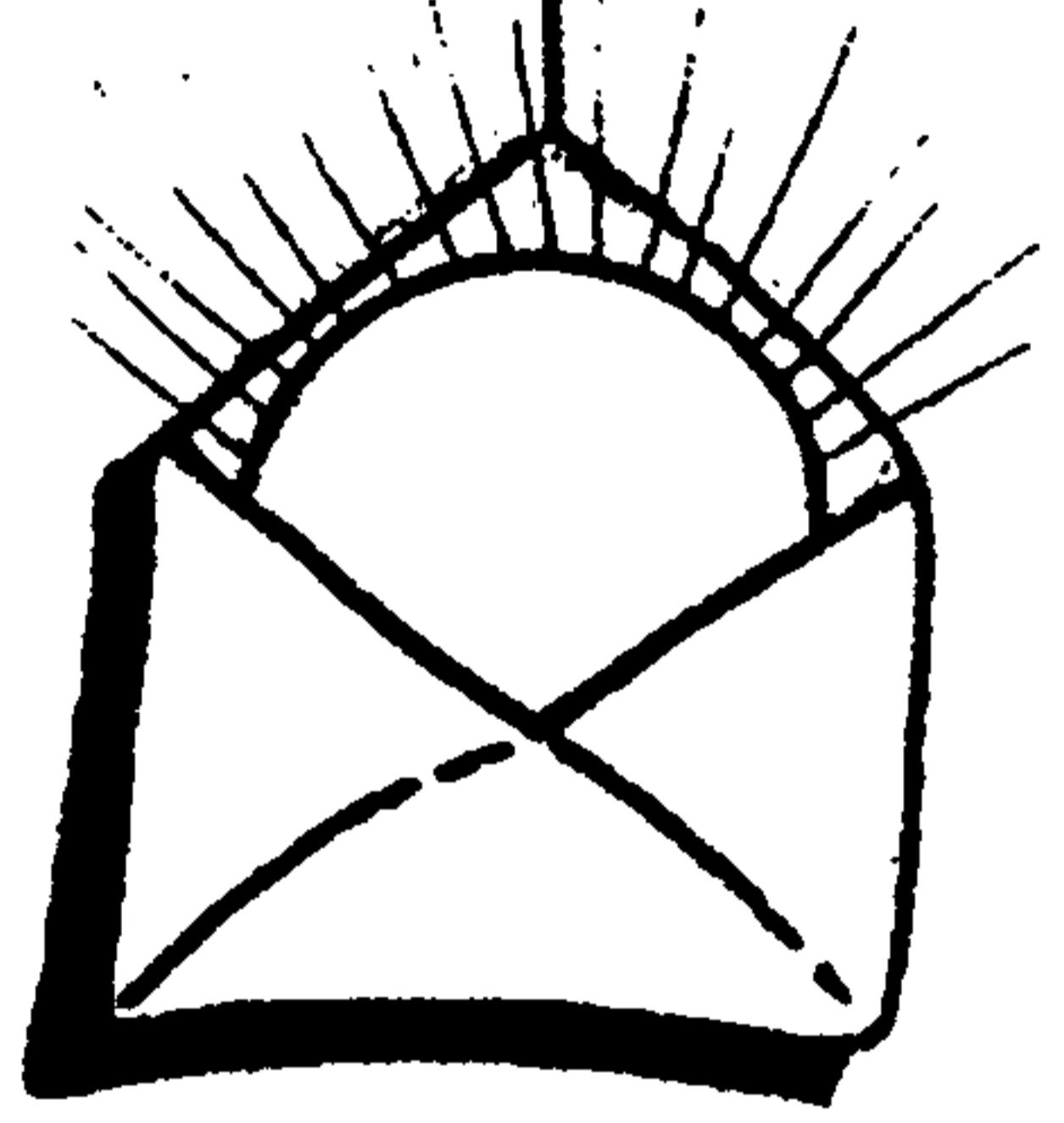
الاثر، من هو المهدی(علیه السلام) و در انتظار ققنوس،

مراجعه شود.

۲. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۷۲؛ به نقل از البيان، ص ۶۳ و از عيون الاخبار، ج ۲، ص ۱۳۰ و چند منبع دیگر.

۳. روزگار رهایی ج ۱، ص ۷۷؛ به نقل از بیش ازده منبع.

۴. من هو المهدی(علیه السلام)، ص ۹۰، به نقل از سنن ابن ماجه، ج ۴، ص ۱۵۱ و بیش از بیست منبع دیگر عامه.

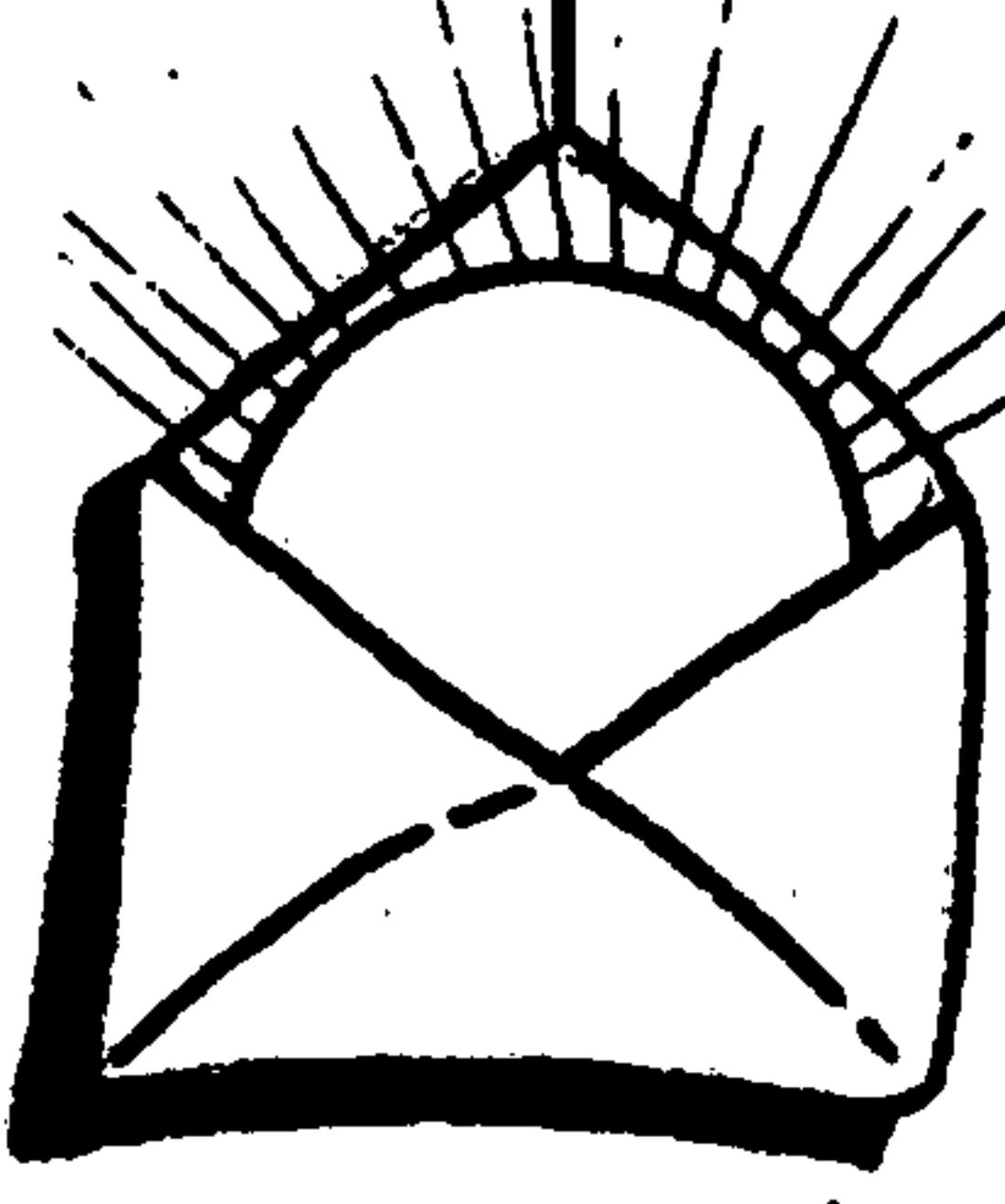


أَنْظَار

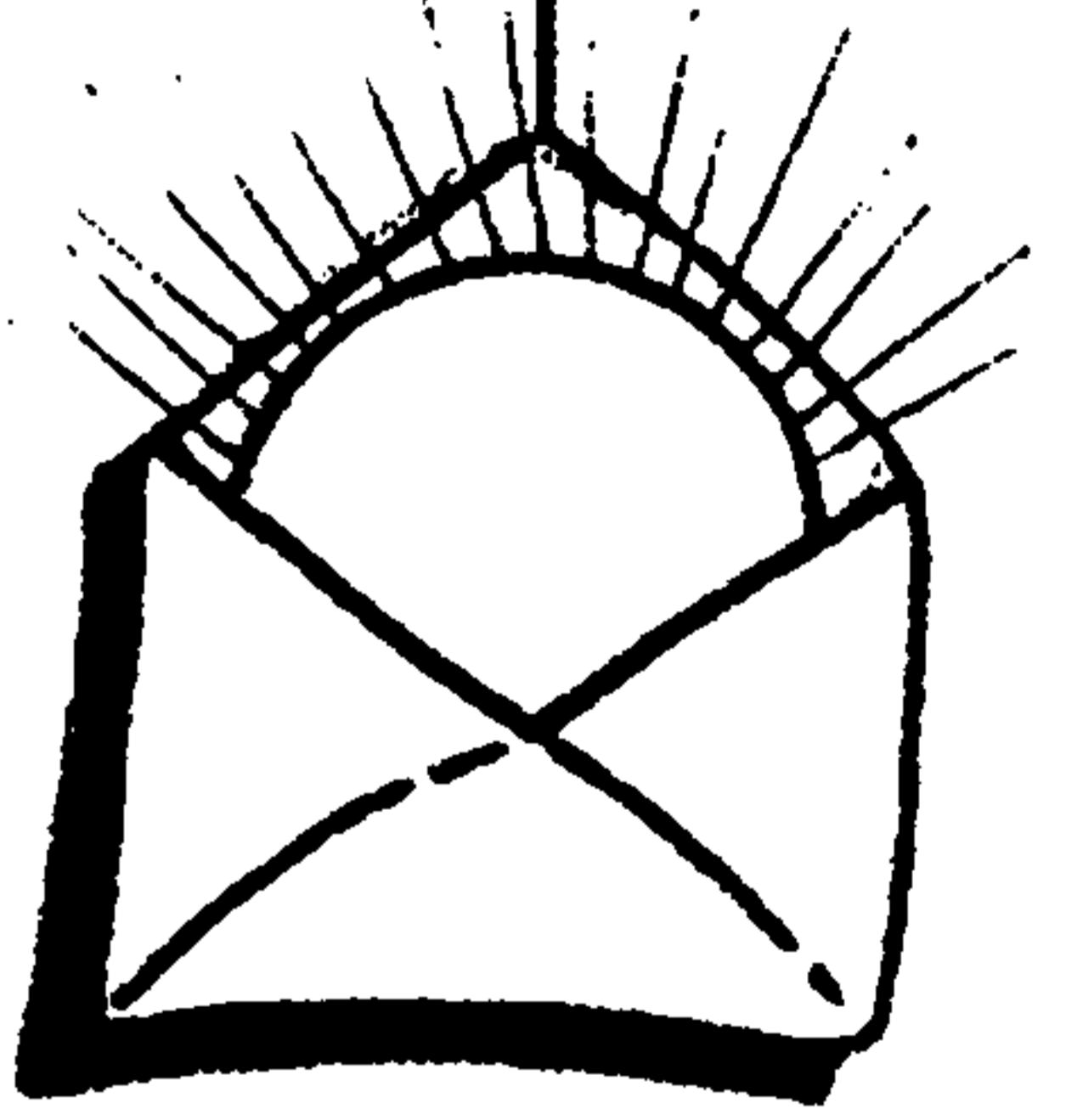
١٦٣

شِلْ مُبْعَد / شِلْ هَفَّة / شِلْ

- موسسه نشر ص ٥٨١ در پاورقی.
٢٤. دلیل آفتاب، ص ١٨.
٢٥. فاطمه، بهجه قلب المصطفی، ص ١٥٣ بر.ک: به شرح فصل حکمة عصمتیة فی کلمة فاطمیتیة، آیة الله حسن زاده آملی.
٢٦. دخان، ١-٤.
٢٧. الكافی، کتاب الحجۃ، باب مولد ابی الحسن موسی بن جعفر(علیه السلام)، ح ٤.
٢٨. برای توضیح بیشتر به کتاب سوگند به نور شب تاب، صفحه ٢٢ مراجعه شود که مطالب زیبایی آورده.
٢٩. فاطمه، بهجه قلب المصطفی، ص ٣٦٥ به نقل از بحارالانوار، ج ٨، ص ١٠٩ الى ١١٢.
٣٠. نجم الثاقب، ص ٢٩ و ٤٢.
٣١. بحارالانوار، ج ١٠٢، ص ٢٤٦. مفاتیح الجنان، (استغاثه به حضرت حجۃ) «علیه السلام».
٣٢. هود، ٨٦.
٣٣. روزگار رهایی، ج ١، ص ١١٠ به نقل از بحارالانوار، ج ٥٢ ص ٣٧٣ و ح ١٦٥، به نقل از منتخب الاثر، ص ٥١٧.
٣٤. روزگار رهایی، ج ١، ص ١٦٠ به نقل از نه منبع.
٣٥. روزگار رهایی، ج ١، ص ٤٨٥ به نقل از دوازده منبع. نجم الثاقب، ص ٤٠.
٣٦. روزگار رهایی، ج ٢، ص ٦٦٣ به نقل از الزام الناصب، ص ٥٧.
٣٧. فاطمه، من المهد الى اللحد، ص ١١٦، به نقل از بحارالانوار.
٣٨. یس، ٥٢.
٣٩. فروع کافی، ط دارالاضواء، ج ٨، ص ٢٠٧، ح ٣٤٦.
٤٠. مرآة العقول، ط دارالكتب، ج ٢٦، ص ٢١٧.
٤١. فاطمه، من المهد الى اللحد، ص ١٢١ به نقل از ذخائر العقی (طبری) و به نقل از نزهه المجالس (صفوری)، ص ٢٢٧.
٤٢. احزاب، ٣٧.
٤٣. ر.ک: به فاطمه، من المهد الى اللحد و فاطمه بهجه قلب المصطفی (صلی الله علیه وآلہ وسلم) تحت عنوان طاهره.
٤٤. روزگار رهایی، ج ١، ص ٧٦ به نقل از بحارالانوار، ج ٥٢ ص ٣١٠ و به نقل از اعلام الوری، ص ٣٨١ و چند منبع دیگر.
٤٥. روزگار رهایی، ج ٢، ص ٧٠٦ به نقل از بحارالانوار، ج ٥٢ ص ٢١٢ و بشارة الاسلام، ص ٢٣.
- وبحارالانوار، ج ٢٨، ص ٥٢، ح ٢١ و عوالم العلوم، ج ١١، ص ٣٧٩، از سلمان فارسی، وبحارالانوار، ج ٤٠، ص ٦٦، ح ١٠٠ از سلمان فارسی (روایت زیبایی است)، بحارالانوار، ج ٣٦، ص ٣٠٧، ح ١٤٦، از جابرین عبدالله انصاری، وبحارالانوار، ج ٣٦، ص ٣٢٨، ح ١٨٤، از عمار، و کشف الغمہ، ج ٣، ص ٢٨٣، الباب التاسع.
١١. کشف الغمہ، ج ٣، ص ٢٦٧، به نقل از اربعون حافظ ابونعیم احمد بن عبدالله و بحارالانوار، ج ٥١، ص ٧٩، به نقل از کشف الغمہ.
١٢. برای تحقیق بیشتر به کتاب کامل الزیارات، باب ١٦، و بحارالانوار، ج ٤٣ و ح ٤٤، ص ٢٣١ مراجعه شود.
١٣. منتخب کامل الزیارات، ص ٣٩ و کامل الزیارات، باب ١٦، ح ٨، بحارالانوار، ج ٤٤، ص ٢٣٤.
١٤. منتخب کامل الزیارات، ص ٣٦ و کامل الزیارات، باب ١٦ ح ٦ و بحارالانوار ج ٤٤، ص ٢٣٢ و بحارالانوار ج ٤٣، ص ٢٤٥، ح ٢٠.
١٥. الغیة الطوسي، ص ١٧٣، در ضمن بعضی توفیقات و بحارالانوار، ج ٥٣، ص ١٨٠ و احتجاج، چاپ اسوة، ج ٢، ص ٥٣٧، والمختار من کلمات الامام المهدی (عج) ج ٢، ص ٢٢٩.
١٦. با توجه به آن نکاتی که در روایت هست: ١- تقدیم ما حقه التاخر یفید الحصر، ٢- حضرت نمی فرماید مادرم بلکه می فرماید : فی ابنة رسول الله، صلی الله علیه وآلہ، دراین اضافه نکاتی هست، تأمل شود.
١٧. اشاره به آیه ٤ سوره ممتحنه.
١٨. فاطمه، بهجه قلب المصطفی (ص)، به نقل از الغدیر و او به نقل از چند منبع عامه.
١٩. همان، ص ١٨٥، به نقل از الغدیر و او به نقل از چند منبع عامه.
٢٠. همان، ص ٢١٤، به نقل از مناقب (برای تحقیق بیشتر به کتاب فاطمه بهجه قلب المصطفی (ص) رجوع شود).
٢١. بحارالانوار، ج ٤٣، ص ٦٣، ح ٥٨.
٢٢. تفسیر فرات، چاپ، داوودی ص ٢١٨ و چاپ، موسسه نشر، ص ٥٨١.
٢٣. تفسیر البرهان، ج ٤، ص ٤٨٧، ح ٢٤. تفسیر فرات چاپ،



٤٦. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۳۲، به نقل از الزام الناصب، ص ۹.
٤٧. حلیة البار، ج ۲، ص ۶۰۰.
٤٨. قصص، ۷، واوحننا الى ام موسى ان ارضعيه.
٤٩. کمال الدین، چاپ جامعه مدرسین، ج ۲، ص ۵۱۳ و مفاتیح، دعا در غیبت امام زمان (علیه السلام).
٥٠. لسان العرب، ماده برک.
٥١. تفسیر کبیر، ج ۳۲، ص ۱۲۴.
٥٢. المیزان، ج ۲۰، ذیل سوره کوثر.
٥٣. برای توضیح بیشتر، به کتب تفسیری، و کتاب فاطمة، من المهد الى اللحد، و فاطمة، بهجهة قلب المصطفی (صلی الله علیه وآلہ وسلم) کلمه زهرا.
٥٤. جنة العاصمه، ص ۶۰، به نقل از بحار الانوار و فاطمة، بهجهة قلب المصطفی (صلی الله علیه وآلہ وسلم) رجوع شود.
٥٥. در شباهت سوم، گذشت.
٥٦. روزگار رهایی، ج ۲، ص ۹۵۰، به نقل از الملاخ والفتنه، ص ۱۰۸.
٥٧. فاطمة (علیها السلام)، من المهد الى اللحد، ص ۱۰۵.
٥٨. جنة العاصمه، ص ۵۷.
٥٩. روزگار رهایی، ج ۲، ص ۱۰۸۸، به نقل از غیبت طوسی، ص ۲۶۹ و منابع دیگر.
٦٠. جمال الاسبوع، ط آفاق، ص ۳۰.
٦١. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت زهرا (علیها السلام)، و اقبال سید بن طاووس، عمل روز بیستم جمادی الآخرة.
٦٢. همان.
٦٣. فاطمه، من المهد الى اللحد، ص ۱۱۳، به نقل از بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷۹ و ۸۰ و ۱۹۵.
٦٤. به تعبیر استاد، این روایت از روایات صحیحه ائمی است که حضرت امام (ره) به آن استناد می کردند و این هبوط جبرئیل را بر حضرت زهرا (علیها السلام) از بزرگترین فضایل می شمارد ر.ک: به کتاب چشمہ در بستر، چاپ حضور، پاییز ۱۳۷۵، ص ۲۸۶.
٦٥. فاطمة، من المهد الى اللحد، ص ۱۱۱، به نقل از علل الشرایع.
٦٦. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۷۴ به نقل از اصول کافی، ج ۱، ص ۵۳۴ و چهار منبع دیگر.
٦٧. همان، ص ۸۸ به نقل از کشف الغمة ج ۳، ص ۲۹۷.
٦٨. اصول کافی، باب ماجأفی الاثنى عشر والنص عليهم، ح ۱۱.
٦٩. سوره قدر.
٧٠. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.
٧١. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۴۷۸، به نقل از کشف الغمة، ج ۳، ص ۳۲۴، وده منبع دیگر. کمال الدین، باب ۳۲، ح ۱۶.
٧٢. فاطمة بهجهة قلب المصطفی، ص ۱۹۸، به نقل از بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۹۱.
٧٣. همان، به نقل از وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۷۱۴.
٧٤. همان، به نقل از الریاض المنظر، ج ۲، ص ۲۰۲.



انظر

۱۶۴
۳
۳
۲۷
۲۷
۲۷

۹۰. همان، ص ۳۵۶-۸ به نقل از بحارالانوار، ج ۴۳، خطبه فدکیه، و به نقل از احتجاج، خطبه فدکیه.
۹۱. روزگار رهایی، ج ۰۹، ۲، به نقل از الزام الناصب، ص ۲۱۱، و سه منبع دیگر.
۹۲. جمال الاسبوع، ط آفاق، ص ۳۸-۹. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت زهرا(علیها السلام).
۹۳. کمال الدین، ط جامعه مدرسین، ج ۲، ص ۵۱۳ مفاتیح الجنان، دعای غیبت امام زمان(علیه السلام).
۹۴. کمال الدین، ب ۲۸، ذیل، ح ۱.
۹۵. مطلع الفجر، ص ۱۸۲، به نقل از راهی به سوی نور، ص ۱۸۰.
۹۶. ر.ک: به کتاب فاطمه، بهجه قلب المصطفی (صلی الله علیه وآلہ وسلم)، ص ۲۵۹.
۹۷. اقبال سید بن طاووس عمل روز بیستم جمادی الآخرة.
۹۸. همان ، مفاتیح الجنان ، زیارت دوم حضرت زهرا (علیها السلام).
۹۹. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.
۱۰۰. سوره نور، ۳۵.
۱۰۱. تفسیر قمی ج ۲، ص ۷۸، ذیل آیه .تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۶۰۲، ح ۱۶۹ به نقل از اصول کافی.
۱۰۲. فلاخ السائل، ط دفتر تبلیغات، ص ۱۷۱ و ط دفتر تبلیغات با تحقیق، ص ۳۰۸.
۱۰۳. بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۵۴، ح ۱۳. حاشیه مفاتیح الجنان، نماز استغاثه به حضرت زهرا(علیها السلام).
۱۰۴. بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۵۴، ح ۱۲.
۱۰۵. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱، توقع ۵، به نقل از احتجاج. مفاتیح الجنان. زیارت حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) معروف به زیارت ال یس(علیهم السلام).
۱۰۶. نقل دیگری هست که، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآلہ وسلم) فرمودند: بگو: یا صاحب الزمان، اغتنی، یا صاحب الزمان ادرکنی، (ای صاحب زمان به فریاد من برس، ای صاحب زمان مرادریاب) پس در خواب فریاد زدم: یا صاحب الزمان، اغتنی یا صاحب الزمان ادرکنی

- (نجم الثاقب، ط جمکران، باب ۹، قضیه اول، ص ۷۲۹).
۱۰۷. الدعوات، راوندی، ص ۱۹۱-۲؛ بحارالانوار، ج ۳، ص ۵۳،
۱۰۸. نجم الثاقب، ط جمکران، باب ۹، ص ۳۲۴ و ۳۵،
۱۰۹. قضیه اول، ص ۷۲۹.
۱۱۰. مفاتیح الجنان، دعای فرج حضرت حجۃ(علیه السلام).
۱۱۱. متهی الامال، آخر فصل ششم.
۱۱۲. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۹۲، و مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۰۷، به نقل از جنة المأوى، ص ۲۹۲.
۱۱۳. بحارالانوار، ج ۸، ص ۱۰۹ به نقل از احتجاج طبرسی، ط اسوه، ج ۱، ص ۲۵۳.
۱۱۴. انتظار بکشید، ما هم، انتظار می کشیم .آیات به این مضمون، متعدد است، از جمله، انعام، ۱۵۸، یونس، ۲۰ و ۱۰۲ و هود، ۱۲۲.
۱۱۵. ر.ک: به تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۵۶۴ ح ۳، و ح ۴، و ح ۲، ص ۱۸۱، ح ۱، و ح ۲۳۲، ح ۴، و ح ۵، و ح ۲۰۵، و
۱۱۶. به تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۲۸، ح ۵۰، و ح ۱۵۹، ح ۶۲ و به کمال الدین، ج ۲، باب ۵۵.
۱۱۷. انعم، ۱۵۸.
۱۱۸. تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۵۶۴، ح ۳.
۱۱۹. همان، ح ۴.
۱۲۰. تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۲۳۲، ح ۴.
۱۲۱. بقره، ۱.۳.الم. آن کتابی که شک در آن راه ندارد، و مایه هدایت پرهیز کاران است، آنها، کسانی هستند که، به غیب ایمان می آورند.
۱۲۲. یونس، ۲۰.
۱۲۳. نفمه های فاطمیه، ص ۱۷.
۱۲۴. کمال الدین، ج ۲، باب ۳۶، ح ۳؛ ر.ک: به غیبت نعمانی، ص ۴۱، ذیل آیه و رابطوا ای رابطوا امامکم المنتظر و ر.ک: به روزگار رهایی، ج ۱، ص ۹۸ و ۱۰۹ و ۲۷۶ و ۲۲۷ و ۵۰۰.
۱۲۵. کمال الدین، ج ۱، باب ۳۲، ح ۶، و ح ۱۱.
۱۲۶. مفاتیح الجنان، دعا در غیبت امام زمان(عج).